

A BIG LIE CALLED SEPTEMBER 11TH

دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر

NASSER KAVEH





مذاکره با آمریکا
عاقلانه، هوشمندانه
و شرافتمندانه نیست...

دلیل؟ تجربه!

راه حل مشکلات، داخلی است و به دولت بسیار امیدوارم بتواند
مشکلات معیشتی مردم را کم کند.

این کتاب تقدیم می‌شود

به ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین)، امام خمینی (ره)، شهدا،
از صدر اسلام تا شهدای جبهه ی مقاومت و شهدای جنگ تحمیلی دوم
با آمریکا و اسرائیل و خانواده هایی که با هم به شهادت رسیدند...



« دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر »

روایتی از یک امپراتوری جنایتکار، متجاوز، دروغگو و فاسد

مدیر پروژه و نویسنده : ناصر کاوه

هوش مصنوعی ، گرافیک و طراح : ناصر کاوه

رسانه و فضای مجازی : مهدی کاوه

تایپ و حروف نگار و مشاور طرح : نرگس کاوه

روابط عمومی و پشتیبانی : فاطمه عاقلی

مشاور طرح : علی کربلایی

قیمت: صلوات بر محمد و آل محمد (ص)

فهرست فصل‌ها

دعوت به خواندن کتاب/7

مقدمه/9

1. پیش‌زمینه تاریخی و فرهنگی: بررسی زمینه سیاسی و اجتماعی سال‌های پیش از ۱۱ سپتامبر، ظهور افراطگرایی، سیاست‌های خاورمیانه‌ای ایالات متحده و شکل‌گیری روایت اولیه از حادثه. 11
2. لحظه برخورد و ثبت مشکوک تصاویر: تحلیل دقیق لحظه برخورد هواپیماها به برج‌های دوقلو، بررسی کیفیت و زاویه دوربین‌ها، و پرسش در مورد عدم وجود تصاویر واضح و جامع از لحظه برخورد. 11
3. فروپاشی غیرعادی برج‌ها: بررسی فیزیک فروپاشی ساختمان‌های بلند، تناقضات میان فروپاشی سریع و متقارن برج‌های دوقلو با مدل‌های رسمی، و بحث در مورد پدیده‌هایی چون “فروپاشی طبقاتی” و “بمب‌گذاری داخلی”. 11
4. شواهد علمی نانو ترمیت: ارائه و تحلیل شواهد علمی مبنی بر کشف ذرات نانو ترمیت در بقایای برج‌ها، خواص نانو ترمیت و توانایی آن در ذوب فولاد، و مقایسه آن با روایت رسمی مبنی بر اشتعال در اثر برخورد هواپیما و آتش‌سوزی. 11
5. ساختمان شماره ۷ – فروپاشی بدون برخورد: تمرکز بر سقوط ساختمان مرکز تجارت جهانی که با برج‌های دوقلو برخورد نکرد، بررسی گزارش رسمی در مورد دلیل فروپاشی آن و مقایسه با شواهد و تحلیل‌های فیزیکی. 19
6. هویت و ماهیت هواپیماها: بررسی شواهد مربوط به هواپیماهایی که ادعا می‌شود به برج‌ها برخورد کرده‌اند، تناقضات در گزارش‌های شاهدان عینی، بحث در مورد احتمال استفاده از پهپادها یا هواپیماهای کنترل از راه دور. 21
7. پنتاگون – موشک یا بونینگ؟: تحلیل حمله به پنتاگون، ابهامات مربوط به اندازه سوراخ ایجاد شده، بقایای هواپیما، و شواهد دال بر احتمال اصابت موشک کروز به جای هواپیمای بونینگ ۷۵۷. 23
8. پرواز ۹۳ – سقوط یا سرنگونی؟: بررسی جزئیات مربوط به پرواز شماره ۹۳، گزارش‌های ضد و نقیض از مکالمات خلبانان و سرنشینان، و شواهد دال بر احتمال سرنگونی این هواپیما توسط نیروی هوایی. 25
9. معاملات مشکوک بورس پیش از حادثه: بررسی گزارش‌ها و تحقیقات مبنی بر معاملات استقرایی (Short Selling) گسترده بر روی سهام شرکت‌های مرتبط با برج‌های دوقلو و صنعت هواپیمایی پیش از ۱۱ سپتامبر، و ابهامات پیرامون این معاملات. 27
10. ۱۱۵ دلیل گریفین – بخش اول: معرفی نظریه “۱۱۵ دلیل گریفین” به عنوان یکی از جامع‌ترین تحلیل‌های سوالات بی‌پاسخ ۱۱ سپتامبر، و بررسی بخش اول این دلایل که به جنبه‌های مختلف حادثه می‌پردازد. 29
11. ۱۱۵ دلیل گریفین – بخش دوم: ادامه بررسی نظریه “۱۱۵ دلیل گریفین”، با تمرکز بر دلایلی که به جنبه‌های سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی حادثه مرتبط هستند. 31
12. نقش دولت‌های داخلی و خارجی: تحلیل احتمالات و شواهد پیرامون دخالت یا اطلاع قبلی دولت‌های داخلی (ایالات متحده) و خارجی در وقوع یا مدیریت پس از حادثه ۱۱ سپتامبر. 33
13. پیامدهای جهانی و جنگ‌های پس از حادثه: بررسی عمیق پیامدهای حادثه ۱۱ سپتامبر، از جمله آغاز جنگ در افغانستان و عراق، دگرگونی در سیاست خارجی آمریکا، و تأثیرات آن بر روابط بین‌الملل و حقوق بشر. 35
14. نتیجه‌گیری و دعوت به حقیقت‌یابی: جمع‌بندی مباحث مطرح شده، تأکید بر اهمیت تحقیق مستقل و انتقادی، و دعوت به تلاش جمعی برای رسیدن به حقیقت و جلوگیری از تکرار سناریوهای مشابه. 37
15. ضمائم یک الی پانزده/39

سخن آخر/99



دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر

 **دعوتنامه جهانی برای خواندن کتاب «دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر»** 

به مردم آزاداندیش جهان،

به حقیقت‌جویانی که مرزهای دروغ را نمی‌پذیرند،

به همه کسانی که می‌خواهند فراتر از تیترهای خبری بیندیشند،

امروز، بیش از هر زمان دیگر، جهان ما نیازمند شجاعت پرسشگری است. یازدهم سپتامبر نه تنها چهره قرن بیست‌ویکم را تغییر داد، بلکه بهانه‌ای شد برای جنگ‌ها، اشغال‌ها، و تغییر مسیر سیاسی ملت‌ها. اما پشت پرده این واقعه، اسراری نهفته است که اگر کشف نشوند، همان چرخه تکرار خواهد شد.

کتاب «دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر» نوشته ناصر کاوه، شما را به سفری مستند، تحلیلی و چالش‌برانگیز می‌برد؛ سفری برای کشف لایه‌های پنهان تاریخ معاصر، بررسی اسناد، شنیدن صدای شاهدان عینی، و پی‌بردن به نقش واقعی قدرت‌های جهانی در مهندسی یک بحران.

این کتاب برای ملت خاصی نوشته نشده؛ پیام آن، جهانی و انسانی است. شما در هر گوشه این سیاره که باشید، حق دارید حقیقت را بدانید و از تکرار چنین فریب‌های تاریخی جلوگیری کنید.

امروز، شما دعوت شده‌اید که پرده‌ای را کنار بزنید و روایت رسمی ۱۱ سپتامبر را به نقد بکشید. آنچه خواهید خواند ممکن است آرامشتان را بر هم بزند، اما این بهای بیداری است.

 **بخوانید، بیندیشید، و حقیقت را با دیگران به اشتراک بگذارید.** این مسئولیت ماست تا تاریخ را از نو به درستی بنویسیم.

نسل‌های آینده از ما خواهند پرسید:

«وقتی فهمیدی، چه کردی؟»

ناصر کاوه

۲۰۲۵ / سپتامبر ۱۱

THE BIG LIE CALLED SEPTEMBER 11



مقدمه

دروود بر خوانندگان حقیقت‌جو و آزاداندیش، مرگ بر آمریکا و اذاب خونخوارش

یازده سپتامبر ۲۰۰۱ نه تنها یک روز سیاه در تاریخ بشریت بود، بلکه نقطه عطفی که جهان را به دو بخش پیش و پس از خود تقسیم کرد. این رویداد، که رسماً به عنوان حمله تروریستی القاعده به رهبری اسامه بن لادن توصیف می‌شود، منجر به مرگ بیش از ۲۹۷۷ نفر، زخمی شدن هزاران تن و آغاز جنگ‌هایی شد که میلیون‌ها قربانی گرفت. اما زیر لایه‌های رسمی این داستان، حفره‌هایی عمیق وجود دارد که نشان‌دهنده یک “دروغ بزرگ” است – توطئه‌ای مهندسی‌شده برای اهداف سیاسی، اقتصادی و نظامی.

حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، واقعه‌ای بود که جریان تاریخ معاصر را به طور چشمگیری دگرگون کرد. این رویداد، که توسط روایت رسمی به عنوان حمله‌ای تروریستی توسط القاعده به رهبری اسامه بن لادن معرفی شد، پیامدهای عمیق و گسترده‌ای در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی در سراسر جهان به همراه داشت. اما از همان روزهای اولیه، جامعه‌ای از پژوهشگران، مهندسان، روزنامه‌نگاران و تحلیلگران مستقل، در برابر روایت رسمی موضع گرفتند و با طرح پرسش‌های بنیادین و ارائه شواهد و تحلیل‌های خود، خواهان بررسی عمیق‌تر و مستقل‌تر ابعاد این فاجعه شدند.

من، ناصر کاوه، به عنوان نویسنده، با گسترش فصل‌ها و افزودن جزئیات بیشتر، سعی کرده‌ام تا این روایت را مفصل‌تر و جامع‌تر ارائه دهم. این کتاب، تلاشی است برای بازآفرینی و گسترش یافته‌ی دیدگاه‌های مطرح شده در مورد حادثه ۱۱ سپتامبر، با اتکا بر تحقیقات مستقل و دسترسی به منابع تاریخی و علمی جهانی. هدف ما در اینجا، صرفاً بیان یک روایت جایگزین نیست، بلکه دعوت به یک **تحقیق مستقل و تفکر انتقادی** است. ما شما را تشویق می‌کنیم تا خودتان در مورد وقایع آن روز تحقیق کنید، شواهد را بررسی کنید، و به نتیجه‌گیری شخصی خود برسید.

در این کتاب، به مرور تضادهای آشکار و سوالات بی‌پاسخ در روایت رسمی حادثه ۱۱ سپتامبر خواهیم پرداخت. از لحظه برخورد هواپیماها به برج‌های دوقلو و مرکز تجارت جهانی شماره ۷، تا فروپاشی غیرعادی ساختمان‌ها، شواهد علمی دال بر استفاده از مواد منفجره، هویت واقعی هواپیماهای درگیر، ابهامات مربوط به حمله به پنتاگون و سرنوشت پرواز شماره ۹۳، همه و همه مورد بررسی دقیق قرار خواهند گرفت. همچنین، به بررسی معاملات مشکوک بورسی پیش از حادثه، نظریات جامع‌نگر مانند “۱۱۵ دلیل گریفین”، نقش احتمالی دولت‌های داخلی و خارجی، و پیامدهای جهانی این فاجعه، از جمله جنگ‌های پس از آن، خواهیم پرداخت. این کتاب، نه یک محصول نهایی، بلکه یک نقطه شروع است. نقطه‌ای برای کنجکاو، پرسشگری و جستجوی حقیقت. ما امیدواریم که این مجموعه، شما را به گشودن دریچه‌های نو در فهم یکی از پیچیده‌ترین و تأثیرگذارترین رویدادهای تاریخ معاصر یاری رساند.

THE BIG LIE CALLED SEPTEMBER 11

سپٽمبر ۱۱



SALIDI
ARABIA

ناصر کاظم

فصل ۱: پیش‌زمینه تاریخی و فرهنگی

توصیف واقعه یا موضوع:

برای درک بهتر حادثه ۱۱ سپتامبر، لازم است به ریشه‌های تاریخی و فرهنگی آن بازگردیم. در دهه‌های پیش از این حادثه، شاهد تحولات پیچیده‌ای در صحنه جهانی بودیم. ظهور جنبش‌های اسلامی، سیاست‌های خارجی ایالات متحده در خاورمیانه، جنگ سرد و پیامدهای آن، و شکل‌گیری گروه‌هایی مانند القاعده، همگی بستری را برای وقایعی که رخ داد، فراهم کردند. همچنین، نحوه شکل‌گیری روایت اولیه از حادثه، که بلافاصله پس از وقوع، مسئولیت آن را به القاعده و اسامه بن لادن نسبت داد، بدون ارائه شواهد قاطع و مستقل، خود جای سوال دارد.

شواهد موجود (با ارجاع به منابع جهانی):

- **ظهور القاعده و نقش آن در افغانستان:** تحقیقات مختلف، از جمله گزارش‌های اطلاعاتی و تحلیل‌های تاریخی، به نقش ایالات متحده در حمایت از مجاهدین افغان در دوران جنگ با شوروی اشاره دارند. این حمایت‌ها، اگرچه در ابتدا برای مقابله با شوروی طراحی شده بود، اما به رشد و تقویت گروه‌هایی چون القاعده کمک کرد. (مانند کارهای bainbridge, 2004; Rashid, 2000)
- **سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا:** حضور نظامی آمریکا در منطقه، حمایت از رژیم‌های خاص، و درگیری‌های منطقه‌ای، نارضایتی‌هایی را در میان برخی گروه‌ها و ملت‌ها ایجاد کرده بود که می‌توانست به عنوان زمینه‌ای برای اقدامات اعتراضی تلقی شود. (مانند کارهای Chomsky, 2001)
- **شکل‌گیری روایت رسمی:** بلافاصله پس از حملات، رسانه‌های جریان اصلی و مقامات دولتی، روایت حمله القاعده را به صورت گسترده منتشر کردند. این روایت، بدون تحلیل انتقادی و بررسی شواهد متقابل، به سرعت به عنوان حقیقت مسلم پذیرفته شد. (مانند گزارش کمیسیون ۱۱ سپتامبر، 2004)

تحلیل شخصی نویسنده:

به نظر می‌رسد که روایت رسمی حادثه ۱۱ سپتامبر، تصویری ساده‌انگارانه و تک‌بعدی از یک واقعه بسیار پیچیده ارائه می‌دهد. زمینه تاریخی و فرهنگی، که شامل دهه‌ها تعاملات سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک بین غرب و جهان اسلام بود، نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری احتمالات پیرامون حادثه دارد. اینکه چگونه این اتفاق، به سرعت به یک “جنگ علیه تروریسم” تبدیل شد و مسیر سیاست خارجی آمریکا را به کلی تغییر داد، نشان‌دهنده آمادگی قبلی برای چنین واکنشی است.

نتیجه‌گیری و پرسش‌های باز:

آیا روایت رسمی حادثه ۱۱ سپتامبر، تمام ابعاد تاریخی و فرهنگی دخیل را در نظر گرفته است؟ آیا زمینه تاریخی، صرفاً بهانه‌ای برای توجیه یک عملیات از پیش طراحی شده بود؟ چگونه می‌توان بدون بررسی عمیق این پیش‌زمینه، به درک درستی از واقعه رسید؟

SEPTEMBER 11

دروغ بزرگ ۱۱ سبتمبر



ناصر کاوه

فصل ۲: لحظه برخورد و ثبت مشکوک تصاویر

توصیف واقعه یا موضوع:

حادثه ۱۱ سپتامبر با برخورد دو هواپیمای مسافربری به برج‌های دوقلو مرکز تجارت جهانی آغاز شد. این برخوردها، که قرار بود صحنه‌های وحشتناکی را به نمایش بگذارند، با اتفاقی عجیب همراه بودند: اکثر تصاویر و فیلم‌های گرفته شده از این لحظه، یا کیفیت پایینی دارند، یا زاویه دید مناسبی ارائه نمی‌دهند، و یا به طور عجیبی در زمان و مکان نامناسبی گرفته شده‌اند. این مسئله، شک و تردیدهایی را در مورد چگونگی ثبت این وقایع و وجود احتمالی دستکاری در تصاویر ایجاد کرده است.

شواهد موجود (با ارجاع به منابع جهانی):

- **کیفیت پایین تصاویر:** بسیاری از فیلم‌های موجود از لحظه برخورد، به صورت آماتور و با دوربین‌های خانگی ضبط شده‌اند. این مسئله، هرچند در ابتدا طبیعی به نظر می‌رسد، اما با توجه به ماهیت برجسته ساختمان‌های مرکز تجارت جهانی و حضور گسترده عکاسان و خبرنگاران در نیویورک، غیرعادی است. (مانند analysis by A. Dale, 2006)
- **زاویه دید محدود:** اکثر تصاویر، از زاویه خاصی گرفته شده‌اند که جزئیات کاملی از برخورد را نشان نمی‌دهند. به عنوان مثال، از زاویه‌هایی که می‌توانستند نشان دهند آیا هواپیما به صورت واقعی به ساختمان برخورد کرده یا چیز دیگری، تصاویر کافی موجود نیست.
- **زمان‌بندی مشکوک:** برخی ویدئوها، مانند ویدیوی “بابی استک” (Bobby Sikka)، که به نظر می‌رسد جزئیات بیشتری را نشان می‌دهد، با شک و تردیدهایی در مورد زمان ضبط و اصالت آن مواجه شده‌اند.
- **فقدان تصاویر واضح از زوایای مختلف:** با توجه به وجود دوربین‌های مداربسته در اطراف مرکز تجارت جهانی، و تعداد زیاد عکاسان و فیلمبرداران حرفه‌ای در نیویورک، انتظار می‌رود که تصاویر متعدد و با کیفیت بالا از زوایای مختلف در دسترس باشد. فقدان چنین تصاویری، سوال برانگیز است. (مانند testimonies collected by L. Jones, 2007)

تحلیل شخصی نویسنده:

اینکه چگونه در میان انبوهی از دوربین‌ها و ناظران، تصاویر دقیق و با کیفیتی از این رویداد حیاتی به دست نیامده است، به شدت سوال‌برانگیز است. این فقدان شواهد بصری روشن، امکان مانور برای تفسیرهای مختلف را فراهم می‌کند و این احتمال را تقویت می‌کند که یا دوربین‌ها به عمد در موقعیت‌های نامناسب قرار گرفته‌اند، یا تصاویر موجود دستکاری شده‌اند، یا حتی برخی از این تصاویر، خود بخشی از یک سناریوی از پیش تعیین شده بوده‌اند.

نتیجه‌گیری و پرسش‌های باز:

چرا با وجود حضور گسترده رسانه‌ها و دوربین‌ها، تصاویر واضح و کاملی از لحظه برخورد هواپیماها به برج‌های دوقلو موجود نیست؟ آیا این نقص در ثبت تصاویر، تصادفی بوده یا هدفمند؟ چه چیزی در این تصاویر پنهان شده است که روایت رسمی را زیر سوال می‌برد؟

A BIG LIE

CALLED SEPTEMBER 91TH

دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر

NASSER KAVEH

توصیف واقعه یا موضوع:

یکی از اصلی‌ترین دلایل شک و تردید در مورد روایت رسمی ۱۱ سپتامبر، نحوه فروپاشی برج‌های دوقلو (برج شمالی و برج جنوبی) مرکز تجارت جهانی است. برج‌های دوقلو، سازه‌هایی فولادی و بسیار مقاوم بودند که در اثر برخورد هواپیما و آتش‌سوزی، به صورت کاملاً عمودی و با سرعتی بسیار زیاد، به درون خود فرو ریختند. این نوع فروپاشی، که به “فروپاشی کنترل شده” (Controlled Demolition) شباهت دارد، با مدل‌های رسمی مبنی بر تخریب ناشی از برخورد و آتش‌سوزی، در تناقض است.

شواهد موجود (با ارجاع به منابع جهانی):

- **سرعت و تقارن فروپاشی:** برج‌ها به صورت تقریباً عمودی و با سرعت بسیار نزدیک به سرعت سقوط آزاد، فرو ریختند. این سرعت، نشان می‌دهد که مقاومت سازه در طبقات پایین‌تر، بسیار کم شده بود، که با صرفاً آتش‌سوزی منطقی نیست. (مانند 2008; S. Jones, 2005; F. Greening, 2005) analyses by
- **فروپاشی طبقاتی (Pancaking):** روایت رسمی، فروپاشی را ناشی از “پانکیکنگ” (pancaking) یعنی خم شدن طبقات فولادی و فرو ریختن آن‌ها روی هم، توصیف می‌کند. اما مهندسان سازه معتقدند این فرآیند، زمان‌برتر از آن چیزی است که در برج‌های دوقلو مشاهده شد و نمی‌تواند منجر به چنین فروپاشی سریعی شود.
- **خروج گرد و غبار و دود:** در لحظات اولیه فروپاشی، از طبقات میانی برج‌ها، توده‌های عظیمی از گرد و غبار به بیرون فوران کرد، که نشان‌دهنده انفجارهای داخلی و تخلیه سریع هوا از طبقات است، چیزی که در اثر آتش‌سوزی معمولاً رخ نمی‌دهد. (مانند footage analysis from the 9/11 Commission, NIST reports, and independent researchers)
- **حفظ شکل ظاهری:** برج‌ها در طول فروپاشی، شکل ستونی خود را تا حد زیادی حفظ کردند و قطعات بزرگ از آن‌ها جدا نشدند، که این نیز با فروپاشی کنترل شده که در آن مواد منفجره در ستون‌ها کار گذاشته می‌شوند، همخوانی بیشتری دارد.

تحلیل شخصی نویسنده:

نحوه فروپاشی برج‌های دوقلو، به شدت با تئوری‌های مهندسی پذیرفته شده در مورد تأثیر آتش‌سوزی بر سازه‌های فولادی در تناقض است. اگرچه آتش‌سوزی باعث تضعیف فولاد می‌شود، اما فروپاشی کامل و سریع برج‌ها، گواه بر وجود عاملی قوی‌تر و سریع‌تر است که بتواند مقاومت سازه را در تمام نقاط به طور همزمان از بین ببرد. شباهت این فروپاشی با تخریب‌های کنترل شده با مواد منفجره، تردیدها را در مورد دخالت انسانی در این فرآیند افزایش می‌دهد.

نتیجه‌گیری و پرسش‌های باز:

آیا فروپاشی برج‌های دوقلو، صرفاً نتیجه برخورد هواپیما و آتش‌سوزی بود؟ آیا ابزار مهندسی و علمی برای توضیح این پدیده به صورت کامل ارائه شده است؟ چه شواهدی برای رد یا تایید فرضیه فروپاشی کنترل شده وجود دارد؟

A BIG LIE

CALLED SEPTEMBER 91TH



NASSER KAVEH

فصل ۴: شواهد علمی نانو ترمیت

توصیف واقعه یا موضوع:

یکی از مهمترین شواهد علمی که در رد روایت رسمی ۱۱ سپتامبر مطرح شده است، کشف ذرات “نانو ترمیت” (Nano-thermite) در بقایای برج‌های مرکز تجارت جهانی است. نانو ترمیت، نوعی ماده منفجره پیشرفته است که با توانایی ذوب کردن فولاد در دماهای بسیار بالا، می‌تواند به عنوان عامل تخریب در فروپاشی سازه‌های فلزی عمل کند. یافته‌های علمی در این زمینه، پرسش‌های جدی در مورد علت واقعی فروپاشی برج‌ها مطرح کرده است.

شواهد موجود (با ارجاع به منابع جهانی):

- **کشف نانو ترمیت در گرد و غبار برج‌ها:** گروهی از دانشمندان، از جمله استیون جونز (Steven Jones)، پروفیسور فیزیک دانشگاه بریگام یانگ، و جفری فلچر (Jeffery Farrer)، در مقاله‌ای منتشر شده در مجله *Journal of 9/11 Studies*، شواهدی مبنی بر وجود نانو ترمیت و ترکیبات آن در نمونه‌های گرد و غبار جمع‌آوری شده از محل برج‌های دوقلو ارائه دادند. (Jones, S. et al., 2006)
- **خواص نانو ترمیت:** نانو ترمیت، مخلوطی از اکسید آهن و آلومینیوم در مقیاس نانو است که در صورت واکنش، دمایی بیش از ۲۵۰۰ درجه سانتی‌گراد تولید می‌کند و قادر به ذوب کردن فولاد است. این ویژگی، آن را به یک ماده ایده‌آل برای تخریب ساختمان‌ها از طریق ذوب کردن ستون‌های فولادی تبدیل می‌کند.
- **بقایای نانو ترمیت در آزمایشگاه:** تصاویر میکروسکوپی و تحلیل‌های شیمیایی انجام شده توسط این محققان، نشان‌دهنده ذرات کروی شکل و اکسید شده آلومینیوم، و همچنین بقایای نیتريد آلومینیوم بود که مشخصه واکنش نانو ترمیت است.
- **رد گزارش NIST:** گزارش رسمی اداره ملی استاندارد و فناوری (NIST) که علت فروپاشی را ناشی از آتش‌سوزی توصیف می‌کند، وجود نانو ترمیت را رد کرده و توضیح دیگری برای این ذرات ارائه می‌دهد. اما بسیاری از دانشمندان، توضیحات NIST را قانع‌کننده نمی‌دانند. (NIST NCSTAR 1, 2005; dissenting opinions by Dr. E. Sieh, Dr. R. Bazant)

تحلیل شخصی نویسنده:

کشف علمی مواد منفجره قدرتمندی چون نانو ترمیت در بقایای برج‌های دوقلو، اگر قابل تأیید و تکذیب علمی مستقل باشد، می‌تواند یکی از قوی‌ترین شواهد علیه روایت رسمی باشد. اگر این مواد منفجره برای تخریب برج‌ها استفاده شده باشند، به این معنی است که فروپاشی آن‌ها نه نتیجه تصادفی برخورد و آتش‌سوزی، بلکه یک عملیات از پیش طراحی شده و هدفمند بوده است. این موضوع، ابعاد حادثه را از یک حمله تروریستی به یک سناریوی پیچیده‌تر تغییر می‌دهد.

نتیجه‌گیری و پرسش‌های باز:

آیا شواهد علمی مبنی بر وجود نانو ترمیت در برج‌های دوقلو، صحت دارد و آیا این یافته‌ها به طور جدی مورد بررسی و رسیدگی قرار گرفته‌اند؟ اگر نانو ترمیت عامل فروپاشی بوده، چه کسانی و با چه انگیزه‌ای از آن استفاده کرده‌اند؟ چرا گزارش رسمی NIST نتوانسته این شواهد را به طور قانع‌کننده‌ای توضیح دهد؟

The Bid Liell

SEPTESMBE 11



فصل ۵: ساختمان شماره ۷ – فروپاشی بدون برخورد

توصیف واقعه یا موضوع:

حادثه ۱۱ سپتامبر تنها به برج‌های دوقلو محدود نشد. ساختمان شماره ۷ مرکز تجارت جهانی (WTC 7)، یک آسمان‌خراش ۴۷ طبقه که در بلوک مجاور برج‌های دوقلو قرار داشت، در بعدازظهر همان روز، حدود ۷ ساعت پس از فروپاشی برج‌ها، به طرز مشکوکی فرو ریخت. نکته بسیار مهم این است که ساختمان شماره ۷ با هیچ هواپیمایی برخورد نکرد و تنها دچار آتش‌سوزی‌های پراکنده‌ای شد که طبق گزارش رسمی، باعث فروپاشی آن شد. این موضوع، یکی از کلیدی‌ترین نکات در تردیدها نسبت به روایت رسمی ۱۱ سپتامبر محسوب می‌شود.

شواهد موجود (با ارجاع به منابع جهانی):

- **عدم برخورد هواپیما:** طبق تمام گزارش‌ها و شواهد تصویری، هیچ هواپیمایی با ساختمان شماره ۷ برخورد نکرد.
- **آتش‌سوزی محدود:** گزارش رسمی NIST ادعا می‌کند که آتش‌سوزی ناشی از انفجار در طبقات پایینی و سرایت شعله‌ها به طبقات بالایی، باعث فروپاشی شد. اما تصاویر موجود نشان‌دهنده آتش‌سوزی‌هایی نسبتاً محدود در چند طبقه است که به نظر نمی‌رسد توانایی تخریب چنین سازه عظیمی را داشته باشد. (NIST NCSTAR 1A, 2005)
- **سرعت و تقارن فروپاشی:** ساختمان شماره ۷ نیز مانند برج‌های دوقلو، به صورت کاملاً عمودی، متقارن و با سرعتی نزدیک به سقوط آزاد فرو ریخت. این نوع فروپاشی، به شدت شبیه به تخریب کنترل شده با استفاده از مواد منفجره است.
- **انفجارهای پیش از فروپاشی:** برخی شاهدان عینی و همچنین تحلیل‌های صوتی، از شنیده شدن صداهایی شبیه انفجار پیش از فروپاشی ساختمان شماره ۷ خبر داده‌اند. (Engineers & Testimonies published by Architects for 9/11 Truth)
- **محتویات ساختمان:** ساختمان شماره ۷ محل استقرار دفاتر مهمی از جمله خزانه‌داری آمریکا، سرویس مخفی، وزارت دفاع، و سازمان اطلاعات مرکزی (CIA) بود. تخریب این ساختمان، از بین بردن احتمالی اسناد و مدارک حیاتی را نیز مطرح می‌کند.

تحلیل شخصی نویسنده:

فروپاشی ساختمان شماره ۷، یکی از قوی‌ترین دلایل تردید در مورد روایت رسمی ۱۱ سپتامبر است. فروپاشی یک آسمان‌خراش فولادی، بدون برخورد هواپیما و صرفاً در اثر آتش‌سوزی محدود، با دانش مهندسی شناخته شده سازگار نیست. سرعت، تقارن و شواهد مربوط به انفجارهای پیشین، گمانه‌زنی‌ها در مورد استفاده از مواد منفجره برای تخریب این ساختمان را به شدت تقویت می‌کند. این موضوع، طرح این سوال را ضروری می‌سازد که آیا این فروپاشی، بخشی از یک عملیات بزرگتر بوده است.

نتیجه‌گیری و پرسش‌های باز:

چگونه ممکن است ساختمانی که با هیچ هواپیمایی برخورد نکرده و تنها دچار آتش‌سوزی محدودی بوده، به این شکل سریع و کامل فرو بریزد؟ آیا روایت رسمی NIST در مورد علت فروپاشی ساختمان شماره ۷، از نظر علمی قابل دفاع است؟ آیا این فروپاشی، خود دلیل یا هدف پنهانی داشته است؟

THE BIG LIE CALLED SEPTEMBER 11

دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ



Naser Kaveh

فصل ۶: هویت و ماهیت هواپیماها

توصیف واقعه یا موضوع:

روایت رسمی ۱۱ سپتامبر، مدعی است که چهار هواپیمای مسافربری بوئینگ ۷۶۷ و بوئینگ ۷۵۷ توسط تروریست‌ها ربوده شده و به اهداف خود برخورد کرده‌اند. با این حال، در مورد جزئیات این هواپیماها، از جمله مدل دقیق، شرکت هواپیمایی، مسیر پرواز، و حتی هویت کامل مسافران و خدمه، ابهاماتی وجود دارد. همچنین، شواهد بصری و فنی ارائه شده برای اثبات برخورد هواپیماها، با انتقادات و تردیدهایی روبرو شده است.

شواهد موجود (با ارجاع به منابع جهانی):

- **مدل‌های هواپیما:** در حالی که ادعا می‌شود هر چهار هواپیما بوئینگ بوده‌اند، جزئیات مربوط به مدل دقیق هواپیماهای پرواز شماره ۱۱، ۱۷۵، ۷۷ و ۹۳، همیشه به صورت شفاف و کامل ارائه نشده است. برخی تحلیل‌ها بر اساس داده‌های پروازی و شواهد بصری، مدل‌های ارائه شده را زیر سوال برده‌اند. (Analysis by P. Sellier, 2006)
- **تفاوت در تصاویر:** تصاویر منتسب به برخورد هواپیماهای مختلف، گاهی با هم تفاوت‌هایی را نشان می‌دهند، از جمله اندازه، شکل بال‌ها و حتی رنگ هواپیما. این تفاوت‌ها، تردیدهایی را در مورد اینکه آیا واقعاً همین هواپیماها به اهداف خود برخورد کرده‌اند، ایجاد کرده است.
- **فقدان بقایای هواپیما:** در محل برخورد هواپیما به برج‌های دوقلو و پنتاگون، به جز قطعات کوچک و سوخته، بقایای قابل توجهی از بدنه هواپیما، بال‌ها، موتور‌ها یا چرخ‌های آن مشاهده نشده است. این موضوع، به خصوص در مورد برج‌های دوقلو که هواپیما به صورت کامل در آن‌ها فرو رفت، غیرعادی به نظر می‌رسد. (Research by D. Ray Griffin, 2009)
- **زمان‌بندی پروازها و رادار:** تناقضاتی در گزارش‌های مربوط به زمان دقیق بلند شدن هواپیماها، مسیرهای پروازی و داده‌های راداری، تردیدهایی را در مورد سناریوی ربوده‌شدن هواپیماها و مسیرهای طی شده ایجاد کرده است.
- **پرواز شماره ۹۳:** در مورد پرواز شماره ۹۳، گزارش‌ها از مکالمات خلبانان و خدمه، و همچنین زمان و مکان سقوط، با ابهاماتی همراه است که در فصل مربوط به این پرواز بیشتر به آن پرداخته خواهد شد.

تحلیل شخصی نویسنده:

با توجه به اهمیت حیاتی هویت هواپیماها در اثبات روایت رسمی، فقدان شواهد قطعی و واضح در این زمینه، به شدت سوال‌برانگیز است. این ابهامات، باعث طرح این گمانه می‌شود که آیا هواپیماهای مورد ادعا، واقعاً همان‌هایی بوده‌اند که به اهداف خود برخورد کرده‌اند؟ یا اینکه سناریویی پیچیده‌تر، از جمله استفاده از پهپادها یا هواپیماهای کنترل از راه دور، در کار بوده است؟

نتیجه‌گیری و پرسش‌های باز:

آیا هویت و مدل دقیق هواپیماهایی که ادعا می‌شود در حملات ۱۱ سپتامبر دخیل بوده‌اند، به طور قطعی اثبات شده است؟ چرا شواهد بصری و فیزیکی مربوط به این هواپیماها، با ابهاماتی روبرو است؟ آیا احتمال استفاده از هواپیماهای غیر مسافربری در این حملات وجود دارد؟



THE BIG CALLED 9/11

دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر

ناصرگاه

فصل ۷: پنتاگون – موشک یا بوئینگ؟

توصیف واقعه یا موضوع:

یکی دیگر از نقاط مبهم و مورد بحث در مورد حوادث ۱۱ سپتامبر، حمله به ساختمان پنتاگون، مقر وزارت دفاع ایالات متحده است. روایت رسمی ادعا می‌کند که یک هواپیمای بوئینگ ۷۵۷، با پرواز شماره ۷۷، به این ساختمان برخورد کرده است. با این حال، بررسی شواهد موجود، از جمله اندازه سوراخ ایجاد شده در ساختمان، فقدان بقایای قابل توجه هواپیما، و سرعت بالای برخورد، باعث طرح این فرضیه شده است که احتمالاً موشک کروز، و نه هواپیمای مسافربری، به پنتاگون اصابت کرده است.

شواهد موجود (با ارجاع به منابع جهانی):

- **اندازه سوراخ:** سوراخ ایجاد شده در دیوار خارجی پنتاگون، در حدود ۱۸ فوت (حدود ۵.۵ متر) عرض داشته است. این اندازه، با ابعاد یک هواپیمای بوئینگ ۷۵۷ (با عرض بال حدود ۳۸ متر) که به صورت کامل در ساختمان فرو رفته باشد، سازگار نیست. (Analysis by P. Pappas, 2004)
- **فقدان بقایای هواپیما:** برخلاف انتظار، در محل برخورد، قطعات بزرگ بدنه هواپیما، بال‌ها، موتورها، یا چرخ‌ها مشاهده نشده است. تنها قطعات کوچکی از فلز و مقداری بتن شکسته دیده می‌شود که به طور قطع قابل انتساب به یک هواپیمای بوئینگ ۷۵۷ نیستند.
- **تفاوت در تصاویر:** برخی تصاویر منتشر شده از صحنه حادثه، نشان‌دهنده آسیب سطحی‌تر نسبت به آنچه از برخورد یک هواپیمای غول‌پیکر انتظار می‌رود، هستند. همچنین، تصاویر منتشر شده از بقایای هواپیما، بیشتر شبیه به قطعات موشک است تا بدنه یک هواپیمای مسافربری.
- **روایت شاهدان عینی:** برخی شاهدان عینی، پیش از شنیدن صدای برخورد، صدای مهیبی شبیه به صدای موشک را شنیده‌اند و نور یا دود غلیظی را مشاهده کرده‌اند که با مشخصات اصابت یک موشک کروز همخوانی بیشتری دارد.
- **تخریب در طبقات اول:** برخلاف برخورد هواپیما که انتظار می‌رود تخریب را از طبقات بالا آغاز کند، شواهد نشان می‌دهند که سوراخ اصلی در پنتاگون در طبقات پایینی (اول و دوم) ایجاد شده است، که با نحوه عملکرد موشک‌ها سازگارتر است.
- **گزارش رسمی NIST:** گزارش NIST، این تناقضات را با توضیحاتی مبنی بر متلاشی شدن هواپیما در اثر برخورد و پراکنده شدن قطعات در اثر نیروی انفجار، رد می‌کند. اما این توضیحات برای بسیاری قانع‌کننده نیست.

تحلیل شخصی نویسنده: اگر حادثه پنتاگون در واقع با اصابت موشک انجام شده باشد، این موضوع به این معنی است که سناریوی حملات ۱۱ سپتامبر، از ابتدا طراحی شده و با استفاده از یک حمله نمایشی و انحرافی، سعی در پنهان کردن حقیقت داشته است. این فرضیه، نقش آمریکا در وقایع آن روز را به شدت زیر سوال می‌برد و بیانگر یک عملیات پنهان و حساب شده است.

نتیجه‌گیری و پرسش‌های باز: آیا برخورد یک هواپیمای بوئینگ ۷۵۷ به پنتاگون، به طور قطعی اثبات شده است؟ چرا شواهد فیزیکی و تصویری موجود، با روایت رسمی حادثه پنتاگون همخوانی ندارد؟ آیا احتمال اصابت موشک کروز به پنتاگون، با توجه به شواهد موجود، قابل رد است؟



فصل ۸: پرواز ۹۳ – سقوط یا سرنگونی؟

توصیف واقعه یا موضوع:

پرواز شماره ۹۳ هواپیمایی یونایتد ایرلاینز، یکی دیگر از نقاط ابهام‌برانگیز در حوادث ۱۱ سپتامبر است. در حالی که روایت رسمی ادعا می‌کند که این هواپیما در اثر مقاومت مسافران و خدمه، از مسیر خود منحرف شده و در پنسیلوانیا سقوط کرده است، شواهد و گزارش‌های متناقض، تردیدهایی را در مورد سرنوشت واقعی این هواپیما و نحوه سقوط آن ایجاد کرده است.

شواهد موجود (با ارجاع به منابع جهانی):

- **زمان و مکان سقوط:** گزارش‌های اولیه از مکان سقوط پرواز ۹۳، با گزارش‌های بعدی و همچنین موقعیت پروازی هواپیما، تناقضاتی دارد.
- **مکالمات خلبانان:** مکالمات ضبط شده در جعبه سیاه هواپیما، که طبق گزارش کمیسیون ۱۱ سپتامبر، تلاش مسافران برای بازپس‌گیری کنترل هواپیما را نشان می‌دهد، توسط برخی کارشناسان به چالش کشیده شده است. (Analysis by V. Michaels, 2005)
- **وجود دو انفجار:** برخی شاهدان عینی در محل سقوط، از شنیده شدن صدای دو انفجار، یکی قبل از برخورد و دیگری پس از آن، خبر داده‌اند. این موضوع، می‌تواند نشان‌دهنده سرنگونی هواپیما توسط نیروی خارجی، قبل از سقوط نهایی باشد.
- **عدم وجود بقایای کامل هواپیما:** مانند سایر حوادث، بقایای هواپیما در محل سقوط نیز کامل نبوده است. این موضوع، در کنار گزارش‌ها از برخورد شدید هواپیما به زمین، سوالاتی را در مورد نحوه سقوط آن مطرح می‌کند.
- **تحلیل‌های راداری:** برخی تحلیل‌ها بر اساس داده‌های راداری، نشان می‌دهند که سقوط هواپیما ممکن است به دلیل از دست دادن کنترل در ارتفاع پایین، یا سرنگونی توسط جنگنده بوده باشد.
- **قطع ناگهانی صدا:** مکالمات از داخل هواپیما، ناگهان و بدون دلیل مشخصی قطع شده است، که می‌تواند نشان‌دهنده اتفاقی ناگهانی و غیرمنتظره باشد.

تحلیل شخصی نویسنده:

سناریوی مقاومت مسافران در پرواز ۹۳، که منجر به سقوط آن در پنسیلوانیا شد، به نظر می‌رسد تلاشی برای تکمیل تصویری از قهرمانی شهروندان عادی در برابر تروریسم بوده است. اما تناقضات در گزارش‌ها و شواهد، احتمال سرنگونی هواپیما توسط نیروهای نظامی برای جلوگیری از رسیدن آن به هدف احتمالی (مانند کاپیتول هیل یا کاخ سفید) را نیز مطرح می‌کند.

نتیجه‌گیری و پرسش‌های باز:

آیا روایت رسمی در مورد پرواز شماره ۹۳، تمام واقعیت را بازگو می‌کند؟ آیا شاهدان عینی و تحلیل‌های صوتی و راداری، شواهدی از سرنگونی هواپیما ارائه می‌دهند؟ چرا اطلاعات مربوط به این پرواز، با ابهاماتی بیشتری نسبت به سایر پروازهای دخیل در ۱۱ سپتامبر همراه است؟



THE BIG LIE CALLED 9/11

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُهُ
دروغی بزرگ به نام اسرائیل

ناصر کاوه

NASER KAVEH

فصل ۹: معاملات مشکوک بورس پیش از حادثه

توصیف واقعه یا موضوع:

یکی از جنبه‌های اقتصادی و مالی حادثه ۱۱ سپتامبر، معاملات مشکوک در بازارهای بورس در روزهای پیش از وقوع حملات است. گزارش‌ها و تحقیقاتی نشان می‌دهند که حجم عظیمی از معاملات استقراضی (Short Selling) بر روی سهام شرکت‌های مرتبط با برج‌های دوقلو و صنعت هواپیمایی، به طور ناگهانی افزایش یافته بود. این معاملات، به معنای شرط‌بندی بر کاهش ارزش سهام این شرکت‌ها بود و به طور بالقوه نشان‌دهنده اطلاع قبلی از وقوع حادثه و ضرر قریب‌الوقوع این شرکت‌ها است.

شواهد موجود (با ارجاع به منابع جهانی):

- **معاملات استقراضی بر روی سهام یونایتد ایرلاینز و مورگان استنلی:** در روزهای پیش از ۱۱ سپتامبر، حجم معاملات استقراضی بر روی سهام شرکت یونایتد ایرلاینز (که پروازهای شماره ۱۷۵ و ۹۳ را داشت) و شرکت مورگان استنلی (که دفاتر آن در برج‌های دوقلو قرار داشت)، به طور چشمگیری افزایش یافت. (Report by the German Financial Times, 2001; investigation by Reuters, 2001)
- **فقدان مشابه در بازارهای جهانی:** این افزایش معاملات استقراضی، در بازارهای بورس سایر کشورها، به ویژه در مورد شرکت‌های مشابه، مشاهده نشد. این موضوع، نشان‌دهنده منحصر به فرد بودن این معاملات و ارتباط احتمالی آن با حوادث ۱۱ سپتامبر است.
- **عدم پیگیری کمیسیون ۱۱ سپتامبر:** کمیسیون ۱۱ سپتامبر، در گزارش خود به این معاملات مشکوک اشاره‌ای مختصر کرد، اما تحقیقات جامعی در این زمینه انجام نداد و ارتباط مستقیمی بین این معاملات و عاملان حادثه برقرار نکرد.
- **تحقیقات مستقل:** تحقیقاتی که توسط سازمان‌های مستقل و برخی روزنامه‌نگاران انجام شد، نشان داد که حجم این معاملات، به حدی بود که نمی‌توانست تصادفی باشد و احتمالاً توسط افرادی که از وقوع حادثه مطلع بودند، انجام شده است.
- **تحریم معاملات استقراضی:** در پی این اتفاقات، برخی کشورها، از جمله آلمان و سوئیس، معاملات استقراضی را به صورت موقت ممنوع کردند تا از سوءاستفاده در شرایط بحرانی جلوگیری کنند.

تحلیل شخصی نویسنده:

این معاملات مشکوک، در کنار سایر ابهامات، به شدت این گمانه را تقویت می‌کند که ممکن است افرادی در داخل یا خارج از دولت آمریکا، از وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر مطلع بوده‌اند و از این اطلاعات برای کسب سود مالی استفاده کرده‌اند. این موضوع، ابعاد مالی و اقتصادی حادثه را برجسته می‌کند و سؤالاتی در مورد انگیزه واقعی عاملان و سطح آگاهی دولت از این موضوع مطرح می‌سازد.

نتیجه‌گیری و پرسش‌های باز: آیا معاملات مشکوک بورس پیش از ۱۱ سپتامبر، نشان‌دهنده اطلاع قبلی از وقوع حوادث بود؟ چرا کمیسیون ۱۱ سپتامبر، تحقیقات جامعی در این زمینه انجام نداد؟ چه کسانی از این معاملات سود بردند و چه ارتباطی بین این معاملات و عاملان احتمالی حادثه وجود دارد؟

SEPEENDE 11

دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر

ناصر کاوه

فصل ۱۰: ۱۱۵ دلیل گریفین – بخش اول

توصیف واقعه یا موضوع:

دیوید ری گریفین (David Ray Griffin)، یکی از برجسته‌ترین و پرکارترین محققان مستقل در مورد حوادث ۱۱ سپتامبر، کتابی با عنوان “روایت رسمی ۱۱ سپتامبر: ۱۱۵ دلیل برای شک” (The 9/11 Commission Report: Omissions and Distortions) منتشر کرد که در آن به طور مفصل به بررسی تناقضات و موارد حذف شده در گزارش کمیسیون ۱۱ سپتامبر پرداخته است. در این فصل و فصل بعدی، به مرور مهمترین دلایل گریفین در مورد سوالات بی‌پاسخ این حادثه می‌پردازیم.

شواهد موجود (با ارجاع به منابع جهانی):

گریفین در کتاب خود، با استناد به گزارش‌های رسمی، شهادت شاهدان عینی، مقالات علمی و تحلیل‌های فنی، موارد متعددی را مطرح می‌کند که روایت رسمی را زیر سوال می‌برند. برخی از این دلایل که به بخش اول کتاب او مربوط می‌شوند، عبارتند از:

- **فروپاشی برج‌های دوقلو:** گریفین به تفصیل در مورد فروپاشی سریع و متقارن برج‌های دوقلو بحث می‌کند و آن را با مدل آتش‌سوزی و برخورد هواپیما ناسازگار می‌داند. او به شباهت این فروپاشی با تخریب کنترل شده اشاره می‌کند. (Griffin, 2009, Chapter 2)
- **فروپاشی ساختمان شماره ۷:** گریفین، فروپاشی ساختمان شماره ۷ را یکی از قوی‌ترین شواهد علیه روایت رسمی معرفی می‌کند، چرا که این ساختمان با هیچ هواپیمایی برخورد نکرده بود و صرفاً در اثر آتش‌سوزی فرو ریخت، که این اتفاق با قوانین فیزیک و مهندسی سازه ناسازگار است. (Griffin, 2009, Chapter 3)
- **انفجار در پنتاگون:** او به تناقضات مربوط به حمله به پنتاگون، از جمله اندازه سوراخ، فقدان بقایای هواپیما و سرعت برخورد، اشاره می‌کند و فرضیه اصابت موشک کروز را مطرح می‌سازد. (Griffin, 2009, Chapter 4)
- **هویت هواپیماها:** گریفین به ابهامات مربوط به مدل و هویت هواپیماهایی که ادعا می‌شود در حملات دخیل بوده‌اند، می‌پردازد و احتمال استفاده از هواپیماهای دیگر را مطرح می‌کند. (Griffin, 2009, Chapter 5)
- **فقدان دفاع هوایی:** گریفین سوال می‌کند که چرا در روز ۱۱ سپتامبر، با وجود زمان کافی برای واکنش، هیچ نیروی دفاع هوایی برای رهگیری هواپیماهای ربوده شده، آماده نشد. (Griffin, 2009, Chapter 6)
- **مشکلات فنی در گزارش کمیسیون:** او به طور مداوم به حذف اطلاعات، تحریف شواهد و استفاده از منابع غیرقابل اتکا در گزارش کمیسیون ۱۱ سپتامبر اشاره می‌کند. (Griffin, 2009, Chapter 1)

تحلیل شخصی نویسنده:

نظرات دیوید ری گریفین، به دلیل جامعیت و استناد دقیق به منابع، به عنوان یکی از قوی‌ترین نقدها به روایت رسمی ۱۱ سپتامبر شناخته می‌شود. او با طرح سوالات بنیادین و کنار هم قرار دادن شواهد ظاهراً بی‌ارتباط، تصویری جامع از ابهامات موجود را ارائه می‌دهد و خواننده را به چالش می‌کشد تا روایت رسمی را با تردید بیشتری بررسی کند.

نتیجه‌گیری و پرسش‌های باز: آیا دلایل مطرح شده توسط گریفین، به اندازه کافی قانع‌کننده هستند تا روایت رسمی ۱۱ سپتامبر را زیر سوال ببرند؟ چه پاسخی برای این دلایل توسط نهادهای رسمی ارائه شده است؟ چرا این دلایل به طور گسترده در رسانه‌های جریان اصلی مورد بررسی قرار نگرفته‌اند؟

SEPTEMBER 11



فصل ۱۱: ۱۱۵ دلیل گریفین – بخش دوم

توصیف واقعه یا موضوع:

در ادامه فصل پیشین، به بررسی بخش دوم دلایل دیوید ری گریفین در کتاب “روایت رسمی ۱۱ سپتامبر: ۱۱۵ دلیل برای شک” می‌پردازیم. این بخش از دلایل گریفین، بیشتر بر جنبه‌های سیاسی، اقتصادی و حقوقی حادثه تمرکز دارد و سوالات عمیق‌تری را در مورد انگیزه و پیامدهای این رویداد مطرح می‌کند.

شواهد موجود (با ارجاع به منابع جهانی):

بخش دوم دلایل گریفین شامل موارد زیر است:

- **عدم پوشش جامع حوادث توسط کمیسیون:** گریفین استدلال می‌کند که کمیسیون ۱۱ سپتامبر، عمداً از بررسی برخی جنبه‌های مهم حادثه، مانند معاملات مشکوک بورس، اطلاعات مربوط به اسامه بن لادن و القاعده، و نقش احتمالی سرویس‌های اطلاعاتی خارجی، اجتناب کرده است. (Griffin, 2009, Chapter 7)
- **توجیه جنگ در افغانستان و عراق:** گریفین معتقد است که روایت رسمی ۱۱ سپتامبر، به عنوان بهانه‌ای برای توجیه جنگ‌های غیرقانونی در افغانستان و عراق، و همچنین گسترش نفوذ آمریکا در منطقه، مورد استفاده قرار گرفته است. (Griffin, 2009, Chapter 8)
- **موضوع زندان گوانتانامو و نقض حقوق بشر:** او به ارتباط حادثه ۱۱ سپتامبر با ایجاد زندان گوانتانامو و نقض گسترده حقوق بشر تحت عنوان “جنگ علیه ترور” اشاره می‌کند. (Griffin, 2009, Chapter 9)
- **شک و تردید در مورد عاملان:** گریفین، با توجه به شواهد موجود، نقش القاعده و اسامه بن لادن را به عنوان تنها عاملان حادثه، زیر سوال می‌برد و احتمال دخالت عوامل داخلی یا خارجی دیگر را مطرح می‌کند. (Griffin, 2009, Chapter 10)
- **نظریه “جنگ داخلی پنهان”:** برخی از طرفداران گریفین، نظریه “جنگ داخلی پنهان” را مطرح می‌کنند که در آن، گروه‌هایی در داخل دولت آمریکا، از حوادث ۱۱ سپتامبر برای پیشبرد اهداف خود استفاده کرده‌اند.
- **فقدان شفافیت و پاسخگویی:** گریفین از فقدان شفافیت کامل، پاسخگویی و بررسی مستقل وقایع ۱۱ سپتامبر، انتقاد می‌کند و این وضعیت را نشانه‌ای از پنهان‌کاری می‌داند. (Griffin, 2009, Chapter 11)

تحلیل شخصی نویسنده:

دیدگاه گریفین، علاوه بر نقد فنی و مهندسی، به عمق سیاسی و اجتماعی حادثه ۱۱ سپتامبر نیز می‌پردازد. او نشان می‌دهد که چگونه یک روایت واحد، بدون بررسی عمیق و مستقل، توانسته است مسیر تاریخ جهان را به سمت جنگ، ترور و نقض حقوق بشر تغییر دهد. این موضوع، اهمیت تحقیق مستقل و آگاهی عمومی را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

نتیجه‌گیری و پرسش‌های باز:

آیا پیامدهای سیاسی و اجتماعی حادثه ۱۱ سپتامبر، همان چیزی بوده که انتظار می‌رفت؟ آیا دولت آمریکا و نهادهای مرتبط، در مورد نقش خود در حوادث یا مدیریت پیامدهای آن، چیزی را پنهان کرده‌اند؟ چگونه می‌توان به حقیقت کامل حادثه ۱۱ سپتامبر دست یافت و از تکرار سناریوهای مشابه جلوگیری کرد؟

دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر



ناصر کاوه

فصل ۱۲: نقش دولت‌های داخلی و خارجی

توصیف واقعه یا موضوع:

با توجه به حجم انبوه ابهامات و تناقضات موجود در روایت رسمی حادثه ۱۱ سپتامبر، این سوال مطرح می‌شود که آیا دولت‌های داخلی (ایالات متحده) یا حتی دولت‌های خارجی، در وقوع، هدایت، یا مدیریت پس از این حوادث نقش داشته‌اند. این فصل به بررسی گمانه‌زنی‌ها و شواهدی می‌پردازد که به نقش احتمالی این دولت‌ها در این ماجرا اشاره دارد.

شواهد موجود (با ارجاع به منابع جهانی):

- **احتمال اطلاع قبلی دولت آمریکا:** شواهدی مبنی بر عدم آمادگی دفاع هوایی، نادیده گرفتن هشدارها و اطلاعات مربوط به تهدیدات القاعده، و همچنین عدم واکنش مناسب به پروازهای رבוته شده، این گمانه را مطرح کرده است که ممکن است دولت آمریکا از وقوع حادثه مطلع بوده یا حداقل، آمادگی لازم برای جلوگیری از آن را نداشته است. (Testimonies and investigations by organizations like Project for the New American Century - PNAC)
- **عملیات “پرچم دروغین” (False Flag Operation):** برخی نظریه‌پردازان، حادثه ۱۱ سپتامبر را یک “عملیات پرچم دروغین” می‌دانند، به این معنی که این حادثه توسط دولت یا گروهی قدرتمند، به گونه‌ای برنامه‌ریزی شده است که مسئولیت آن به گردن گروهی دیگر (مانند تروریست‌های القاعده) انداخته شود تا اهداف سیاسی خاصی محقق شود.
- **نقش سرویس‌های اطلاعاتی خارجی:** برخی شواهد و تحلیل‌ها، به ارتباط یا اطلاع احتمالی سرویس‌های اطلاعاتی خارجی، مانند موساد اسرائیل یا اطلاعات عربستان سعودی، از حوادث پیش رو اشاره دارند. این گمانه‌زنی‌ها، اغلب با ارتباطات اقتصادی و سیاسی این کشورها با ایالات متحده و همچنین سابقه فعالیت‌های اطلاعاتی آن‌ها مرتبط است. (Reports by various independent researchers and journalists, e.g., E. Snowden’s leaks) (indirectly related to intelligence capabilities)
- **انتقاد از گزارش کمیسیون ۱۱ سپتامبر:** بسیاری از منتقدان، گزارش کمیسیون ۱۱ سپتامبر را ناقص، جانبدارانه و با هدف لاپوشانی حقیقت معرفی می‌کنند. این موضوع، گمانه دخالت یا پنهان‌کاری دولت آمریکا را تقویت می‌کند.
- **فقدان شفافیت در اطلاعات:** بسیاری از اسناد و اطلاعات مربوط به حوادث ۱۱ سپتامبر، همچنان طبقه‌بندی شده و در دسترس عموم قرار نگرفته‌اند، که این خود نشانه‌ای از پنهان‌کاری احتمالی است.

تحلیل شخصی نویسنده:

با توجه به پیچیدگی حادثه ۱۱ سپتامبر و پیامدهای گسترده آن، طبیعی است که پرسش‌هایی در مورد نقش عوامل داخلی و خارجی مطرح شود. اگرچه اثبات نقش مستقیم دولت‌ها در چنین رویدادهایی بسیار دشوار است، اما شواهد و ابهامات موجود، این احتمال را از نظر دور نمی‌دارد که این حادثه، تنها یک حمله تروریستی ساده نبوده، بلکه بخشی از یک پروژه بزرگتر با اهداف سیاسی و استراتژیک پیچیده‌تر بوده است.

نتیجه‌گیری و پرسش‌های باز: آیا دولت آمریکا، در قبال جلوگیری از حوادث ۱۱ سپتامبر، مسئولیت خود را به درستی انجام داده است؟ آیا نقش سرویس‌های اطلاعاتی خارجی در این ماجرا، مورد بررسی کافی قرار گرفته است؟ چگونه می‌توان با قاطعیت، نقش دولت‌ها را در این حادثه، چه در وقوع و چه در مدیریت پس از آن، مشخص کرد؟

SEPTEMBER 11



فصل ۱۳: پیامدهای جهانی و جنگ‌های پس از حادثه

توصیف واقعه یا موضوع:

حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، نقطه عطفی در تاریخ معاصر بود که پیامدهای عمیق و گسترده‌ای در سراسر جهان به همراه داشت. در پاسخ به این حملات، ایالات متحده و متحدانش، “جنگ علیه تروریسم” را آغاز کردند که منجر به دخالت‌های نظامی در افغانستان و عراق شد. این جنگ‌ها، به نوبه خود، تبعات انسانی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی عظیمی را برای منطقه و جهان به همراه داشت.

شواهد موجود (با ارجاع به منابع جهانی):

- **آغاز جنگ در افغانستان:** بلافاصله پس از ۱۱ سپتامبر، ایالات متحده به بهانه سرنگونی طالبان و نابودی القاعده، حملات نظامی خود را به افغانستان آغاز کرد. این جنگ، طولانی‌ترین جنگ تاریخ آمریکا شد و با وجود هزینه‌های بسیار بالا، به نتایج پایدار و دلخواه دست نیافت. (Reports by Brown University’s Costs of War Project)
- **حمله به عراق:** در سال ۲۰۰۳، دولت آمریکا با ادعای وجود سلاح‌های کشتار جمعی در عراق و ارتباط احتمالی صدام حسین با القاعده، به این کشور حمله کرد. این حمله، بدون مجوز سازمان ملل و با وجود مخالفت‌های بین‌المللی، صورت گرفت و پیامدهای ویرانگری برای عراق و منطقه به همراه داشت. (Research by various international organizations and think tanks on the Iraq War’s consequences)
- **گسترش ناتو و افزایش بودجه نظامی:** پس از ۱۱ سپتامبر، ناتو اعلام کرد که مورد حمله قرار گرفته و از ماده ۵ پیمان خود استفاده کرد. این اتفاق، منجر به گسترش ناتو و افزایش قابل توجه بودجه نظامی در بسیاری از کشورها شد.
- **وضعیت حقوق بشر و آزادی‌های مدنی:** در چارچوب “جنگ علیه ترور”، محدودیت‌های گسترده‌ای در حقوق بشر و آزادی‌های مدنی در کشورهای غربی اعمال شد. قوانینی مانند “قانون میهن‌پرستی” (Patriot Act) در آمریکا، به دولت اختیارات وسیعی برای نظارت و کنترل شهروندان داد.
- **ظهور گروه‌های تروریستی جدید:** در کمال تناقض، جنگ‌های پس از ۱۱ سپتامبر، به ویژه در عراق، به ظهور و تقویت گروه‌های تروریستی جدیدی مانند داعش (داعش) منجر شد که پیامدهای امنیتی گسترده‌تری را برای منطقه و جهان به همراه داشت.
- **تأثیرات اقتصادی:** جنگ‌های پس از ۱۱ سپتامبر، هزینه‌های اقتصادی هنگفتی برای ایالات متحده و سایر کشورها به همراه داشت، از جمله افزایش بدهی عمومی و تأثیر بر بازارهای جهانی.

تحلیل شخصی نویسنده: اگر فرض کنیم که روایت رسمی ۱۱ سپتامبر، دروغی بزرگ بوده یا حداقل دستکاری شده است، آنگاه پیامدهای این حادثه، از جمله جنگ‌های گسترده، به خودی خود، دلایلی برای زیر سوال بردن صحت این روایت هستند. این جنگ‌ها، که به نام مبارزه با تروریسم آغاز شد، خود منجر به بی‌ثباتی بیشتر، تلفات انسانی عظیم و گسترش تروریسم در مقیاس وسیع‌تر شد. این چرخه معیوب، نشان‌دهنده یک استراتژی نادرست یا اهداف پنهان‌تر بوده است.

نتیجه‌گیری و پرسش‌های باز: آیا جنگ‌های پس از ۱۱ سپتامبر، به اهداف اعلام شده خود دست یافتند؟ آیا این جنگ‌ها، به جای مبارزه با تروریسم، باعث گسترش آن شدند؟ چه کسانی از این جنگ‌ها سود بردند و پیامدهای بلندمدت آن برای نظم جهانی چه خواهد بود؟

SEPTEMBER 11TH



فصل ۱۴: نتیجه‌گیری و دعوت به حقیقت‌یابی

توصیف واقعه یا موضوع:

در پایان این کتاب، بر آنیم تا آنچه را که در فصول پیشین مورد بحث قرار گرفت، جمع‌بندی کنیم و بر اهمیت تحقیق مستقل و پرسشگری در مورد حادثه ۱۱ سپتامبر و سایر رویدادهای تاریخی تأکید نماییم. ما در این مسیر، با حجم عظیمی از تناقضات، شواهد علمی مغفول مانده، و سوالات بی‌پاسخ روبرو شدیم که روایت رسمی را به شدت زیر سوال می‌برند.

شواهد موجود (با ارجاع به منابع جهانی):

- **تضادهای فنی و مهندسی:** فروپاشی غیرعادی برج‌های دوقلو و ساختمان شماره ۷، کشف نانو ترمیت، ابهامات مربوط به پنتاگون، و عدم قطعیت در مورد هویت هواپیماها، همگی گواه بر ابهامات فنی جدی در روایت رسمی هستند.
- **تناقضات در گزارش‌های رسمی:** گزارش کمیسیون ۱۱ سپتامبر، به دلیل حذف شواهد، تحریف اطلاعات و عدم پوشش جامع برخی جنبه‌های مهم، مورد انتقادات شدید علمی و رسانه‌ای قرار گرفته است.
- **پیامدهای سیاسی و نظامی:** آغاز “جنگ علیه ترور”، جنگ‌های افغانستان و عراق، و پیامدهای گسترده آن در سطح جهانی، نشان‌دهنده تأثیرات عمیق این حادثه بر سیاست بین‌الملل و زندگی انسان‌ها است.
- **اهمیت تحقیق مستقل:** تاریخ نشان داده است که حقیقت، اغلب در سایه روایت‌های رسمی پنهان می‌ماند و کشف آن نیازمند تحقیق مستقل، شجاعت فکری و اراده جمعی است.

تحلیل شخصی نویسنده:

ما در این کتاب، تلاشی برای ارائه یک “حقیقت قطعی” نداشتیم، بلکه هدف ما برانگیختن کنجکاوی، تشویق به تفکر انتقادی، و دعوت به تحقیق مستقل بود. روایت رسمی حادثه ۱۱ سپتامبر، با وجود پذیرش عمومی، مملو از شکاف‌ها و تناقضاتی است که نمی‌توان به سادگی از کنار آن‌ها گذشت. مسئولیت ما به عنوان شهروندان آگاه، بررسی دقیق این شواهد و پرسیدن سوالات درست است.

نتیجه‌گیری و دعوت به حقیقت‌یابی:

حادثه ۱۱ سپتامبر، نه تنها یک رویداد تاریخی، بلکه یک نقطه عطف در نحوه درک ما از اطلاعات، رسانه و قدرت نیز محسوب می‌شود. در جهانی که اطلاعات به سرعت منتشر می‌شود، اما حقیقت ممکن است در میان انبوهی از پروپاگاندا و روایت‌های تحریف شده گم شود، تحقیق مستقل و توانایی تشخیص حقیقت از دروغ، بیش از هر زمان دیگری حیاتی است.

ما شما را دعوت می‌کنیم تا در این مسیر حقیقت‌یابی، همراه ما باشید. با مطالعه عمیق‌تر، پرسیدن سوالات بیشتر، و به اشتراک گذاشتن یافته‌های خود، می‌توانیم به درک جامع‌تری از آنچه در آن روز سرنوشت‌ساز رخ داد، دست پیدا کنیم. این تنها راه برای اطمینان از این است که تاریخ، نه بر اساس دروغ‌های بزرگ، بلکه بر پایه واقعیت‌های عریان بنا شود. اجازه ندهیم که سایه تردید بر حقیقت بماند. بیایید با هم به دنبال نور حقیقت باشیم.

دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر

THE
BIG LIE
CALLED
SEPTEMBER 11

NASER KAVEH



دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر

نویسنده: ناصر کاوه

بر اساس منابع ارسالی و دانش تاریخی موجود تا: ۲۰/۰۶/۱۴۰۴ (میلادی: ۱۱/۰۹/۲۰۲۵)

"دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر"

نویسنده ناصر کاوه

ضمیمه شماره یک

رازها و حفره‌های قصه یازده سپتامبر

دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان

وقتی در ساعت 46/8 صبح روز 11 سپتامبر 2001، هواپیمایی به ساختمان شمالی برج‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی واقع در نیویورک برخورد کرد، در ابتدا گویی خبری باورنکردنی و در حد شایعه بود، ولو برای حاضرین آن زمان در نیویورک که به چشم خود، سوختن آن برج غول‌آسا را می‌دیدند.

اما باورنکردنی‌تر از آن، تصویر برداری و عکاسی از آن صحنه بود! چگونه فرد یا گروهی دقیقاً در همان زمان می‌توانستند در همان سمت برخورد هواپیمای یاد شده با برج‌های نیویورکی قرار داشته باشند تا فیلم مستند آن برخورد را ضبط و ثبت کنند؟!

17 دقیقه بعد یعنی در ساعت 9/03 دقیقه هواپیمای دیگری به برج جنوبی برخورد کرد، حالا دیگر تصاویر از تلویزیون پخش می‌شد. اما انگار تماشاگران این صحنه، چندان شگفت‌زده نشده بودند، انگار مشغول تماشای یک فیلم سینمایی بودند، چراکه قبل از آن طی 20 سال، بارها و بارها در فیلم‌ها و سریال‌ها و حتی انیمیشن‌های مختلف حمله به این برج‌ها و سوختن و فرو ریختن آنها را دیده بودند و تصاویرش در پس ذهن آنها جای داشت.

شگفتی در فرو ریختن غیرعادی برج‌ها

هر دو برج پس از ساعتی سوختن در طبقات مورد برخورد، به طرز شگفت‌آوری فرو ریختند و همین مسئله بیش از تهاجم به برج‌های یاد شده موجب حیرت و سؤال واقع گردید. در واقع برج‌ها هنگام فرو ریختن مانند یک ساختمان چند طبقه به طور عادی خراب نشدند، یعنی طبقه به طبقه فرو ریختند بلکه هر دو برج با سرعت سقوط آزاد و در طول فقط 9/2 ثانیه تخریب شدند! بنا به اعتقاد کارشناسان و متخصصان سازه و معماری، چنین تخریبی بدون انفجارهای کمکی در قسمت‌های مختلف آن برج‌ها امکان نداشت. یعنی یک سیستم تخریب، درون هر طبقه از آنها وجود داشته است.

کارگران درون ساختمان نیز این فرضیه را با مشاهدات خود تایید کردند. یکی از آنها به خبرنگاران گفت:

«...وقتی آمدیم بیرون و از ساختمان دور شدیم، به چشم دیدیم که طبقه به طبقه منفجر می‌شد. انگار در هر طبقه بمب گذاشته بودند تا ساختمان را منهدم کنند...» 1

خدمه‌ای که در لحظه فرو ریختن برج‌ها، در محل حادثه بودند، اظهار کردند ابتدا انفجاری آنها را از زیر به بالا پرتاب کرده و سپس به طور مسلسل وار صداهای انفجار از اطراف شنیده‌اند. 2

ویلیام رودریگز یکی از همان خدمه برج‌های مرکز تجارت جهانی که به عنوان قهرمان ملی 11 سپتامبر هم نامیده شد، در فیلم مستند «ما آنجا بودیم» گفت:

«در همان لحظه‌ای که من را از زیر آوار درآوردند، گفتم که من صدای انفجارها را شنیدم... هفده نفر از ماموران آتش‌نشانی هم که جان سالم به در بردند، همین را روایت کردند. وقتی ساختمان‌ها می‌سوختند، احدی فکر نمی‌کرد که فرو بریزند و این طور به نظر نمی‌رسید که مثل یک عملیات «مهندسی تخریب» از پیش طراحی شده، به آن ترتیب پایین بیایند.» 3

گروه‌های متعدد علمی و تحقیقاتی، جزء به جزء حادثه را مورد بررسی و موشکافی مستند قرار داده و کارشناسان و متخصصان متعددی وارد ماجرا شدند. بیش از 70 نفر فیزیکدان و محقق و استاد دانشگاه در «گروه روشنفکران حقیقت‌یاب» متشکل شدند و حتی خاک‌های باقیمانده از برج‌های فرو ریخته را مورد آزمایش‌های دقیق قرار داده و به این نتیجه رسیدند که در تخریب برج‌های دوقلو از نوعی ماده منفجره قوی موسوم به «نانو ترمیت» استفاده شده است.

پروفسور «استیون جونز»، استاد فیزیک هسته‌ای دانشگاه بیرمنگام و رئیس «گروه روشنفکران حقیقت‌یاب» که همراه دیگر همکارانش بر روی دلایل ریزش برج‌های دوقلو تحقیق علمی نمودند، اعلام کردند حرارت ناشی از سوخت هواپیما، به هیچ عنوان انرژی لازم برای فرو ریختن این ساختمان‌ها را ایجاد نمی‌کرد.

پروفسور جونز گفت: «... امکان نداشت برج‌های دوقلو با برخورد دو هواپیمای مسافربری به این شکلی که دیدید فرو بریزد. سوختن سوخت هواپیماهای جت، دمای کافی برای ذوب کردن فولاد را تامین نمی‌کند و دود سفیدی که در اطراف این برج‌ها دیده شد، از نشانه‌های انفجارهای کنترل شده برای فرو ریختن آنهاست.» 4

خبر حادثه‌ای که 12 دقیقه بعد اتفاق افتاد!

اما گاف بزرگ ماجرا در خبر فرو ریختن ساختمان شماره 7 داده شد که در کنار دو برج یاد شده قرار داشت. گاف بزرگ این بود که آن خبر را شبکه‌های BBC و CNN دقیقاً 12 دقیقه پیش از فرو ریختن ساختمان شماره 7 اعلام کردند!

در تصویری که BBC پخش کرد، در حالی که خبرنگارش در حال گزارش فرو ریختن ساختمان شماره 7 بود، ساختمان یاد شده، صحیح و سالم پشت سر وی خودنمایی می‌کرد! در این‌جا بود که تصاویر خبرنگار فوق و ساختمان شماره 7 ناگهان قطع شد و مجری برنامه ناشیانه اعلام کرد ارتباطش با نیویورک قطع شده است. اما ده دقیقه بعد خبر فرو ریختن ساختمان شماره 7 دوباره پخش شد!

پس از ارائه گزارش رسمی دولت آمریکا و روایت سؤال برانگیز متهم کردن چند تروریست بی‌نام و نشان، تظاهرات مختلفی در آمریکا برگزار شد که دولت بوش را به چالش پاسخگویی فراخواندند. درباره یکی از این تظاهرات که از شبکه MSNBC پخش شد، مجری برنامه اینچنین گزارش داد:

«اینجا مردمی که جمع شده‌اند، معتقدند روز یازده سپتامبر، تروریست‌ها به ما حمله نکردند و ریشه توطئه انفجارها، جایی در کاخ سفید بود. مردم معتقدند دیک چنی بود که آن ساختمان‌ها را منفجر کرد و حالا مردم می‌خواهند که در این مورد تحقیقات دقیقی صورت بگیرد.» 5

هواپیماها مسافری نبودند؟!

تی‌پری میسن، محقق و روزنامه‌نگار معروف فرانسوی و نویسنده کتاب «یازده سپتامبر، دروغ بزرگ» طی تحقیقاتی که به عمل آورد، معلوم نمود، هواپیماهایی که به برج‌های دوقلو برخورد کردند، اساساً مسافربری نبودند. 6 این ادعا را برخی از شاهدان عینی نیز تایید کردند. از جمله شاهی در گفت‌وگو با شبکه فاکس نیوز گفت: «یقیناً هواپیمای مسافربری نبود، چون پنجره نداشت... یک پرواز عادی به نظر نمی‌رسید. مشابه این را ندیده بودم.» 7

تی‌پری میسن در کتاب خود به نام «دروغ بزرگ» نوشت: «امکان نداشت که آن هواپیماها بتوانند بدون زمینه‌سازی و کمک، به درون برج‌ها نفوذ کنند.» او با تحقیقات مفصل و مستند، تصاویری را نشان داده که قبل از برخورد با برج‌ها، هر هواپیما با شلیک موشک، شکافی در بدنه برج ایجاد کرده که بتواند از درون شبکه آهن و فولاد و بتن به درون آن رخنه کند. 8

میسن، تصاویر کانال یک تلویزیون نیویورک از حادثه 11 سپتامبر و برخورد هواپیمای دوم به برج‌های دوقلو را به دقت و فریم به فریم بررسی کرده و با نمایش آنها می‌گوید:

«کسی به این تصاویر توجه نکرده، ولی اگر تصاویر را خیلی آرام نگاه کنیم، می‌بینیم که یک موشک از میان دودهای برخاسته از برج اول به طرف شما می‌آید... این تصاویر را به چند متخصص ارتشی نشان دادیم و آنها همه مطمئن هستند که این یک موشک است!»

براساس تحقیقات او که هرگز از سوی مقامات آمریکایی پاسخ داده نشد، در طی مدت زمان ربایش هواپیماهای یاد شده و برخوردشان به برج‌های نیویورکی، هیچ جنگنده آمریکایی به مقابله با آنها نرفت و حتی هیچ یک از جت‌های جنگی که در همان زمان در مانور نظامی شرکت داشتند، برای ردیابی هواپیماهای یاد شده اعزام نشدند! 9

جمع کثیری از متخصصان مختلف هواپیما و سازه و مواد منفجره نیز فیلم‌ها و تصاویر سانسور شده‌ای که تنها بر روی اینترنت انتشار یافته بود را در فیلم مستند افشاگرانه‌ای به نام «تغییر از دست رفته» تحلیل و بررسی کردند.

یک فیلم مستند مردمی، رازهای بسیاری را برملا ساخت

مجله تایم در گزارشی درباره مستند «تغییر از دست رفته»، آن را یکی از افشاگرترین فیلم‌هایی معرفی نمود که درباره 11 سپتامبر ساخته شده است. در ادامه گزارش مجله تایم آمده بود:

«فیلم یاد شده پر از آمار، تصاویر، مدارک و گفته‌های شاهدان عینی است. متخصصان در مصاحبه‌هایشان دلایل خود را ارائه می‌دهند. آنها یازدهم سپتامبر را از نو بازسازی کرده‌اند. نقطه به نقطه و فریم به فریم. یک گوینده

لحظه به لحظه ماجرا را شرح می‌دهد. آماتورها، شماری از انسان‌های سختکوش (که بعضی حتی 20 ساله‌اند) با سرمایه شخصی و لپ‌تاپ‌هایشان و تصاویری که در اینترنت موجود بوده، این فیلم را ساختند. 10

زنی از شاهدان ماجرا به خبرنگار فیلم یاد شده می‌گوید:

50 «...درصد ساکنین نیویورک براین باورند که رهبران آمریکا از حملات 11 سپتامبر اطلاع داشتند»...

کوری روه، یکی از سازندگان فیلم که 23 ساله بود، در مصاحبه با همان شماره مجله تایم گفت:

«آن 19 هواپیما را در 2 ساعت، از تمامی بخش‌های امنیتی به راحتی گذشتند و 4 هواپیمای مسافربری را به چنین ساختمان‌هایی کوبیدند و در تمام این مدت ارتش هیچ کاری برای متوقف کردن آنها انجام نداد، آن هم در محافظت‌شده‌ترین فضای هوایی سراسر جهان در ایالات متحده. این به نظر من توطئه دولت آمریکا است، دم و دستگاه بوش».

رووه در ادامه افزوده بود:

«دولت در این فیلم‌نامه نقش وطن‌پرستی تحسین‌آمیزش را به خوبی بازی کرد که اگر می‌خواهید سلاح‌های کشتار جمعی ساختگی را در یک کشور دیگر ریشه‌کن کنید، بهترین کار راه انداختن چنین حملات تروریستی ساختگی به کشورتان است!»

او در این جملات به حمله آمریکا به عراق و آغاز یک جنگ تاریخی اشاره کرد که جرج بوش نام آن را جنگ صلیبی نوین گذارد. جنگی که قرار بود پس از لشکر کشی آمریکا و هم پیمانانش به عراق و افغانستان، به نتیجه‌ای برسد که قرن‌ها مدنظر تئوریسین‌های غرب صلیبی/ صهیونی قرار داشت. چنانچه ولسی کلارک، فرمانده سابق سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در اروپا در یک برنامه تلویزیونی گفت:

«آمریکا اوایل سال 2001 میلادی تصمیم گرفته بود به عراق، سوریه، لبنان، لیبی، سومالی، سودان و ایران حمله کند و قرار بود طی 5 سال این کشورها اشغال شوند. اما...»

1- فیلم مستند «جعبه سیاه»- محمدرضا اسلاملو - مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی- 1389 2- فیلم مستند «ما آنجا بودیم»- نادر طالبزاده 3- همان 4- مجموعه مستند «... و اینک آخرالزمان» - قسمت 25- شبکه خبر- تیرماه 1391 5- فیلم مستند «ما آنجا بودیم»- پیشین 6- تی‌پری میسن - 11 سپتامبر، دروغ بزرگ - ترجمه و ناشر: فریدون نوبهار - چاپ اول- 1382 7- فیلم مستند «جعبه سیاه»- پیشین 8- تی ریر میسن- پیشین 9- همان 10- مجموعه مستند «... و اینک آخرالزمان» - پیشین



Downing by I.R.IRAN...

"دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر"

نویسنده ناصر کاوه

ضمیمه شماره دو

این یک دروغ بزرگ بود

دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان

هنوز زمان زیادی از آغاز قرن بیست و یکم و هزاره سوم میلادی نگذشته بود که در یازدهمین روز از نهمین ماه سال 2001 حادثه‌ای در نیویورک اتفاق افتاد. دو برج مرکز تجارت جهانی در نیویورک موسوم به برج‌های دوقلو، با برخورد دو هواپیمای مسافربری که ظاهرآ ربوته شده بودند، آتش گرفته و در طی 100 دقیقه کاملاً منهدم و حدود 3000 نفر کشته شدند.

ادعا شد که هواپیمای دیگری نیز به دیواره ساختمان اصلی پنتاگون برخورد کرد که البته هیچ نشانه‌ای از بقایای آن ارائه نشد. هواپیمای چهارمی هم در کار بود که گویا ربایندگانش مورد حمله مسافری آن قرار گرفته و در منطقه‌ای دیگر سقوط کرد.

اما تحقیقات این حادثه عجیب، بسیار با سرعت خاتمه یافت و «افبی‌آی» اعلام کرد که ربایندگان هواپیماها، از گروه‌های اسلامگرا موسوم به القاعده به سرکردگی فردی با نام بن لادن بوده است. «کمیسون بررسی وقایع 11 سپتامبر»، «سازمان مدیریت بحران فدرال» و «مؤسسه ملی استاندارد و فناوری» نیز این ادعا را تایید کردند. چندی بعد تعدادی از همدستان کسانی که گفته می‌شد، ربایندگان هواپیماها بودند، در کشورهای مختلف دنیا دستگیر شدند. اما اقدام اصلی از حدود یک ماه بعد آغاز گردید که ایالات متحده آمریکا به افغانستان حمله کرد و آن را اشغال نمود و سپس یک سال و نیم بعد، در آوریل 2003 به عراق یورش برد و آن کشور را نیز به‌اشغال خود درآورد.

اما در کنار روایت‌های رسمی دولت ایالات متحده و افبی‌آی، تصاویر، فیلم‌ها و مستندات متعددی انتشار یافت که کلیت آن روایت‌ها را زیر علامت سؤال می‌برد. گروه‌های متعدد علمی و تحقیقاتی، جزء به جزء حادثه را مورد بررسی و موشکافی مستند قرار داده و کارشناسان و متخصصان متعددی وارد ماجرا شدند.

بیش از 70 نفر فیزیکدان و محقق و استاد دانشگاه در «گروه روشنفکران حقیقت‌یاب» متشکل شدند و حتی خاک‌های باقیمانده از برج‌های فرو ریخته را مورد آزمایش‌های دقیق قرار داده و به این نتیجه رسیدند که در تخریب برج‌های دوقلو از نوعی ماده منفجره قوی موسوم به «نانو ترمیت» استفاده شده است.

پروفسور «استیون جونز»، استاد فیزیک هسته‌ای دانشگاه بیرمنگام و رئیس «گروه روشنفکران حقیقت‌یاب» که همراه دیگر همکارانش بر روی دلایل ریزش برج‌های دوقلو تحقیق علمی نمودند، اعلام کردند حرارت ناشی از سوخت هواپیما، به هیچ عنوان انرژی لازم برای فرو ریختن این ساختمان‌ها را ایجاد نمی‌کرد.

پروفسور جونز گفت: «... امکان نداشت برج‌های دوقلو با برخورد دو هواپیمای مسافربری به این شکلی که دیدید فرو بریزد. سوختن سوخت هواپیماهای جت، دمای کافی برای ذوب کردن فولاد را تامین نمی‌کند و دود سفیدی که در اطراف این برج‌ها دیده شد، از نشانه‌های انفجارهای کنترل شده برای فرو ریختن آنهاست.»¹

برج‌ها هنگام فرو ریختن مانند یک ساختمان چند طبقه به طور عادی خراب نشدند، یعنی طبقه به طبقه فرو نریختند بلکه هر دو برج با سرعت سقوط آزاد و در طول فقط 2/9 ثانیه تخریب شدند! بنا به اعتقاد کارشناسان و متخصصان سازه و معماری، چنین تخریبی بدون انفجارهای کمکی در قسمت‌های مختلف آن برج‌ها امکان نداشته، یعنی یک سیستم تخریب درون هر طبقه از آنها وجود داشته است.

کارگران درون ساختمان نیز این فرضیه را با مشاهدات خود تایید کردند. یکی از آنها به خبرنگاران گفت:

«... وقتی آمدیم بیرون و از ساختمان دور شدیم، به چشم دیدیم که طبقه به طبقه منفجر می‌شد. انگار در هر طبقه بمب گذاشته بودند تا ساختمان را منهدم کنند...»²

نظافتچی‌هایی که در لحظه فرو ریختن برج‌ها، در محل حادثه بودند، اظهار کردند ابتدا انفجاری آنها را از زیر به بالا پرتاب کرده و سپس به طور مسلسل‌وار صداهای انفجار از اطراف شنیده‌اند.³

ویلیام رودریگز یکی از همان خدمه برج‌های مرکز تجارت جهانی که به عنوان قهرمان ملی 11 سپتامبر هم نامیده شد، در فیلم مستند «ما آنجا بودیم» گفت:

«در همان لحظه‌ای که من را از زیر آوار در آوردند، گفتم که من صدای انفجارها را شنیدم... هفده نفر از ماموران آتش‌نشانی هم که جان سالم به در بردند، همین را روایت کردند. وقتی ساختمان‌ها می‌سوختند، احدی فکر نمی‌کرد که فرو بریزند و این طور به نظر نمی‌رسید که مثل یک عملیات «مهندسی تخریب» از پیش طراحی شده، به آن ترتیب پایین بیایند.»⁴

اما گاف بزرگ ماجرا در خبر فرو ریختن ساختمان شماره 7 داده شد که در کنار دو برج یاد شده قرار داشت. گاف بزرگ این بود که آن خبر را شبکه‌های BBC و CNN دقیقاً 12 دقیقه پیش از فرو ریختن ساختمان شماره 7 اعلام کردند!

در تصویری که BBC پخش کرد، در حالی که خبرنگارش در حال گزارش فرو ریختن ساختمان شماره 7 بود، ساختمان یاد شده، صحیح و سالم پشت سر وی خودنمایی می‌کرد! در اینجا بود که تصاویر خبرنگار فوق و ساختمان شماره 7 ناگهان قطع شد و مجری برنامه ناشیانه اعلام کرد ارتباطش با نیویورک قطع شده است. اما ده دقیقه بعد خبر فرو ریختن ساختمان شماره 7 دوباره پخش شد!

پس از ارائه گزارش رسمی دولت آمریکا و روایت سؤال برانگیز متهم کردن چند تروریست بی‌نام و نشان، تظاهرات مختلفی در آمریکا برگزار شد که دولت بوش را به چالش پاسخگویی فراخواندند. درباره یکی از این تظاهرات که از شبکه MSNBC پخش شد، مجری برنامه اینچنین گزارش داد:

«اینجا مردمی که جمع شده‌اند، معتقدند روز یازده سپتامبر، تروریست‌ها به ما حمله نکردند و ریشه توطئه انفجارها، جایی در کاخ سفید بود. مردم معتقدند دیک چنی بود که آن ساختمان‌ها را منفجر کرد و حالا مردم می‌خواهند که در این مورد تحقیقات دقیقی صورت بگیرد.»⁵

تی‌پری میسن، محقق و روزنامه نگار معروف فرانسوی و نویسنده کتاب «یازده سپتامبر، دروغ بزرگ» طی تحقیقاتی که به عمل آورد، معلوم نمود، هواپیماهایی که به برج‌های دوقلو برخورد کردند، اساساً مسافربری نبودند.⁶ این ادعا را برخی از شاهدان عینی نیز تایید کردند. از جمله شاهدهی در گفت‌وگو با شبکه فاکس نیوز گفت: «یقیناً هواپیمای مسافربری نبود، چون پنجره نداشت... دیدم که هواپیما ارتفاعش کم هست... یک پرواز عادی به نظر نمی‌رسید. مشابه این را ندیده بودم.»⁷

تی‌پری میسن در کتاب خود به نام «دروغ بزرگ» نوشته امکان نداشت که آن هواپیماها بتوانند بدون زمینه‌سازی و کمک، به درون برج‌ها نفوذ کنند. او با تحقیقات مفصل و مستند، تصاویری را نشان داده که قبل از برخورد با برج‌ها، هر هواپیما با شلیک موشک، شکافی در بدنه برج ایجاد کرده که بتواند از درون شبکه آهن و فولاد و بتن به درون آن رخنه کند.⁸

میسن، تصاویر کانال یک تلویزیون نیویورک از حادثه 11 سپتامبر و برخورد هواپیمای دوم به برج‌های دوقلو را به دقت و فریم به فریم بررسی کرده و با نمایش آنها می‌گوید:

کسی به این تصاویر توجه نکرده، ولی اگر تصاویر را خیلی آرام نگاه کنیم، می‌بینیم که یک موشک از میان دودهای برخاسته از برج اول به طرف شما می‌آید... این تصاویر را به چند متخصص ارتشی نشان دادیم و آنها همه مطمئن هستند که این یک موشک است.!

براساس تحقیقات او که هرگز از سوی مقامات آمریکایی پاسخ داده نشد، در طی مدت زمان ربایش هواپیماهای یاد شده و برخوردشان به برج‌های نیویورکی، هیچ جنگنده آمریکایی به مقابله با آنها نرفت و حتی هیچ یک از جت‌های جنگی که در همان زمان در مانور نظامی شرکت داشتند، برای ردیابی هواپیماهای یاد شده اعزام نشدند!⁹

به جز امثال تی‌پری میسن و اساتید و کارشناسان «گروه روشنفکران حقیقت‌یاب»، جمع کثیری از متخصصان مختلف هواپیما و سازه و مواد منفجره نیز فیلم‌ها و تصاویر سانسور شده‌ای که تنها بر روی اینترنت انتشار یافته بود را در فیلم مستند افشاگرانه‌ای به نام «تغییر بی‌قاعده» تحلیل و بررسی کردند.

مجله تایم در گزارشی درباره مستند «تغییر بی‌قاعده»، آن را یکی از افشاگرترین فیلم‌هایی معرفی نمود که درباره 11 سپتامبر ساخته شده است. در ادامه گزارش مجله تایم آمده بود:

«فیلم یاد شده پر از آمار، تصاویر، مدارک و گفته‌های شاهدان عینی است. متخصصان در مصاحبه هایشان دلایل خود را ارائه می‌دهند و نواي موسیقي هیپ‌هاپ در سرتاسر فیلم به گوش می‌رسد. آنها یازدهم سپتامبر را از نو بازسازی کرده‌اند. نقطه به نقطه و فریم به فریم. يك گوینده لحظه به لحظه ماجرا را شرح می‌دهد. آماتورها، شماری از انسان‌های سخت کوش (که بعضی حتی 20 ساله‌اند) با سرمایه شخصی و لپ‌تاپ‌هایشان و تصاویری که در اینترنت موجود بوده، این فیلم را ساخته‌اند.» 10

کورری روه، یکی از سازندگان فیلم که تنها 23 سال داشت، در مصاحبه با همان شماره مجله تایم گفت:

«هدف فیلم تنها يك چیز است: مردم باید متقاعد شوند که داستان‌های دیگری هم از ماجرا وجود دارد. داستان‌هایی که رسانه‌های اصلی و دولت هیچ‌گاه تعریف نمی‌کنند.»

او ادامه داده بود:

«آن 19 هواپیماربا در 2 ساعت، از تمامی بخش‌های امنیتی به راحتی گذشتند و 4 هواپیمای مسافربری را به چنین ساختمان‌هایی کوبیدند و در تمام این مدت ارتش هیچ کاری برای متوقف کردن آنها انجام نداد، آن هم در محافظت‌شده‌ترین فضای هوایی سراسر جهان در ایالات متحده. این به نظر من توطئه دولت آمریکا است، دم و دستگاه بوش.»

رووه در ادامه افزوده بود:

«دولت در این فیلم‌نامه نقش وطن‌پرستی تحسین‌آمیزش را به خوبی بازی کرد که اگر می‌خواهید سلاح‌های کشتار جمعی ساختگی را در يك کشور دیگر ریشه‌کن کنید، بهترین کار راه انداختن چنین حملات تروریستی ساختگی به کشورتان است!»

او در این جملات به حمله آمریکا به عراق و آغاز یک جنگ تاریخی اشاره کرد که جرج بوش نام آن را جنگ صلیبی نوین گذارد.

جنگی که قرار بود پس از لشکر کشی آمریکا و هم پیمانانش به عراق و افغانستان، به نتیجه‌ای برسد که قرن‌ها مدنظر تئوریسین‌های غرب صلیبی/ صهیونی قرار داشت. چنانچه ولسی کلارک، فرمانده سابق سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در اروپا در یک برنامه تلویزیونی گفت:

«آمریکا در سال 2001 میلادی تصمیم گرفته بود به عراق، سوریه، لبنان، لیبی، سومالی، سودان و ایران حمله کند و قرار بود طی 5 سال این کشورها اشغال شوند. اما...»

1 - مجموعه مستند «... و اینک آخرالزمان» - قسمت 25- شبکه خبر- تیرماه 1391-2- فیلم مستند «جعبه سیاه»- محمدرضا اسلاملو - مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی - 1389-3- فیلم مستند «ما آنجا بودیم»- نادر طالب‌زاده 4- همان 5- همان 6- تی‌پی‌ری میسن - 11 سپتامبر، دروغ بزرگ - ترجمه و ناشر: فریدون نوبهار - چاپ اول - 1382-7- فیلم مستند «جعبه سیاه»- پیشین 8- تی‌پی‌ری میسن - پیشین 9- همان 10- مجموعه مستند «... و اینک آخرالزمان»- پیشین

DOWN WITH HIS A

The US regime is the embodiment of malevolence
and violence, causes crises and wages wars.

U U A



"دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر"

نویسنده ناصر کاوه

ضمیمه شماره سه

۲۱ شهریور ۱۴۰۰ | ۱۷:۱۷ کد : ۲۰۰۵۹۶۱ سرخط اخبار

به گزارش روزنامه کیهان، ادعا شد که هواپیمای دیگری نیز به دیواره ساختمان اصلی پنتاگون برخورد کرد که البته هیچ نشانه‌ای از بقایای آن ارائه نشد. هواپیمای چهارمی هم در کار بود که گویا ربایندگانش مورد حمله مسافری آن قرار گرفته و در منطقه‌ای دیگر سقوط کرد.

اما تحقیقات این حادثه عجیب، بسیار با سرعت خاتمه یافت و «افبی‌آی» اعلام کرد که ربایندگان هواپیماها، از گروه‌های اسلامگرا موسوم به القاعده به سرکردگی فردی با نام بن لادن بوده است. «کمیسیون بررسی وقایع ۱۱ سپتامبر»، «سازمان مدیریت بحران فدرال» و «موسسه ملی استاندارد و فناوری» نیز این ادعا را تایید کردند. چندی بعد تعدادی از همدستان کسانی که گفته می‌شد، ربایندگان هواپیماها بودند، در کشورهای مختلف دنیا دستگیر شدند. اما اقدام اصلی از حدود یک ماه بعد آغاز گردید که ایالات متحده آمریکا به افغانستان حمله کرد و آن را اشغال نمود و سپس یک سال و نیم بعد، در آوریل ۲۰۰۳ به عراق یورش برد و آن کشور را نیز به اشغال خود درآورد.

اما در کنار روایت‌های رسمی دولت ایالات متحده و افبی‌آی، تصاویر، فیلم‌ها و مستندات متعددی انتشار یافت که کلیت آن روایت‌ها را زیر علامت سؤال می‌برد. گروه‌های متعدد علمی و تحقیقاتی، جزء به جزء حادثه را مورد بررسی و موشکافی مستند قرار داده و کارشناسان و متخصصان متعددی وارد ماجرا شدند.

بیش از ۷۰ نفر فیزیکدان و محقق و استاد دانشگاه در «گروه روشنفکران حقیقت‌یاب» متشکل شدند و حتی خاک‌های باقیمانده از برج‌های فرو ریخته را مورد آزمایش‌های دقیق قرار داده و به این نتیجه رسیدند که در تخریب برج‌های دوقلو از نوعی ماده منفجره قوی موسوم به «نانو ترمیت» استفاده شده است.

پروفسور «استیون جونز»، استاد فیزیک هسته‌ای دانشگاه بیرمنگام و رئیس «گروه روشنفکران حقیقت‌یاب» که همراه دیگر همکارانش بر روی دلایل ریزش برج‌های دوقلو تحقیق علمی نمودند، اعلام کردند حرارت ناشی از سوخت هواپیما، به هیچ عنوان انرژی لازم برای فرو ریختن این ساختمان‌ها را ایجاد نمی‌کرد.

پروفسور جونز گفت: «.. امکان نداشت برج‌های دوقلو با برخورد دو هواپیمای مسافربری به این شکلی که دیدید فرو بریزد. سوختن سوخت هواپیماهای جت، دمای کافی برای ذوب کردن فولاد را تامین نمی‌کند و دود سفیدی که در اطراف این برج‌ها دیده شد، از نشانه‌های انفجارهای کنترل شده برای فرو ریختن آنهاست».

برج‌ها هنگام فرو ریختن مانند یک ساختمان چند طبقه به طور عادی خراب نشدند، یعنی طبقه به طبقه فرو نریختند بلکه هر دو برج با سرعت سقوط آزاد و در طول فقط ۲/۹ ثانیه تخریب شدند! بنا به اعتقاد کارشناسان و متخصصان سازه و معماری، چنین تخریبی بدون انفجارهای کمکی در قسمت‌های مختلف آن برج‌ها امکان نداشته، یعنی یک سیستم تخریب درون هر طبقه از آنها وجود داشته است.

کارگران درون ساختمان نیز این فرضیه را با مشاهدات خود تایید کردند. یکی از آن‌ها به خبرنگاران گفت:

«وقتی آمدیم بیرون و از ساختمان دور شدیم، به چشم دیدیم که طبقه به طبقه منفجر می‌شد. انگار در هر طبقه بمب گذاشته بودند تا ساختمان را منهدم کنند»...

نظافتچی‌هایی که در لحظه فرو ریختن برج‌ها، در محل حادثه بودند، اظهار کردند ابتدا انفجاری آن‌ها را از زیر به بالا پرتاب کرده و سپس به طور مسلسل‌وار صداهای انفجار از اطراف شنیده‌اند^۳

ویلیام رودریگز یکی از همان خدمه برج‌های مرکز تجارت جهانی که به عنوان قهرمان ملی ۱۱ سپتامبر هم نامیده شد، در فیلم مستند «ما آنجا بودیم» گفت:

«در همان لحظه‌ای که من را از زیر آوار در آوردند، گفتم که من صدای انفجارها را شنیدم... هفده نفر از ماموران آتش‌نشانی هم که جان سالم به در بردند، همین را روایت کردند. وقتی ساختمان‌ها می‌سوختند، احدی فکر نمی‌کرد که فرو بریزند و این طور به نظر نمی‌رسید که مثل یک عملیات «مهندسی تخریب» از پیش طراحی شده، به آن ترتیب پایین بیایند.»

اما گاف بزرگ ماجرا در خبر فرو ریختن ساختمان شماره ۷ داده شد که در کنار دو برج یاد شده قرار داشت. گاف بزرگ این بود که آن خبر را شبکه‌های BBC و CNN دقیقاً ۱۲ دقیقه پیش از فرو ریختن ساختمان شماره ۷ اعلام کردند!

در تصویری که BBC پخش کرد، در حالی که خبرنگارش در حال گزارش فرو ریختن ساختمان شماره ۷ بود، ساختمان یاد شده، صبح و سالم پشت سر وی خودنمایی می‌کرد! در اینجا بود که تصاویر خبرنگار فوق و ساختمان شماره ۷ ناگهان قطع شد و مجری برنامه ناشیانه اعلام کرد ارتباطش با نیویورک قطع شده است. اما ده دقیقه بعد خبر فرو ریختن ساختمان شماره ۷ دوباره پخش شد!

پس از ارائه گزارش رسمی دولت آمریکا و روایت سؤال برانگیز متهم کردن چند تروریست بی‌نام و نشان، تظاهرات مختلفی در آمریکا برگزار شد که دولت بوش را به چالش پاسخگویی فراخواندند. درباره یکی از این تظاهرات که از شبکه MSNBC پخش شد، مجری برنامه اینچنین گزارش داد:

«اینجا مردمی که جمع شده‌اند، معتقدند روز یازده سپتامبر، تروریست‌ها به ما حمله نکردند و ریشه توطئه انفجارها، جایی در کاخ سفید بود. مردم معتقدند دیک چنی بود که آن ساختمان‌ها را منفجر کرد و حالا مردم می‌خواهند که در این مورد تحقیقات دقیقی صورت بگیرد».

تی‌پری میسن، محقق و روزنامه‌نگار معروف فرانسوی و نویسنده کتاب «یازده سپتامبر، دروغ بزرگ» طی تحقیقاتی که به عمل آورد، معلوم نمود، هواپیماهایی که به برج‌های دوقلو برخورد کردند، اساساً مسافربری نبودند. این ادعا را برخی از شاهدان عینی نیز تایید کردند. از جمله شاهی در گفتگو با شبکه فاکس نیوز گفت: «بقینا هواپیمای مسافربری نبود، چون پنجره نداشت. دیدم که هواپیما ارتفاعش کم هست... یک پرواز عادی به نظر نمی‌رسید. مشابه این را ندیده بودم».

تیری میسن در کتاب خود به نام «دروغ بزرگ» نوشته امکان نداشت که آن هواپیماها بتوانند بدون زمینه‌سازی و کمک، به درون برج‌ها نفوذ کنند. او با تحقیقات مفصل و مستند، تصاویری را نشان داده که قبل از برخورد با برج‌ها، هر هواپیما با شلیک موشک، شکافی در بدنه برج ایجاد کرده که بتواند از درون شبکه آهن و فولاد و بتن به درون آن رخنه کند.

میسن، تصاویر کانال یک تلویزیون نیویورک از حادثه ۱۱ سپتامبر و برخورد هواپیمای دوم به برج‌های دو قلو را به دقت و فریم به فریم بررسی کرده و با نمایش آن‌ها می‌گوید:

کسی به این تصاویر توجه نکرده، ولی اگر تصاویر را خیلی آرام نگاه کنیم، می‌بینیم که یک موشک از میان دودهای برخاسته از برج اول به طرف شما می‌آید... این تصاویر را به چند متخصص ارتشی نشان دادیم و آن‌ها همه مطمئن هستند که این یک موشک است!

براساس تحقیقات او که هرگز از سوی مقامات آمریکایی پاسخ داده نشد، در طی مدت زمان ربایش هواپیماهای یاد شده و برخوردشان به برج‌های نیویورکی، هیچ جنگنده آمریکایی به مقابله با آن‌ها نرفت و حتی هیچ یک از جت‌های جنگی که در همان زمان در مانور نظامی شرکت داشتند، برای ردیابی هواپیماهای یاد شده اعزام نشدند!

به جز امثال تیری میسن و اساتید و کارشناسان «گروه روشنفکران حقیقت‌یاب»، جمع کثیری از متخصصان مختلف هواپیما و سازه و مواد منفجره نیز فیلم‌ها و تصاویر سانسور شده‌ای که تنها بر روی اینترنت انتشار یافته بود را در فیلم مستند افشاگرانه‌ای به نام «تغییر بی‌قاعده» تحلیل و بررسی کردند.

مجله تایم در گزارشی درباره مستند «تغییر بی‌قاعده»، آن را یکی از افشاگرترین فیلم‌هایی معرفی نمود که درباره ۱۱ سپتامبر ساخته شده است. در ادامه گزارش مجله تایم آمده بود:

تبلیغات

«فیلم یاد شده پر از آمار، تصاویر، مدارک و گفته‌های شاهدان عینی است. متخصصان در مصاحبه هایشان دلایل خود را ارائه می‌دهند و نوای موسیقی هیپ‌هاپ در سرتاسر فیلم به گوش می‌رسد. آن‌ها یازدهم سپتامبر را از نو بازسازی کرده‌اند. نقطه به نقطه و فریم به فریم. یک گوینده لحظه به لحظه ماجرا را شرح می‌دهد. آماتورها، شماری از انسان‌های سخت‌کوش (که بعضی حتی ۲۰ ساله‌اند) با سرمایه شخصی و لپ‌تاپ‌هایشان و تصاویری که در اینترنت موجود بوده، این فیلم را ساخته‌اند».

کوری روه، یکی از سازندگان فیلم که تنها ۲۳ سال داشت، در مصاحبه با همان شماره مجله تایم گفت:

«هدف فیلم تنها یک چیز است: مردم باید متقاعد شوند که داستان‌های دیگری هم از ماجرا وجود دارد. داستان‌هایی که رسانه‌های اصلی و دولت هیچ‌گاه تعریف نمی‌کنند».

او ادامه داده بود: «آن ۱۹ هواپیما را در ۲ ساعت، از تمامی بخش‌های امنیتی به راحتی گذشتند و ۴ هواپیمای مسافربری را به چنین ساختمان‌هایی کوبیدند و در تمام این مدت ارتش هیچ کاری برای متوقف کردن آن‌ها انجام نداد، آن هم در

محافظت‌شده‌ترین فضای هوایی سراسر جهان در ایالات متحده. این به نظر من توطئه دولت آمریکا است، دم و دستگاه بوش».

رووه در ادامه افزوده بود: «دولت در این فیلمنامه نقش وطن‌پرستی تحسین‌آمیزش را به خوبی بازی کرد که اگر می‌خواهید سلاح‌های کشتار جمعی ساختگی را در یک کشور دیگر ریشه‌کن کنید، بهترین کار راه انداختن چنین حملات تروریستی ساختگی به کشورتان است!»

او در این جملات به حمله آمریکا به عراق و آغاز یک جنگ تاریخی اشاره کرد که جرج بوش نام آن را جنگ صلیبی نوین گذارد. جنگی که قرار بود پس از لشکر کشی آمریکا و هم‌پیمانانش به عراق و افغانستان، به نتیجه‌ای برسد که قرن‌ها مدنظر تئوریسین‌های غرب صلیبی/ صهیونی قرار داشت. چنانچه ولسی کلارک، فرمانده سابق سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در اروپا در یک برنامه تلویزیونی گفت: «آمریکا در سال ۲۰۰۱ میلادی تصمیم گرفته بود به عراق، سوریه، لبنان، لیبی، سومالی، سودان و ایران حمله کند و قرار بود طی ۵ سال این کشورها اشغال شوند. اما...»



"دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر"

نویسنده ناصر کاوه

ضمیمه شماره چهار

۱۱۵ دلیل بر اثبات ساختگی بودن ۱۱ سپتامبر

۲۰ شهریور ۱۳۹۴ - ۰۰:۰۲ اخبار بین الملل اخبار آمریکا

115 دلیل بر اثبات ساختگی بودن 11 سپتامبر

پروفسور «دیوید ری گریفین» در اثری با نام «از قلم افتاده ها و با قلم اضافه شده های کمیسیون تحقیق ۱۱ سپتامبر» به بررسی دروغهایی که دولت آمریکا درباره ۱۱ سپتامبر پرداخته و ۱۱۵ دلیل بر رد ادعای مقام های آمریکایی اقامه کرده است.

به گزارش گروه بین الملل خبرگزاری تسنیم، حادثه 11 سپتامبر بهانه ای برای لشگرکشی بزرگ آمریکا به جهان اسلام شد که تاکنون بیش از 3 میلیون کشته بر جای گذاشته است. کشتار مردم عراق و افغانستان و همچنین ایجاد جنگ نیابتی با حاکمیت های مردمی منطقه پس از خفیف شدن حضور نظامیان آمریکا در عراق را می توان نتیجه فوری این حملات نامید. چنان هیاوهی سنگینی درباره حمله آنچه نظام حاکم بر آمریکا القاعده می نامد به برج های دو قلو به راه انداخته شد که افکار عمومی فرصت تفکر درباره چند و چون این حملات را پیدا نکرد.

علیرغم اینکه چهره های سرشناسی چون تیری میسان با نوشتن کتاب دروغ بزرگ در سال 2002 مدارک فراوانی درباره ساختگی بودن حادثه 11 سپتامبر و کارگردانی آن به وسیله سرویس های امنیتی آمریکایی، انگلیسی و اسرائیلی منتشر کردند، اما حجم سنگین تبلیغات رسانه ای هنوز مانع از کنار رفتن پرده های نیرنگ بر این سناریوی بی سابقه امنیتی شده است.

پروفسور «دیوید ری گریفین» در یکی از آثارش با نام «از قلم افتاده ها و با قلم اضافه شده های کمیسیون تحقیق 11 سپتامبر» به بررسی دروغهایی که دولت آمریکا درباره 11 سپتامبر پرداخته و حقایق ممتازی را افشا کرده است.

پایگاه خبری ولترنت می نویسد که هرگز نسخه ای رسمی مطلوبی از سوءقصد های 11 سپتامبر 2001 وجود نداشته است. هیچ تحقیق قضایی و یا حتی پارلمانی روی این قضیه باز نشد. هر آنچه تا کنون ارائه شده نسخه ای دولتی بوده که براساس گزارشی از کمیسیون ریاست جمهوری آماده شده است. خبرگزاری بین المللی تسنیم در سه گزارش این 115 دلیل که بر رد ادعای دولت آمریکا مبنی بر حمله القاعده به برج های دو قلو ارائه شده است برای علاقمندان منتشر می کند.

1. حذف این مدرک که حداقل شش هواپیماربا هنوز زنده هستند. یکی از آنها ولید الشهری است که قبل از اینکه پرواز UA11، برج شمالی مرکز تجارت جهانی را ویران کند از طریق کمیسیون تحقیق 11 سپتامبر متهم به کشتن مهماندار UA11 بوده است. (صفحات 19-20)

2. حذف مدارک مربوط به محمد عطا که نشان می دهد او گرایشی به الکل، گوشت خوک و رقصهای شهوت آلود تک نفره دارد. در صورتیکه مشخصات این فرد با اسناد کمیسیون تحقیق ریاست جمهوری کاملاً در تضاد است چونکه این کمیسیون مدعی است که این شخص، یک متعصب مذهبی شده است. (صفحات 20-21)

3. بی‌نظمی مغرضانه اطلاعات به گونه ای است که نشان ندهد «هانی هانجور» خلبانی حرفه‌ای نبوده که بتواند یک هواپیمای مسافربری را برای ویران کردن پنتاگون به آن نقطه ببرد. (صفحات 21-22)

4. حذف این واقعیت که در هیچکدام از لیستهای پرواز (Flight manifest) نام یک عرب دیده نمی‌شود. (صفحه 23)

5. حذف این واقعیت که تاکنون هیچ آتش سوزی، چه قبل از 11 سپتامبر و چه بعد از آن، منجر به فرو ریختن کامل یک ساختمان با یک اسکلت فولادی نشده است. (صفحه 25)

6. حذف این واقعیت که آتش سوزی برجهای دوقلو در مقایسه با موارد مشابه آنقدر هم وسیع، شدید و طولانی نبوده که منجر به نابودی همه‌ی ساختمان شود. زیرا در سایر آسمان خراشهای آمریکا با همین ساختار فولادی چنین اتفاقی نیفتاده است. (صفحات 25-26)

7. با فرض اینکه تخریب کامل ساختمان بخاطر آتش سوزی باشد، چرا برج جنوبی که بعد از برج شمالی با هواپیما برخورد داشته و کمتر در معرض شعله‌های آتش قرار داشته، زودتر از برج شمالی فرو ریخته است؟ (صفحه 26)

8. حذف این واقعیت که چرا ساختمان شماره هفت مرکز تجارت جهانی (WTC) سقوط کرد، ساختمانی که هیچ هواپیمایی با آن برخورد نکرد و فقط در معرض چند شعله‌ای کوچک آتش قرار داشت! اتفاقی که آژانس فدرال بررسی شرایط فوری آن را تأیید کرد اما نتوانست توضیحش دهد. (صفحه 26)

9. حذف این واقعیت که فرو ریختن برجهای دوقلو و ساختمان شماره هفت، حداقل از 10 منظر بیانگر یک تخریب کنترل شده است. (صفحات 26-27)

10. ادعایی مبنی بر اینکه مرکز اسکلت هر یک از برجهای دوقلو به شکل یک چاه فولادی توخالی است در صورتیکه این ادعا حضور 47 ستون متراکم فولادی را که در واقع مرکز هر برج را تشکیل می‌دهند، انکار می‌کند. همچنین براساس نظریه سرهم بندی طبقات (The pancake theory) با این شرایط معماری، این برجها می‌بایست در هنگام نابودی، بیش از ده ها متر رو به آسمان پابرجا می‌ایستادند. (صفحات 27-28)

11. حذف صحبت‌های لاری سیلورستاین، مالک مرکز تجارت جهانی مبنی بر اینکه او تصمیم گرفته بود با هماهنگی آتش نشانها ساختمان شماره هفت را خراب کند (to pull) [در زبان غیر رسمی درباره مسائل فنی به معنای ویران کردن می‌باشد]. (صفحه 28)

12. حذف این واقعیت که فولاد ساختمانهای مرکز تجارت جهانی به سرعت از صحنه واقعه خارج شده و قبل از اینکه بتوان برای آشکار کردن اثرات انفجار، بررسی‌هایی روی آنها انجام داد، توسط کشتی‌هایی به مقصدی ناشناخته حمل شدند. (صفحه 30)

13. حذف این واقعیت که ساختمان شماره هفت، قبل از فروریختنش تخلیه شده بود و همین موضوع، دلیل رسمی قرار گرفت برای خارج کردن فولادهای این ساختمان. در صورتیکه امکان داشت تعدادی هنوز زیر آوار زنده باشند. (صفحه 30)

14. حذف صحبت‌های شهردار جولیان مبنی بر اینکه پیش بینی شده که مرکز تجارت جهانی ویران خواهد شد. (صفحات 31-30)

15. حذف این واقعیت که ماروین بوش (برادر رئیس جمهور) و ورت واکر (پسر عموی رئیس جمهور) هر دو رئیس بخش امنیت مرکز تجارت جهانی بودند. (صفحات 32-31)

16. حذف این واقعیت که بخش تخریب شده غربی پنتاگون، به دلایل گوناگون فاقد ارزشی برای حملات تروریستی القاعده است. (صفحات 34-33)

17. حذف هرگونه مباحثه‌ای برای تعیین کردن اینکه آیا خرابیهای پنتاگون با برخورد یک بوئینگ 757 که بیش از صدها کیلومتر بر ساعت سرعت داشته، همخوانی دارد؟ (صفحه 34)

18. حذف این واقعیت که بعضی از عکسها نشان می دهند نمای بخش غربی پنتاگون سی دقیقه بعد از برخورد هواپیما فرو ریخته و همچنین سوراخ ایجاد شده بسیار کوچکتر از اندازه یک بوئینگ 757 می باشد. (صفحه 34)

19. حذف هرگونه شواهد بحث برانگیزی درباره وجود یا عدم وجود تکه‌پاره های هواپیمای بوئینگ 757 در داخل یا خارج از پنتاگون. (صفحات 36-34)

20. انجام نشدن هیچگونه بحثی درباره مشخص کردن اینکه آیا پنتاگون مجهز به سیستم دفاع ضد موشکی برای سرنگون کردن هواپیمای مسافربری تجاری نبوده است؟ در صورتیکه کمیسیون تحقیق مدعی شده بود که تروریستهای القاعده به مرکز هسته‌ای پنتاگون حمله نکرده بودند چونکه آنها این بخش را محافظت شده می پنداشتند. (صفحه 36)

21. حذف این واقعیت که تصاویر موجود از دوربین‌های مراقبت به ویژه آنهایی که از ایستگاه خدمات روبروی پنتاگون گرفته شده و همچنین فیلم این تصاویر که بلافاصله بعد از برخورد هواپیما بوسیله اف.بی.آی مصادره شد، بی شک می تواند پاسخ معمایی باشد که چه چیزی به پنتاگون برخورد کرده است؟ (صفحات 38-37)

22. حذف نامه نگاری دونالد رامسفلد، وزیر دفاع آمریکا معطوف به این جمله «یک موشک [استفاده شده] برای تخریب کردن [پنتاگون]». (صفحه 39)

23. چرا مامورهای سرویس مخفی آمریکا به بوش اجازه دادند در مدرسه ساراسوتا (Sarasota school) حضور داشته باشد درحالیکه بر اساس نسخه رسمی کمیسیون تحقیق امکان داشت این هواپیمایی که از مسیرش منحرف شده، به این مدرسه برخورد کند.

24. ناتوانی در مشخص کردن اینکه چرا ماموران مخفی آمریکا هیچ درخواستی برای محافظت هوایی از هواپیمای ریاست جمهوری (Air Force One) نداده‌اند.

25. اظهاراتی که نشان می‌دهند، وقتی همراهان رئیس جمهوری به مدرسه ساراسوتا رسیدند، هیچکدام از آنها خبر نداشتند تعدادی هواپیما از مسیر هوایی خود منحرف شده‌اند. (صفحات 47-48)

26. حذف گزارشی که براساس آن، جان اشکرافت وزیر دادگستری، قبل از 11 سپتامبر اعلام کرد دیگر از خطوط هوایی تجاری استفاده نشود. (صفحه 50)

27. حذف اظهارات دیوید شبیر که بیهوده تلاش می‌کرد تا بر مبنای اطلاعات افسران اف.بی.آی در مورد حملات احتمالی جنوب منتهن، داده‌ها را شش هفته قبل از وقوع حادثه 11 سپتامبر در اختیار وزیر دادگستری قرار دهد. (صفحه 51)

28. حذف هرگونه اظهارنظرهای ماموران اف.بی.آی که پیشتر از این اعلام کرده بودند در مورد زمان و مکان هر حمله تروریستی اطلاع کافی دارند. (صفحه 51-52)

29. پایین آمدن غیرمعمول حجم خرید کالاها قبل از 11 سپتامبر نمی‌تواند تائیدی بر این باشد که خریدکنندگان پیش از این نسبت به حملات برجهای دوقلو مطلع بودند. (صفحات 52-57)

30. حذف گزارشهایی که براساس آنها، ویلی براون شهردار سان-فرانسیسکو و چندی از مسئولان پنتاگون هشدارهایی دریافت کرده‌اند که در روز 11 سپتامبر از هیچ هواپیمایی استفاده نکنند. (صفحه 57)

31. حذف گزارشی که مبنی بر آن اسامه بن لادن، به عنوان تحت تعقیب ترین مجرم ایالات متحده، در ژوئیه-ی 2001 توسط یک دکتر و بیمارستان آمریکایی در دبی درمان شد و در آنجا با مامور محلی سیا ملاقات کرد. (صفحه 59)

32. حذف مقاله‌هایی که ادعا داشتند، ارتش آمریکا بعد از 11 سپتامبر عامدانه اسامه بن لادن را فراری داده‌اند. (صفحه 60)

33. حذف گزارشهایی که شامل ملاقات رئیس سرویس اطلاعات عربستان سعودی با اسامه بن لادن در بیمارستان دبی است. در صورتیکه این گزارشات با نسخه رسمی کمیسیون تحقیق مبنی بر اینکه بن لادن از طرف خانواده و کشورش طرد شده است، کاملاً در تناقض است.

34. حذف گزارشهای جerald پوسنر براساس شواهد ابوزبیده که بیان می داشت، سه عضو از خانواده سلطنتی عربستان سعودی برای القاعده سرمایه گذاری می کنند و اطلاعات قبلی در مورد حملات 11 سپتامبر داشتند. (صفحات 61-65)

35. تکذیبیهی کمیسیون تحقیق دربارهی مدارکی که نشان می داد، سعودی ها بودجه مالی القاعده را تامین می کردند. (صفحات 65-68)



"دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر"

نویسنده ناصر کاوه

ضمیمه شماره پنج

5 معمای بی‌پاسخ حملات 11 سپتامبر

حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا به القاعده و بن لادن نسبت داده شد اما پس از ۲۴ سال هنوز این رخداد نقاط تاریک مبهمی دارد که بی پاسخ مانده اند.

فرارو- صبحی آرام در نیویورک، جایی که آسمان آبی و شفاف است و زندگی عادی جریان دارد، ناگهان، هواپیمایی غول‌پیکر به برج‌های دوقلو برخورد می‌کند و دنیا را برای همیشه تغییر می‌دهد. ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، روزی بود که سیاست جهانی برای همیشه دگرگون شد.

به گزارش فرارو، اما پشت این تراژدی، لایه‌هایی از رمز و راز پنهان مانده که حتی پس از ۲۴ سال، ذهن‌ها را به چالش می‌کشد. آیا همه چیز آن‌طور که روایت رسمی می‌گوید، بود؟ یا دست‌های پنهانی در کار بودند که هنوز آشکار نشده‌اند؟ در این مقاله به کاوش در معماهای بی‌پاسخ ۱۱ سپتامبر می‌پردازیم.

قاتل اسامه بن لادن جزئیات تازه رو کرد

افشای جزئیاتی تازه از نحوه کشتن بن لادن

کلیات ماجرا

صبح ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، چهار هواپیمای مسافربری توسط ۱۹ تروریست مرتبط با القاعده ربوده شد. دو هواپیما به برج‌های شمالی و جنوبی مرکز تجارت جهانی (WTC) برخورد کردند، یکی به پنتاگون اصابت کرد و چهارمی در پنسیلوانیا سقوط کرد. گزارش کمیسیون ۱۱ سپتامبر، که در سال ۲۰۰۴ منتشر شد، این رویداد را به عنوان حمله‌ای تروریستی از سوی اسامه بن لادن توصیف کرد.

اما خانواده‌های قربانیان، محققان و حتی برخی سیاستمداران، سوال‌هایی مطرح کرده‌اند که پاسخ رسمی به آن‌ها ناکافی به نظر می‌رسد. این سوال‌ها نه تنها تئوری‌های توطئه را دامن زده‌اند، بلکه به جنبش‌هایی مانند "جنبش حقیقت ۱۱ سپتامبر" منجر شده‌اند که هزاران مهندس، معمار و متخصص را گرد هم آورده تا روایت رسمی را زیر سوال ببرند. حالا، در سال ۲۰۲۵، با شناسایی باقی‌مانده‌های جدید قربانیان و پیشنهاد تحقیقات تازه توسط سناتورهای مانند ران جانسون، این معماها دوباره زنده شده‌اند.

معمای اول: سقوط برج‌ها – آتش یا انفجار کنترل‌شده؟

برج‌های دوقلو، نمادهای غرورآمیز نیویورک، طوری طراحی شده بودند که در برابر برخورد هواپیما مقاومت کنند. مهندسان پیش‌بینی کرده بودند که حتی اگر بوئینگ ۷۰۷ به آن‌ها بزند، فرو نریزند. اما برج شمالی تنها ۱۰۲ دقیقه و برج جنوبی ۵۶ دقیقه پس از برخورد سقوط کردند. ساختمان ۷ مرکز تجارت جهانی (WTC 7) هم، بدون برخورد مستقیم هواپیما، در بعدازظهر همان روز فرو ریخت. چرا؟

روایت رسمی: موسسه ملی استاندارد و فناوری (NIST) می‌گوید آتش ناشی از سوخت هواپیما، فولاد سازه را ضعیف کرد و منجر به فروپاشی شد. اما منتقدان، از جمله بیش از ۳۰۰۰ معمار و مهندس در گروه "معماران و مهندسان برای حقیقت ۱۱ سپتامبر"، این را نپذیرفته‌اند. آن‌ها به گزارش‌های شاهدان از انفجارهای متعدد قبل از سقوط اشاره می‌کنند – صداهایی شبیه بمب‌گذاری که آتش‌نشانان و نجات‌یافتگان توصیف کرده‌اند. همچنین، وجود فلز مذاب در آوار و کشف ذرات نانو-ترمیت (ماده‌ای انفجاری) در گرد و غبار، سوال‌برانگیز است. آیا این ساختمان‌ها با مواد منفجره از پیش کار گذاشته‌شده نابود شدند؟

در سال ۲۰۰۹، مطالعه‌ای در مجله Open Chemical Physics Journal ادعا کرد که ترمیت در نمونه‌های آوار یافت شده، اما NIST این را رد کرد و گفت ذرات قرمز/خاکستری یافت‌شده، بخشی از مواد ساختمانی بودند.

با این حال، شبیه‌سازی‌های کامپیوتری نشان می‌دهد که آتش به تنهایی نمی‌توانست چنین فروپاشی مقارنی شبیه به تخریب کنترل‌شده ساختمان‌ها ایجاد کند. خانواده‌های قربانیان، مانند باب مک‌ایلون که کتاب "سوال‌های بی‌پاسخ ۱۱ سپتامبر" را نوشت، می‌پرسند: چرا کمیسیون ۱۱ سپتامبر این گزارش‌ها را نادیده گرفت؟

این معما، مانند سایه‌ای تاریک، هنوز بر آسمان نیویورک آویزان است و ذهن‌ها را به فکر وامی‌دارد: آیا کسی از داخل سیستم، این فاجعه را مهندسی کرد؟

معمای دوم: حمله به پنتاگون – هواپیما یا موشک؟

پرواز ۷۷ آمریکایی ایرلاینز، بوئینگ ۷۵۷، ظاهراً به بخش غربی پنتاگون برخورد کرد و ۱۸۴ نفر را کشت. اما تصاویر اولیه نشان‌دهنده سوراخی کوچک (حدود ۱۸ متر) در دیوار بود – خیلی کوچک برای هواپیمایی با عرض بال‌های ۳۸ متری. کجا رفتند بال‌ها، موتورها و بدنه هواپیما؟

روایت رسمی FBI: ۱۱ سپتامبر می‌گویند هواپیما با سرعت بالا برخورد کرد و بیشتر قطعات داخل ساختمان رفتند DNA. ۵۸ مسافر و ۵ رابینده شناسایی شد، و جعبه سیاه هواپیما یافت شد. اما تئوری‌های جایگزین می‌گویند این یک موشک بود، نه هواپیما. شاهدان بوی سوخت جت را گزارش کردند، اما برخی دیگر ادعا کردند چیزی شبیه موشک دیدند. چرا ویدیوهای دوربین‌های امنیتی پنتاگون، که بیش از ۸۰ تا بودند، منتشر نشدند؟ تنها چند فریم مبهم در سال ۲۰۰۶ منتشر شد که چیزی واضح نشان نمی‌دهد.

منتقدان مانند تیری میسان در کتاب "دروغ بزرگ"، می‌پرسند: اگر هواپیما بود، چرا هیچ اثری از صندلی‌ها یا چمدان‌ها در بیرون نبود؟ وزارت دفاع می‌گوید قطعات هواپیما جمع‌آوری شد، اما عکس‌ها نشان‌دهنده کمبود آوار است. این معما، مانند پازلی ناقص، هنوز کامل نشده و برخی را به این باور می‌رساند که برای توجیه جنگ، صحنه‌سازی شده بود.

معمای سوم: پرواز ۹۳ – سقوط یا سرنگونی؟

پرواز ۹۳ یونایتد ایرلاینز در شنکزیل پنسیلوانیا سقوط کرد، جایی که مسافران شجاعانه علیه رابیندگان قیام کردند. اما قطعات هواپیما تا ۱۳ کیلومتر دورتر یافت شد – آیا این نتیجه انفجار در هوا بود؟

روایت رسمی: کمیسیون می‌گوید هواپیما بر اثر مبارزه مسافران وارونه شد و سقوط کرد. اما گزارش‌ها از دیده شدن یک هواپیمای سفید کوچک (شاید جت نظامی) در نزدیکی هواپیما، و برخی شاهدان هم از شنیدن صدای موشک سخن به میان آورده‌اند. آیا نیروی هوایی آمریکا آن را سرنگون کرد تا از هدف احتمالی (کاخ سفید یا کنگره) جلوگیری کند؟ دونالد رامسفلد، وزیر دفاع وقت، در مصاحبه‌ای ناخواسته گفت "هواپیما سرنگون شد"، اما بعداً این اظهار نظر را تصحیح کرد. مجله Skeptic توضیح داد که قطعات سبک با باد جابجا شدند، اما منتقدان می‌گویند موتور هواپیما آسیب‌هایی شبیه ضربه موشک داشت. خانواده‌های قربانیان هنوز می‌پرسند: چرا جعبه صدای کابین خلبان، که حاوی آخرین لحظات است، کامل منتشر نشد؟

معمای چهارم: پیش‌آگاهی و معاملات سهام مشکوک

روزهای قبل از ۱۱ سپتامبر، معاملات "پوت آپشن" (شرط بر سقوط سهام) روی سهام ایرلاین‌های آمریکایی، چهار برابر معمول بود. آیا کسی از حمله خبر داشت؟ روایت رسمی: کمیسیون ۱۱ سپتامبر گفت این معاملات تصادفی بودند و هیچ ارتباطی با القاعده نداشت. اما محققان مانند کوین رایان، می‌گویند این معاملات به شرکت‌هایی مرتبط بود که با CIA همکاری داشتند.

معمای پنجم: نقش دولت‌های خارجی – عربستان، اسرائیل یا دیگران؟

۲۸ صفحه محرمانه از گزارش کمیسیون، که در ۲۰۱۶ منتشر شد، به نقش احتمالی عربستان سعودی اشاره کرد – حمایت مالی از ربایندگان توسط شاهزاده‌های سعودی. اما چرا پیگیری نشد؟ تئوری‌ها به اسرائیل هم می‌رسند: پنج اسرائیلی که پس از حمله دستگیر شدند، آیا Mossad پیش‌آگاهی داشت؟



"دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر"

نویسنده ناصر کاوه

ضمیمه شماره شش

جهان و ۱۱ سپتامبر دروغین



۱۱ سپتامبر مصادف با افشای بزرگترین دروغ قرن آمریکا به بهانه حمله دروغین تروریستی به مرکز تجارت جهانی در آن کشور است، ادعای کذبی که همه بهانه ها را به دست این قدرت استعماری داد تا بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی (سابق) به یک قدرت بلامنازع در یک جهانی، تک قطبی تبدیل شود.

چون آمریکا بعد از حذف رقیب خود یعنی شوروی (سابق) و از بین رفتن بازوی های نظامی آن، دیگر توجیهی برای ادامه جنایت همیشگی و موجودیت پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نمی یافت، مگر اینکه سناریوی را طراحی کند که بتواند همچنان به سیاست های استعماری خود بدون رقیب سیاسی قبلی ادامه دهد و آن سناریو چیزی جز نمایش ۱۱ سپتامبر نبود.

برخی تحلیلگران با موشکافی بازیگران فرعی حادثه ۱۱ سپتامبر معتقدند که دولت آمریکا بعد فروپاشی تشکیلات سیاسی و نظامی رقیب (اتحاد جماهیر شوروی) با یک کارگردانی قوی این سناریو را طوری به کمک دست نشانندگان مسلمان نمای خود طراحی کرد که بتواند هم به ملت خود و هم به جهانیان، رقیب دیگری را برای توجیه سیاست های جنایتکارانه اش معرفی کند و آن رقیب قوی جز "فرهنگ و تمدن اسلام" نبود.

به همین دلیل هم بود که بعد از افشای حقایق پشت پرده حادثه ۱۱ سپتامبر، گسترش مطالعات درباره مسلمانان در سراسر جهان به ویژه در خود غرب موجب بازتولید و تقویت ساختارهای شرق‌شناسانه درباره اسلام شد و حتی باعث افزایش تعداد محققانی شد که تلاش می‌کنند نماینده‌ای برای صدای اسلام باشند و جهان بینی و معرفت‌شناسی اسلامی را به جهانیان بشناسانند.

در واقع ۱۱ سپتامبر حادثه بزرگی بود که اگرچه ظاهر آن مورد تایید همه جهانیان هست، اما در باطن آن حقایق بسیاری نهفته است که هنوز بخش زیادی از واقعیت‌های آن در پرده ابهام قرار دارند، اما تحلیل‌گران با استناد به شواهد و قرارداد رویدادهای قبل و بعد آن حادثه در کنار هم به نتایج جدیدی رسیده و می‌رسند که افشاگر یک جنایت بزرگ در تاریخ بشریت است.



حادثه هدایت شده و شومی که طبق اعلام کشور اصلی موجد و میزبان آن یعنی آمریکا، جدای خسارت‌های مالی هنگفت، حدود ۳ هزار نفر در آن جان باختند و حتی ۲۵ هزار نفر دیگر هم زخمی شدند، اما بی‌صدافتی حکومت آمریکا در علنی کردن تحقیقات این پرونده و تعلیق پیگیری شکایات خانواده قربانیان این رسوایی ملی آمریکایی، به تدریج آنرا به لکه تاریکی در پرونده دولت‌های آمریکا تبدیل کرده است.

طبق اخبار منتشر شده از این حمله ساختگی تروریستی، ۱۵ تبعه سعودی، دو تبعه اماراتی، یک تبعه مصر و یک لبنانی در آن شرکت داشتند که همگی عرب و عضو شبکه گروه تروریستی "القاعده" دست پرورده آمریکا بودند، اما تاوان هنرپیشگی آنها به کارگردانی آمریکا را ملت‌های بی‌گناه دیگر دادند، چون دولت آمریکا از همان ابتدا انگشت اتهام را به سوی افغانستان، ایران و عراق اشاره رفت و به قدری این ادعا را توسط رسانه‌های تحت امر خود تکرار کرد تا مخاطبان از میان شهروندان جهان فرصتی برای تجزیه و تحلیل این فرافکنی‌ها پیدا نکنند.

دولت‌های آمریکایی بعد از ۱۱ سپتامبر و به بهانه آن حملات تروریستی، هزینه‌های سنگینی به کشورهای منطقه از جمله افغانستان و عراق و پس از چند سال در سوریه و همچنین از طریق اعمال تحریم‌های ناعادلانه اقتصادی علیه ملت ایران - آن هم به بهانه جنگ علیه تروریسم - تحمیل کردند و خاکستر مرگ بر آسمان منطقه پاشیدند.

این در حالی بود که رد پای دولت های عربی غیر از عراق و سوریه در این ماجرا به قدری واضح و غیرقابل انکار بود که بقیه فرضیه ها را به حاشیه برد و باعث شد که کنگره آمریکا همان زمان لایحه ای را تصویب کند که براساس آن خانواده های قربانیان بتوانند بطور مشخص علیه دولت عربستان شکایت کنند، اما "باراک اوباما" رئیس جمهوری وقت آمریکا به دلیل فشارهای شدید سعودی ها، بخصوص تهدید به خارج کردن سرمایه های عربستان از آمریکا این قانون کنگره را وتو کرده بود.

در همان ایام شبکه سی بی اس آمریکا در گزارشی اختصاصی از دست داشتن مستقیم حداقل پنج مقام ارشد یک کشور عربی در این حادثه پرده برداشته بود و حتی ۱۲ روز بعد از آن حادثه جعبه هایی حاوی یادداشت ها و فیلم های خصوصی توسط پلیس انگلیس در بیرمنگام آن کشور کشف و ضبط شده بود که نشان می داد همه اعضای تیم عملیاتی ۱۱ سپتامبر از کشورهای عربی غیر از کشورهای متهم شده (ایران، عراق و سوریه) بودند.

حتی خبرگزاری آشوشیندپرس آمریکا تلویحا با استناد به گزارش ۲۸ صفحه ای کمیسیون ۱۱ سپتامبر با متهم کردن دولت کشورش نوشته بود که اگرچه همه حقایق اصلی پیرامون این حادثه برملا شد، اما برخلاف انتظار همه، ایران و عراق در محور شرارت قرار گرفتند.



یادآوری می شود دولت ایران اولین کشور مسلمان در جهان بود که حادثه ۱۱ سپتامبر را به شدت محکوم کرد و برای قربانیان آن حادثه نیز مراسم های ویژه برگزار کرد، البته وزیر خارجه وقت ایران در همان زمان به اتهامات و تصمیم آمریکا علیه ایران نیز شدیداً اعتراض کرده بود.

روزنامه انگلیسی گاردین نیز در همان زمان در گزارشی نوشته بود که حتی "جان اف لیمن" عضو سابق کمیسیون ۱۱ سپتامبر از شواهد روشنی سخن گفته است که از دخالت مستقیم وزارت شئون اسلامی عربستان حکایت می کند و حتی روزنامه نیویوریک تایمز هم گزارش داده بود که مقامات عربستان سعودی حکومت آمریکا را تهدید کرده است که در صورت قید شدن نام این کشور در ارتباط با واقعه ۱۱ سپتامبر، دارایی های خود را از آمریکا بیرون می کشد.

به همین دلیل از همان اولین روزهای وقوع آن حادثه و یا اجرای آن پروژه گدایی، ابهامات در باره این پرونده به قدری زیاد بود که تحلیلگران بین المللی به سمت فرضیه سازی رفتند، فرضیه هایی که تا همین امروز هم قابل طرح و بررسی هستند.

یکی از مهمترین فرضیه ها در ارتباط با این حملات این بود که به رغم ادعاهای دولت آمریکا و پشتیبانی هژمونی غرب از آن، این سناریو ساخته و اجرا شده توسط خود آمریکایی ها بود تا با سوء استفاده از این اتفاق هدایت شده، یانکی ها سیاست ها و برنامه های خود را در منطقه خاورمیانه پیاده کنند، به گونه ای که جمعی از افراد پیگیر و خانواده های قربانیان ویدئوی مربوط به "بن لادن" سرکرده القاعده که از قضا شریک تجاری برادر "جورج بوش" رئیس جمهوری وقت آمریکا بوده و مسئولیت آن حملات را نیز به عهده گرفته بود، را جعلی دانستند و مدارک خودشان را نیز بر روی سایت هایی که بعداً طراحی کردند، قرار دادند.



تنها چند روز پس از انفجار برج های مرکز تجارت جهانی و ساختمان وزارت دفاع آمریکا در واشنگتن ۲۰۰ خلبان ارشد خطوط هوایی و همچنین نیروی هوایی این کشور پس از برگزاری یک نشست طولانی درباره حوادث ۱۱ سپتامبر بیانیه ای منتشر کردند که به عمد از سوی رسانه های غربی نادیده گرفته شد.

آنها اعلام کردند که "برخورد هواپیماهای مسافربری به برج های دوقلو حساب شده و بسیار پیچیده تر از آن بوده است که خلبانان مبتدی با چند ماه آموزش از روی دستگاه های زمینی هواپیماهای مسافربری بتوانند آن را انجام دهند و چنین اقدامی بدون اطلاع و هماهنگی و حمایت رده های عالی امنیتی و سیاسی کشور غیرممکن است و آنها حداکثر خیانت را به کشورشان کرده اند .

در بیانیه خلبانان آمریکایی آمده بود: "دولت آمریکا از دستگاه های فوق العاده پیشرفته و جدیدی برخوردار است و توانایی هدایت هواپیماها از راه دور را دارند و این دستگاه ها می توانند هواپیماها را بدون دخالت خلبان به سمت هدف های مورد نظر خود هدایت کنند، با این وجود چگونه می توان پذیرفت نهادهای اطلاعاتی از جمله اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) که مدعی شنود مکالمات در کل جهان هستند و متخصص انواع ترور، توطئه، انفجار و آشوب هستند از وقوع این حادثه بزرگ بی خبر بوده باشند!؟

برخی نیز حادثه ۱۱ سپتامبر را کار رژیم صهیونیستی دانستند و آن را اقدامی با ماهیت تحریک آمیز توصیف کردند تا با مداخله آمریکا در منطقه و حاکمیت آشوب و جنگ های داخلی، حاشیه امنیت این رژیم افزایش یابد.



مثلا چندین شبکه تلویزیونی و فرستنده های آنها به طور کاملاً تصادفی در نزدیکی های برج های دوقلو در حال فعالیت بودند و لحظه برخورد دو فروند هواپیمای مسافربری را به تصویر کشیدند و از آن مهمتر این که بر اساس آمار منتشر شده نزدیک به ۲ هزار یهودی در این دو برج فعالیت داشتند، اما بر اساس یک هماهنگی به عمل آمده هیچ کدام از این افراد در روز حادثه در محل کار خود حاضر نشدند و هیچ گاه معلوم نشد که علت غیبت همزمان این افراد چه چیزی بوده است

از مهمترین این ابهام ها، دستور خروج فوری ۱۳ تن از بستگان بن لادن از سراسر آمریکا بود که "ریچارد کلارک" مسئول وقت بخش ضدتروریستی کاخ سفید در این خصوص گفته بود، پلیس فدرال دستور اجازه پرواز خانواده بن لادن را تایید کرد.

با این وجود بسیاری از تحلیلگران، این حادثه ساختگی را مولود و محصول امتزاج پول و لابیگری سیاسی و اقتصادی می دانند که سیستم سرمایه داری آمریکا بهترین محل و بستر پرورش آن است؛ لابی و پول از مبداء برخی کشورهای نفت خیز خاورمیانه که در دهه های اخیر تلاش زیادی برای شکل دهی به آرایش نیروها در آمریکا و اثرگذاری بر تحولات سیاسی این کشور انجام داده اند و وجود همین بستر و زمینه باعث شد که ملت آمریکا قربانی یک قیچی دو لبه ای شوند که یک تیغه آن در واشنگتن و تیغه دیگر آن در خاورمیانه و بطور مشخص در یکی از کشورهای حوزه خلیج فارس قرار داشت. در هر حال بی صداقتی دولت آمریکا در این فقره از جنایت ضد بشری بسیار محرز است تا جایی که با وجود گذشت بیش از دو دهه از اجرای آن سناریو، این دولت هیچگاه با ملت خود و خانواده های قربانیان آن با صداقت رفتار نکرده است و در مقابل، با فشار سیاسی و پول، حقوق، حیثیت و احساسات ملت آمریکا را در این ماجرا پای دیگر کشورهای ثروتمند خاورمیانه ریخته است.



بنابراین، برخلاف ادعای دولت آمریکا، تاکنون کمتر تحلیلگری در جهان را می‌توان یافت که معتقد باشد واکنش آمریکا به این واقعه ساختگی، منجر به افزایش امنیت در جهان و خاورمیانه شده باشد و حتی ظهور گروه‌های تروریستی در دو کشور افغانستان و عراق نیز ناشی از حضور آمریکا و متحدانش در این منطقه از جهان بوده است. بعد از ۱۱ سپتامبر بود که آمریکا به افغانستان و عراق لشکر کشی کرد.

در واقع اجرای پروژه بزرگ ادعایی آمریکا برای گسترش فرهنگ و سیاست لیبرال دموکراسی در خاورمیانه مهد تمدن و فرهنگ اسلامی به کابوسی برای آمریکایی‌ها تبدیل شد که جز عدم ثبات و امنیت برای جهانیان و حتی خود آمریکایی‌ها حاصل دیگری در پی نداشته است.

دولت آمریکا از همان زمان به بهانه «مبارزه با تروریسم» جنگ‌هایی را در سراسر جهان به راه انداخته و باعث رنج و غم بینهایت مردم دیگر کشورها شد که دامنه تبعات آن حتی خود آمریکا را هم در بر گرفته است تا جایی که امروزه شاهد افزایش چنددستگی سیاسی و افراطگرایی در موضوعات سیاسی و اجتماعی در خود این کشور هم هستیم.



"دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر"

نویسنده ناصر کاوه

ضمیمه شماره هفت

تئوری‌های توطئه ۱۱ سپتامبر دلایلی‌اند که ادعا می‌کنند حملات ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱ یا عمداً اجازه داده شدند یا این‌که یک عملیات پرچم دروغین اجرا شده با عناصر نفوذی در دولت ایالات متحده بوده است.^{۱۱}

اصطلاح تئوری توطئه

اعضای جنبش حقیقت ۱۱ سپتامبر از به‌کارگیری انحصاری اصطلاح «تئوری توطئه» از طرف رسانه‌های اصلی برای توصیف مواضع‌شان انتقاد کرده‌اند. دیوید ری گریفین می‌نویسد که رسانه‌های اصلی طوری وانمود می‌کنند که انگار توضیح رسمی و دولتی ۱۱ سپتامبر خودش یک تئوری توطئه نیست چرا که آن هم دال بر یک توطئه از طرف اسامه بن لادن و تیمش علیه ایالات متحده است. آنچه مهم است این است که کدام تئوری توطئه مبتنی بر مدارک مطلوب و استدلال‌های منطقی است. اما استفاده توهین‌آمیز از این توصیف فقط برای نظریات غیردولتی باعث می‌شود افراد بتوانند بدون بررسی مدارک پشتیبان توضیحات غیررسمی آن‌ها را تمسخر و رد کنند.^{۱۲}

اقبال عمومی

یک نظرخواهی انجام‌شده در سال ۲۰۰۶ توسط اسکرپیس هاوارد و دانشگاه اوهایو نشان می‌دهد که «بیش از یک‌سوم جامعه آمریکا مظنونند که مقامات رسمی دولت فدرال به تروریست‌های ۱۱/۹ کمک کرده‌اند یا این‌که برای متوقف کردن‌شان به اقدامی دست زده‌اند تا این‌که آمریکا بتواند برای جنگ در خاورمیانه عازم شود».^{۱۳}

تئوری‌های مشهور



لاشه پرواز شماره ۷۷ - ساختمان پنتاگون (آرلینگتون، ویرجینیا)

قابل‌توجه‌ترین تئوری، بیان می‌کند که فروپاشی [مرکز تجارت جهانی](#) و [مرکز تجارت جهانی](#) ^۷ نتیجه تخریب کنترل‌شده بودند تا این‌که نتیجه تضعیف سازه‌ای حاصل از آتش‌سوزی باشد.^{۱۴} ^{۱۵} یک اعتقاد دیگر این است که [بیناگون](#) توسط یک موشک پرتاب‌شده به وسیله عناصری در دولت [ایالات متحده](#) مورد حمله قرار گرفت.^{۱۶} یا این‌که هواپیمای یک خط تجاری اجازه این عمل را از طریق توقف کاری مؤثر نظامیان آمریکا پیدا کرد.^{۱۷} اهداف منسوب به توطئه‌گران در این تئوری‌های توطئه شامل [تهاجم به افغانستان](#) و [عراق](#)، منافع ژئواستراتژیک در خاورمیانه از جمله نقشه‌های خطوط لوله آغازشده در اوایل دهه ۱۹۹۰ توسط آنوکل و سایر شرکت‌های نفتی است.^{۱۸}

مناظرات

گزارش‌ها و مقالات منتشرشده توسط مؤسسه ملی استاندارد و فناوری (ان‌آی‌اس‌تی)، [مهندسی عمران](#) و رسانه‌های عمده تئوری‌های توطئه ۱۱/۹ را رد کرده‌اند.^{۱۹} سازمان‌های [مهندسی عمران](#) پذیرفته‌اند که اثرات برخورد [هواپیمای حت](#) در سرعت بالا همراه با آتش حاصل از آن، نه تخریب کنترل‌شده، منجر به فروپاشی [برج‌های دوقلو](#) شده‌اند.^{۲۰} اما ان‌آی‌اس‌تی بیان کرده‌است که هیچ آزمایشی را روی هیچ گونه‌ای از باقی‌مانده‌های مواد منفجره موجود در خرابه‌ها انجام نداده‌است.^{۲۱} همچنین منتقدین به [روش‌شناسی](#) و مفروضات گزارش‌های ان‌آی‌اس‌تی و پاپیولر مکنیکس ایراد گرفته‌اند و نتایج گزارش را رد می‌کنند.^{۲۲}

منابع

1. [«Hypotheses: Principal Alternative Theories of the Attack»](#). [archive-date=](#) |را بررسی کنید) [کمک](#) August 28, 2009. تاریخ وارد شده
2. Ray Griffin, David. *The New Pearl Harbor: Disturbing Questions About the Bush Administration and 9/11* (p. ۳۳–۳۴).
3. Thomas Hargrove, «[Third of Americans suspect 9-11 government conspiracy](#)», *ScrippsNews*.
[conspiracy](#).
 Retrieved February 27, 2008. Ae911truth.org.
4. «[Why Indeed Did the WTC Buildings Collapse?](#)». *www.physics911.net*.
 Retrieved February 27, 2008.
5. «[Retrieved February 27, 2008](#)». *Ae911truth.org*.
 Retrieved February 27, 2008.
6. «[Did a Plane Hit the Pentagon?](#)». *Bureau of International Information Programs*, April 19, 2009. Archived from [the original](#) on 13 May 2009. Retrieved September 6, 2009.
7. David Ray, Ph.D. (Ray Griffin), «[Flights 11, 175, 77, and 93: The 9/11 Commission's Incredible Tales](#)», *911Truth.org*.
 Retrieved February 27, 2008.
8. «[The Military Drills on 9-11: "Bizarre Coincidence" or Something Else?](#)» (PDF).
 Retrieved February 27, 2008.

Knight, Peter (Spring 2008). [*"Outrageous Conspiracy Theories: Popular and Official Responses to 9/11 in Germany and the United States"*](#). [*New German Critique*](#). **35** (103): 165–193. Retrieved 12 Sep 2017.

«[NIST NCSTAR 1: Federal Building and Fire Safety Investigation of the World Trade Center Disaster](#)».

«[Final Report on the Collapse of World Trade Center Building](#)» (PDF). (PDF). (PDF).

Bazant, Zdenek P. and Mathieu Verdure. "Mechanics of Progressive Collapse: Learning from World Trade Center and Building Demolitions" in *Journal of Engineering Mechanics ASCE*, Volume 133, Issue 3, pp. 308–319 (March 2007). Bazant and Verdure write, "As generally accepted by the community of specialists in [structural mechanics](#) and [Structural engineering](#) (though not by a few outsiders claiming a conspiracy with planted explosives), the failure scenario was as follows...." (continues with a four-part scenario of progressive structural failure).

«[NIST's Investigation of the Sept. 11 World Trade Center Disaster](#)». NIST.

«[#5 of 6: NIST's WTC 7 Reports: Filled with Fantasy, Fiction, and Fraud](#)». [www.0ae911truth.org](#).



"دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر"

نویسنده ناصر کاوه

ضمیمه شماره هشت

بین الملل آمریکای شمالی

دروغی به نام یازدهم سپتامبر / منافعی که از حوادث ۲۰۰۱ به دست آمد

سالها پیش تا اکنون درباره رویداد یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ نوشتارهای زیادی منتشر شده است. اگر چه در ماهها نخستین اشاره و سخن گفتن از ساختگی بودن این حوادث کار آسانی نبود اما به مرور زمان نگاه تحلیلگران را به خود جلب کرد که آیا میشود پذیرفت با وجود اشراف امنیتی آمریکا چنین حادثه‌ای آن هم در مرکز نیویورک رخ دهد؟ آن هم در مهمترین برج‌های تجاری آمریکا؟

به آرامی پرسش‌ها و ابهامات زیادی مطرح شد و البته در کنار آن اسناد زیادی هم به دست آمد که ساختگی بودن این رویداد را نشان می‌داد.

تحلیل کارشناسان که با قراردادن عناصر مختلف به این نتیجه رسیدند هم بی تاثیر نبود.

خاطرم هست که نخستین کتابی که در این باره منتشر شد کتابی با عنوان یازدهم سپتامبر دروغ بزرگ بود که توسط تیری میسان نویسنده فرانسوی نگاشته شد.

من با او در تهران دیدار کردم و ترتیبی اتخاذ شد تا کتاب او در ایران ترجمه و منتشر شود. میسان در آن زمان اعتقاد داشت که برای نگارش این کتاب بشدت تحت فشار قرار گرفته است. البته اشخاص دیگری که درباره دروغ ۱۱ سپتامبر نوشتند نیز تحت فشار آمریکا و سازمان‌های امنیتی آن قرار گرفتند.

امروز همه تقریباً به این باور رسیده‌اند که آنچه که در ۱۱ سپتامبر اتفاق افتاد یک رویداد برنامه‌ریزی شده و ساختگی بود تا اهداف مهمی را پیگیری کند.

تراکم و حجم رسانه‌های وابسته به آمریکا برای توجیه سیاست‌های واشنگتن نیز بعد از یازدهم سپتامبر افزوده شد و سیاست اصلی این شبکه‌ها در ایجاد فتنه‌های دینی و نیز برجسته کردن و مدیریت اختلافات داخلی و به تبع آن توجیه اشغالگری آمریکا در منطقه بود

همراه کردن افکار عمومی آمریکا و همچنین اروپا با ساختار سیاسی به ویژه تصمیم جرج بوش رئیس جمهور وقت آمریکا برای حمله به منطقه و فراهم کردن زمینه‌های نفوذ نظامی آمریکا در خاورمیانه از مهمترین اهداف شکل‌گیری بودن حوادث ۱۱ سپتامبر به شمار می‌رود.

درست به همین دلیل زمانی که این حادثه به اطلاع جورج بوش رسانده شد واکنش چندانی نشان نداد؛ گویا همه چیز از قبل برنامه‌ریزی شده بود جالب‌تر آنکه چند روز قبل از این حوادث احمد شاه مسعود رهبر محبوب افغان‌ها توسط سرویس‌های امنیتی آمریکا ترور می‌شود یعنی شخصی که می‌توانست در دوران جدید افغانستان به عنوان یک رهبر مورد توافق افغانی‌ها زمام امور را به دست بگیرد.

آمریکا در آن زمان برای توجیه حضور نظامی خود در منطقه که از افغانستان شروع و به عراق و سوریه و دیگر کشورها منتهی شد و البته پایانی هم ندارد نیاز به همراهی افکار عمومی اروپا و آمریکا داشت به ویژه اینکه باید بخش مهمی از بودجه نظامی را صرف لشکرکشی به افغانستان و بعدها عراق می‌کرد.

از سویی دیگر حوادث ۱۱ سپتامبر نیز بهانه و توجیه خوبی برای اسلام‌هراسی و گسترش اسلام‌سنیزی در آمریکا و اروپا شد تا آنجا که در آن زمان بسیاری از مسلمانان و گروه‌های اسلامی تحت فشار قرار گرفتند.

از طرفی رفتارهای جنایت آمیز جرج بوش و آمریکا در افغانستان نیز با تحریک عواطف و احساسات عمومی اروپا و آمریکا توجیه می‌شد.

آمریکا همچنین برای افزایش سود سهام کارخانه‌های اسلحه سازی خود به این حوادث نیاز داشت. به طور کلی ۱۱ سپتامبر درجه ورود آمریکایی‌ها به منطقه خاورمیانه اما با یک توجیه منطقی بود البته منطقی که خود آنها ساخته بودند.

اما امروز عامه آمریکایی‌ها به طراحی این حوادث پی برده‌اند و دیگر نیازی به اسناد هم ندارند تا آن را بپذیرند. رفتارهای روسای جمهور بعد از جرج بوش پسر نیز تایید کرد که آنان به دنبال فراهم کردن نفوذ خود در منطقه هستند.

ایجاد درگیری‌های داخلی در منطقه به منظور مصروف کردن توان و اشتراکات اسلامی و ایجاد امنیت برای اسرائیل و آمریکا و فرار سرمایه‌ها و نیز غارت ثروت‌های نفتی منطقه مهمترین ماموریت این گروه‌های تروریستی بعد از یازدهم سپتامبر بود.

البته طالبان، القاعده و داعش هر کدام در یک وهله زمانی ماموریت‌هایی داشتند که انجام دادند. البته هنوز این ماموریت‌ها به اتمام نرسیده است و ادامه خواهد داشت. عناوین این گروه‌ها تغییر خواهد کرد اما ماموریت و رویکرد یکی است.

ایجاد درگیری‌های داخلی در منطقه به منظور مصروف کردن توان و اشتراکات اسلامی و ایجاد امنیت برای اسرائیل و آمریکا و فرار سرمایه‌ها و نیز غارت ثروت‌های نفتی منطقه مهمترین ماموریت این گروه‌های تروریستی بعد از یازدهم سپتامبر بود.

بی تردید اسلام‌هراسی و ارائه چهره خشن از اسلام با بروز و ظهور مدل‌هایی چون القاعده و طالبان و بعدها داعش مهمترین ماموریت آمریکایی‌ها در منطقه بود به گونه‌ای که یک چهره افراطی از اسلام به جهان غرب معرفی شود تا هم توجیه کشتار مسلمانان و حمله نظامی به خاورمیانه فراهم شود و هم اساس و اصل دین اسلام نیز در بین طرفداران و حتی پیروان آن مورد پرسش واقعی قرار گیرد.

از طرفی آمریکایی‌ها تلاش کردند در کنار ارائه این چهره خشن از اسلام و به قول رسانه‌هایشان، اسلام افراطی یک نمونه‌ای از اسلام سکولار و میانه‌رو را نیز ترویج کنند تا اساس آموزه‌های اسلامی در بین این دو الگو نادیده انگاشته شود.

امروز هر شهروند آمریکایی باید درک کند که قربانی منافع لابی صهیونیستی و سیاستمداران و مالکان کارخانه‌های تسلیحاتی و اسلحه‌سازی در آمریکاست. باید بدانند که آمریکا حتی به مردم خود هم رحم نمی‌کند چه جرج بوش جنگ طلب رئیس جمهور باشد چه اوبامای اتوکشیده، چه ترامپ دیوانه یا شاید هم جو بایدن!؟

در پایان باید به این نکته هم اشاره کرد که تراکم و حجم رسانه‌های وابسته به آمریکا برای توجیه سیاست‌های واشنگتن نیز بعد از یازدهم سپتامبر افزوده شد و سیاست اصلی این شبکه‌ها در ایجاد فتنه‌های دینی و نیز برجسته کردن و مدیریت اختلافات داخلی و به تبع آن توجیه اشغالگری آمریکا در منطقه بود.

منبع : برگزاری مهر



"دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر"

نویسنده ناصر کاوه

ضمیمه شماره نهم

کارشناسان آمریکایی در گفتگو با مشرق مطرح کردند؛ کارکردهای دروغ «11 سپتامبر» برای آمریکاستیزان

دلیل اهمیت بررسی واقعه 11 سپتامبر از نگاه ایران چیست و افشای پشت پرده آن چه فرصتهایی را برای کشورمان به ارمغان خواهد آورد. با "جیمز فترز" بنیانگذار گروه "پژوهشگران حقیقت‌یاب 11 سپتامبر" و همچنین "مایک گراول" سناتور سابق و نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در سال 2008 در این باره گفتگو کردیم.

گروه بین‌الملل مشرق- وقتی جادوگران، چوبدست‌های خود را در افکندند مردم اول باور کردند که این چوبدست‌ها مار هستند اما بعد از رؤیت معجزه عصای موسی، فهمیدند جادوی جادوگران، دروغی بیش نبوده است؛ فانقلب السحر علی الساحر؛ و سحر جادوگران به خودشان بازگشت.

اکنون 14 سال از حملات یازده سپتامبر می‌گذرد. در این مدت، حرف‌های زیادی درباره این واقعه زده شده است. در آمریکا گروه‌های متعددی هستند که نسبت به روایت رسمی ارائه شده توسط دولت این کشور درباره 11 سپتامبر انتقاد دارند. در ایران هم هر سال در این مناسبت، گزارش‌ها و مصاحبه‌هایی درباره دلیل این واقعه تهیه و حدس و گمان‌هایی درباره افراد پشت پرده آن زده می‌شود.

اما در گزارش پیش رو قصد داریم، دلیل اهمیت پرداختن به واقعه 11 سپتامبر از نگاه ایران و همچنین فرصتهایی را بررسی کنیم که افشای واقعیت‌های پشت پرده 11 سپتامبر می‌تواند برای کشورمان به وجود بیاورد. در این گزارش با "مایک گراول" سناتور سابق آمریکا و نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در سال 2008 و همچنین "جیمز فترز" کارشناس مسائل آمریکا و بنیانگذار گروه "پژوهشگران حقیقت‌یاب 11 سپتامبر" گفتگو کرده‌ایم.

11 "سپتامبر" بزرگترین دروغ تاریخ معاصر دنیاست

11 سپتامبر سال 2001 (20 شهریور 1380) نقطه عطفی در سیاست خارجی آمریکا و تاریخ معاصر منطقه خاورمیانه بود. در این روز، اتفاقی افتاد که به ادعای کاخ سفید، بزرگترین حمله تروریستی در تاریخ آمریکا بود. هواپیماربایان، ابتدا دو هواپیما را به فاصله چند دقیقه به برج‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی در نیویورک زدند. هواپیمای سوم به ساختمان پنتاگون برخورد کرد و هواپیمای چهارم در منطقه "شنکسویل" در ایالت پنسیلوانیا، سقوط کرد. هیچ‌کدام از مسافران چهار پرواز زنده نماندند. کشته‌شدگان با احتساب 19 هواپیماربا، 2993 نفر بودند.

واکنش آمریکا به این حملات، تدوین و اجرای سیاست "جنگ با تروریسم (War on Terror)" و تصویب لایحه "قانون میهن‌پرستی آمریکا (USA PATRIOT Act)" مخفف عبارت: یکپارچه کردن و تقویت آمریکا با تأمین ابزارهای لازم برای رهگیری و جلوگیری از تروریسم (بود که اختیارات دولت در جاسوسی و تصویب قوانین به اصطلاح ضدتروریستی را افزایش می‌داد. ارتش آمریکا بلافاصله پس از حوادث 11 سپتامبر به افغانستان حمله کرد. همچنین راه برای حمله این کشور به عراق و لیبی هموار شد و چنان‌که "جیمز فترز" توضیح می‌دهد، حمله به سوریه و نهایتاً ایران نیز از همان زمان در دستور کار قرار گرفت.

تأثیر حادثه 11 سپتامبر بر تاریخ آمریکا آن قدر عمیق است که بسیاری از کارشناسان این حادثه را با حادثه حمله ژاپن به بندر "پرل هاربر" و باز شدن پای آمریکا به جنگ جهانی دوم مقایسه می‌کنند. 11 سپتامبر نقطه آغاز تمام تلاش‌های دولت آمریکا برای دستیابی به هژمونی و گسترش امپریالیسم به تمام جهان و به طور خاص، منطقه خاورمیانه بود. "جیمز فتنر" درباره این نقطه عطف در تاریخ آمریکا می‌گوید: "سیاست خارجی آمریکا تا پیش از 11 سپتامبر، دست‌کم به طور رسمی این بود که "آمریکا به هیچ کشوری حمله نمی‌کند، مگر آن‌که آن کشور، اول به آمریکا حمله کند." با این حال، بعد از 11 سپتامبر این سیاست تغییر کرد و آمریکا "آغازکننده تهاجم" به یک کشور تبدیل شد؛ بلافاصله به افغانستان، سه سال بعد به عراق و در ادامه به شش کشور دیگر حمله کرد."

دولت جورج بوش پسر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، نه تنها ابعاد زیادی از واقعه 11 سپتامبر را پنهان کرد، بلکه با دروغ‌هایی که در این خصوص به مردم آمریکا گفت، افکار عمومی را، هم در این کشور و هم در بسیاری از کشورهای دیگر دنیا فریب داد. "مایک گراول" رقیب انتخاباتی اوباما (رئیس‌جمهوری که سال 2011 بخش‌های کلیدی قانون میهن‌پرستی آمریکا را بار دیگر امضا کرد)، در این خصوص توضیح می‌دهد: "گزارش‌های دولت آمریکا درباره اتفاقات 11 سپتامبر، ساختگی هستند. نقاط مبهم زیادی در این گزارش‌ها وجود دارد. برای همین است که نه دولت آمریکا و نه گروه‌هایی که از این حادثه منفعت می‌برند، یعنی صنعت نظامی آمریکا، نمی‌خواهند حوادث 11 سپتامبر بار دیگر مطرح و درباره آن‌ها مطالعه شود. رسانه‌ها هم تلاش می‌کنند افرادی را که به دنبال تحقیق مجدد درباره حوادث 11 سپتامبر هستند، به حاشیه برانند تا مردم توجهی به آن‌ها نکنند."

"نقاط مبهمی" که "گراول" به آن‌ها اشاره می‌کند موجب شد تا فعالان آمریکایی و بین‌المللی، و گروه‌هایی که بعضاً "کمیته‌های حقیقت‌یاب 11 سپتامبر" نام گرفتند، تحقیقات مستقلی را برای کشف آنچه واقعاً 11 سپتامبر سال 2001 اتفاق افتاد، آغاز کنند. برای هیچ‌یک از فعالان باورکردنی نبود که 19 تروریست بتوانند طی یک نقشه بی‌نقص، در یک روز، چهار هواپیما را در آمریکا بربایند و با آن‌ها به نقاط مختلف آمریکا حمله کنند.

ادعای دولت آمریکا، مبنی بر نابودی کامل برج‌های مرکز تجارت جهانی، در اثر برخورد هواپیماهای مسافربری، با شواهد مختلف رد شده است. آلبرت استابل‌باین "فرمانده بازنشسته" مقر فرماندهی امنیتی و اطلاعاتی ارتش آمریکا، احتمال اجرای چنین نقشه پیچیده‌ای در آمریکا را منتفی می‌داند و می‌گوید: "آن روز، هیچ هواپیمایی با پنتاگون برخورد نکرد. هیچ هواپیمایی در "شنکسویل" سقوط نکرد. هواپیماهایی هم که ادعا شده به برج‌های دوقلو برخورد کردند، نوعی تصاویر ساختگی به روش هولوگرافی بودند که دولت آمریکا برای فریب مردم از آن‌ها استفاده کرد. از نظر فیزیکی غیرممکن بوده که آن هواپیماها اول با ساختمان‌ها برخورد کنند و وارد آن‌ها شوند، و بعد منفجر بشوند. امکان نداشته که برخورد دو هواپیما بتواند برج‌های دوقلو را کاملاً تخریب کند."

صحبت از "تصاویر هولوگرافیک" هواپیماهای ریوده شده، شاید در ابتدا شبیه به توهم توطئه یا بزرگ‌نمایی درباره دروغ‌های جورج بوش درباره 11 سپتامبر به نظر بیاید، اما توضیحاتی که "فتنر" می‌دهد، تا اندازه‌ای این سناریو را قابل‌باور می‌کند: "اطلاعات دفتر آمار حمل‌ونقل آمریکا نشان می‌دهد که آن روز، هواپیماهای پرواز 11 (که گفته می‌شود به برج شمالی برخورد کرد) و پرواز 77 (که به پنتاگون برخورد کرد) اصلاً برنامه پروازی نداشته‌اند. از طرف دیگر، طبق گزارش‌های دفتر فدرال پروازهای آمریکا، هواپیماهای پرواز 93 (که می‌گویند در شنکسویل سقوط کرد) و پرواز 175 (که به برج جنوبی برخورد کرد) تا 28 سپتامبر سال 2005 حتی ثبت هم نشده بودند. چگونه می‌شود هواپیماهایی که آن روز، پرواز نکرده بودند، با برج شمالی و پنتاگون برخورد کنند؟ و چگونه ممکن است هواپیماهایی که سال 2001 سقوط کرده بودند، 4 سال بعد، دوباره پرواز کنند؟"

با این حال، همه واقعیت‌ها و اهداف پشت پرده 11 سپتامبر هم از مردم پنهان نمانده است. نه تنها فعالان بین‌المللی، بلکه حتی مقامات آمریکایی هم درباره توطئه‌های پشت این حادثه، افشاگری کرده‌اند. به گونه‌ای که "فتزر" می‌گوید: "وسلی کلارک" ژنرال بازنشسته ارتش آمریکا و فرمانده کل ناتو بین سال‌های 1997 تا 2000، این‌گونه بیان می‌کند: وقتی ما موریتیم در ناتو به پایان رسید و به پنتاگون برگشتم، از برنامه حمله به عراق خبردار شدم. پرسیدم: "آیا این حمله به خاطر 11 سپتامبر است؟" گفتند: "نه. ربطی به 11 سپتامبر ندارد." چند ماه بعد دوباره پرسیدم: "آیا هنوز هم می‌خواهیم به عراق حمله کنیم؟" گفتند: "وضعیت، خیلی بدتر شده است. وزیر دفاع، دستور داده که باید تا 5 سال آینده، به 7 کشور حمله کنیم و دولت‌هایشان را از بین ببریم. اول عراق و لیبی هستند و نهایتاً به سراغ سوریه و ایران می‌رویم."

درباره واقعه 11 سپتامبر و پیامدهای آن برای تمام دنیا دو سؤال بزرگ را باید پرسید. اولاً این‌که اگر القاعده، بن‌لادن و تروریست‌های عربستانی پشت این ماجرا نبودند، پس چه کسی 11 سپتامبر را به وجود آورد. "فتزر" که خود، یک گروه حقیقت‌یاب 11 سپتامبر تأسیس کرده، در پاسخ به این سؤال توضیح می‌دهد: "قطعاً القاعده و اسامه بن‌لادن هیچ ارتباطی با 11 سپتامبر نداشتند. این ماجرا، زیر سر اسرائیل بود. آن‌چه احتمالاً خیلی‌ها نمی‌دانند این است که نتانیاهو پیش‌بینی کرده بود که سقوط شوری، فرصتی تاریخی برای نومحافظه‌کارهای آمریکا به وجود می‌آورد تا یک امپراتوری آمریکایی در جهان ایجاد کنند. نخست‌وزیر اسرائیل معتقد بود برای آن‌که این امپراتوری شکل بگیرد و تا یک قرن ادامه پیدا کند، آمریکا باید به خاورمیانه هجوم نظامی و دیپلماتیک بیاورد. در عین حال، یک نگرانی هم وجود داشت: افکار عمومی آمریکا نمی‌توانستند به این سرعت، اهمیت این فرصت تاریخی را درک کنند، مگر آن‌که یک اتفاق بزرگ می‌افتاد، مثلاً تکرار حادثه‌های شبیه حمله ژاپن به بندر "پرل هاربر". برای تحول در سیاست خارجی آمریکا و ورود این کشور به جنگ با کشورهای عربی (به نفع اسرائیل) به چنین حادثه‌ای نیاز بود."

"پرل هاربر" و ورود آمریکا به جنگ جهانی دوم مقایسه می‌کنند

سؤال دوم این است که چگونه می‌توان با افشاگری و رسوا کردن دولت آمریکا، جلوی کاخ سفید را گرفت تا نتواند بیش از این از یک دروغ بزرگ، برای پیش‌برد منافع خود در منطقه ژئوپلیتیک خاورمیانه استفاده کند. پاسخ این سؤال را از زبان "گراول" می‌شنویم: "آن‌چه آمریکایی‌ها نیاز دارند این است که رسانه‌های خارجی، روی افشاگری درباره 11 سپتامبر تأکید کنند، چرا که این‌گونه، حداقل اندکی از فضا سازی‌های رسانه‌های جمعی درون آمریکا جبران می‌شود. در حال حاضر رسانه‌هایی مانند رسانه‌های ایرانی بر این موضوع تمرکز کرده‌اند که خیلی کمک‌کننده است. با این حال، باید بگویم که تا کنون نتوانسته‌ایم آن‌گونه که باید، دولت آمریکا را رسوا کنیم. اگر ایرانی‌ها می‌خواهند به ما کمک کنند باید بعد از نهایی شدن توافق هسته‌ای و در ارتباطات جدیدشان با کشورهای اروپایی، به آن‌ها نشان دهند که پیروی از آمریکا چه نتایج فاجعه‌باری دارد."

نکته دیگری که لازم است به آن پرداخته شود، یک باور غلط در میان بسیاری از مردم و حتی اهالی رسانه در کشورمان است. در رسانه‌ها، عمدتاً وقتی به واقعه 11 سپتامبر پرداخته می‌شود، پیامدهای آن را حمله به افغانستان و نهایتاً عراق می‌دانند. این یعنی تصور غالب در میان مردم ایران و حتی بسیاری از کارشناسان و اهالی رسانه در کشورمان این است که وقتی فرماندهان و مقامات دولتی آمریکا و اسرائیل جمع شده‌اند تا پرونده 11 سپتامبر را طراحی کنند، پرونده "معضل ایران" را موقتاً بسته و روی میز دیگری گذاشته‌اند. این در حالی است که ایران نه تنها بخشی از این پرونده بوده، بلکه نتیجه‌گیری پرونده 11 سپتامبر بوده است. یعنی اگر بعد از 11 سپتامبر حمله به افغانستان و عراق (همسایه‌های ایران) انجام می‌گیرد و طرح حمله به سوریه چیده می‌شود، هدف نهایی همه این جنگ‌ها، رسیدن به ایران است.

"جیمز فتزر" نیز ضمن تأیید این نظریه، از ایرانی‌ها می‌خواهد نسبت به توطئه ادامه‌دار 11 سپتامبر هوشیارتر باشند: "حواستان باشد، 11 سپتامبر برای آن طراحی شد که آمریکا وارد کل منطقه خاورمیانه شود، نه فقط چند کشور خاص در منطقه. کلارک تمام کدها را به ما داده است: "7 کشور در 5 سال؛ اولاً عراق و لیبی و نهایتاً سوریه و ایران." بعضی از کشورهای دیگر هم از این توطئه آگاه هستند. ولادیمیر پوتین اقدامات مقابله‌ای خود را آغاز کرده است: اعزام جنگنده ردیاب‌های میگ-31 به سوریه و احداث یک پایگاه کامل نظامی در این کشور. رئیس‌جمهور روسیه بزرگترین زیردریایی دنیا را با 300 کلاهک هسته‌ای به سوریه اعزام کرده است. از آن طرف به دنبال تحویل سامانه‌های اس-300 به ایران

برای دفاع از هرگونه حمله احتمالی از جانب اسرائیل، است. در این میان، افشای هم‌دستی اسرائیل با آمریکا از جمله در حوادث 11 سپتامبر و جنگ‌های بعد از آن، کمک زیادی می‌کند که نشان دهیم کدام عوامل در این جنگ‌ها و وحشی‌گری‌ها مقصر هستند و کدام عوامل قربانی."

رئیس‌جمهور سابق ایران، یکی از معدود افرادی بود که در روی‌دادهای بزرگ بین‌المللی که پوشش رسانه‌ای قوی داده می‌شوند، از جمله مجمع عمومی سازمان ملل، درباره 11 سپتامبر و دروغ‌های دولت آمریکا صحبت کرد. اقداماتی از این دست می‌تواند نه تنها به افشای دروغ‌های آمریکا درباره مسئله‌ای به بزرگی 11 سپتامبر، بلکه به مطرح شدن این مسئله در میان ملت‌ها کمک کند؛ دقیقاً همان چیزی که آمریکایی‌ها با استفاده از فضا سازی‌های رسانه‌های جمعی خود به دنبال فرار از آن هستند.

"جیمز فتر" با استقبال از تلاش‌های انجام شده از سوی ایران در جهت افشای دروغ بزرگ 11 سپتامبر، توضیح می‌دهد: "به عقیده من برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی در ایران درباره 11 سپتامبر می‌تواند راهی عالی برای آگاه کردن مردم تمام دنیا از واقعیت‌های این حادثه باشد. رسانه‌های آمریکایی تحت کنترل شدید صهیونیست‌ها هستند، بنابراین در آمریکا برگزاری چنین کنفرانس‌هایی نمی‌تواند راه به جایی ببرد، چون عملاً پوششی داده نمی‌شود. با این وجود، همین کنفرانس‌ها در تهران می‌تواند کمک شایسته‌ای به افشای واقعیت‌های یکی از بزرگ‌ترین حوادث در تاریخ معاصر ما کند و جلوی خرابکاری‌های آمریکا به بهانه این حادثه ساختگی را بگیرد. اگر در تهران کنفرانسی با موضوع شفاف‌سازی حادثه 11 سپتامبر برگزار و این مراسم از طریق ماهواره به شکل زنده به نقاط دیگر دنیا مخابره شود، تأثیر زیادی می‌تواند داشته باشد، چرا که ده‌ها متخصص در زمینه ابعاد مختلف 11 سپتامبر هستند که مطمئناً تمایل به شرکت در این کنفرانس خواهند داشت."

اولین اقدام آمریکا پس از "11 سپتامبر"، حمله به افغانستان بود

"فتر" در توضیح این‌که چرا برگزاری کنفرانس شفاف‌سازی 11 سپتامبر در ایران می‌تواند بیش از هر کشور دیگری تأثیرگذار باشد نیز می‌گوید: "من فکر نمی‌کنم هیچ کشوری به اندازه ایران، حق و شایستگی آن را داشته باشد که در جهت افشای واقعیت‌های 11 سپتامبر اقدام کند. ایرانی‌ها ملتی عاشق صلح هستند که از سال 1777 تا کنون به هیچ کشوری حمله نکرده‌اند، به دنبال سلاح هسته‌ای نیستند و از سیاست "انرژی هسته‌ای برای همه، سلاح هسته‌ای برای هیچ‌کس" حمایت می‌کنند. ایران بهترین الگو برای کشورهای دنیاست و برگزاری چنین کنفرانسی در این کشور می‌تواند گامی دیگر در جهت پیش‌برد حقیقت و عدالت باشد، به خصوص بعد از یک اتفاق نفرت‌انگیز و جنگ‌هایی که آمریکا به بهانه آن آغاز کرد."

mshrgh.ir/464737



"دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر"

نویسنده ناصر کاوه

ضمیمه شماره دهم

داستان بازمانده دروغین ۱۱ سپتامبر که به رسوایی کشید

یک بازمانده دروغین حادثه ۱۱ سپتامبر که ادعای زنده ماندن در حادثه برج‌های دوقلو را داشت، سرانجام دستش رو شد. به گزارش گروه بین‌الملل باشگاه خبرنگاران جوان، پایگاه خبری نشریه دیلی میل انگلیس در گزارشی به داستان زندگی زنی پرداخت که به دروغ خود را یکی از بازماندگان حادثه ۱۱ سپتامبر معرفی کرده بود؛ داستانی که سرانجام به دلایل ناهمخوانی‌هایی که داشت، منجر به رسوایی این زن شد.

طبق گزارش دیلی میل، داستان «تانیا هد» (Tania Head) «یکی از غم‌انگیزترین و در عین حال شگفت‌انگیزترین داستان‌هایی بود که پیرامون حادثه ۱۱ سپتامبر تعریف می‌شد؛ اما واقعیت، دروغی بود که او تلاش به پنهان کردن آن داشت.

اما داستان ادعایی این زن از چه قرار بوده است؟

در ساعت ۰۸:۴۶ صبح ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ تکانی به مانند زلزله برج جنوبی مرکز تجارت جهانی (معروف به برج‌های دوقلو) را در منطقه منهتن نیویورک لرزاند. در سالن کنفرانس بانک «Merrill Lynch» در طبقه ۹۶، دیوارها لرزید؛ پنجره‌ها شروع به لرزیدن و صدا دادن کردند و چراغ‌ها نیز روشن و خاموش می‌شدند.

«تانیا هد» که در آن زمان ۲۶ ساله بود، از مدیران این بانک بود که در آن زمان مدیریت نشستی را بر عهده داشت. او به هنگام این نشست، صدای جیغ افراد را از راهروها شنید. او و همکارانش از طریق پنجره‌ها دود سیاهی را مشاهده کردند که از ساختمان روبرویی - یعنی ساختمان شمالی مرکز تجارت جهانی- به هوا می‌رفت. آن‌ها مشاهده کردند گلوله‌ای از آتش از ۵ طبقه پایین‌تر در حال بالا آمدن بسوی آنهاست.



تانیا هد

ساکنان برج شروع به فریاد زدن کردند. آن‌ها وحشت زده، همدیگر را بغل کرده و یا با دوستان و یا آشنایان خود تماس می‌گرفتند.

تانیاء، در این زمان تمام فکر و ذهنش به مردی بود که او را دوست می‌داشت. آری او نامزدش بود که در ساختمان شمالی مرکز تجارت جهانی کار می‌کرد.

نامزد وی که «Big Dave» نام داشت، فردی معروف در میان همگان بود. او مشاور در شرکت خدمات پولی «دیلویت» (Deloitte) بود. او در طبقه ۱۰۰ کار می‌کرد.

طبق داستانی که «تانیاء هد» تعریف کرده بود، او و نامزدش در فوریه سال ۱۹۹۹ (دو سال پیش از حادثه ۱۱ سپتامبر) و زمانی که تانیاء از بارسلون اسپانیا به نیویورک آمده بود، با همدیگر آشنا شده بودند. تانیاء بزرگ شده بارسلون بود.

«تانیاء هد» در همین حین مشاهده کرد بال هواپیمای پرواز یونایتد ایرلاینز ساختمانی که او در آن قرار داشت را به مانند چاقویی از بالای سر آن‌ها برید. شیشه و گرد و خاک همه جا را پر کرده بود و حتی «کریستین» - دستیار تانیاء - نیز در برابر چشمان تانیاء سرش قطع شد. با فرو ریختن دیوارها، تانیاء به گوشه‌ای پرتاب شد و آخرین چیزی که به ذهن او می‌آمد این بود: امیدوارم زودتر بمیرم و درد نداشته باشم.

او در میان این جهنم آتش و دود، مردی را دید که با باند قرمز صورت خود را پوشانده است. این مرد در این وضع به او کمک کرد تا او روی پای خود بایستد. تانیاء متوجه شد بازویش دچار شکاف شده و تنها از طریق رگ‌ها آویزان است.

سرانجام بر اساس این داستان، تانیاء توسط «ولز کراوتر» (Welles Crowther) آتش نشان داوطلب آمریکایی که با باند قرمز صورتش را پوشانده بود، نجات داده شد و زمانی که به هوش آمد، شش روز از این حادثه گذشته بود و متوجه شد که نامزدش در برج شمالی کشته شده است. ولز کراوتر خود نیز در جریان نجات افراد، جان خود را از دست داد.



ولز کراوتر

اما از میان تمام داستان‌های بازماندگان حادثه ۱۱ سپتامبر که ۳ هزار نفر در پی آن جان باختند، داستان هیچ کدام به شگفتی داستان تانیا نمی‌رسید.

او پس از این ماجرا از سال ۲۰۰۵ (یعنی ۴ سال بعد از این حادثه) تورهایی را برای بازدید کنندگان از حادثه برج‌های دوقلو برگزار می‌کرد و حتی فیلم و کتابی در خصوص داستان زندگی او تهیه شد.

در سال‌های پس از حادثه ۱۱ سپتامبر «تانیا هد» یکی از چهره‌های معروف این حادثه شد؛ به طوری که وی بازماندگان این حادثه را نمایندگی می‌کرد. او حتی «رئیس شبکه بازماندگان مرکز تجارت جهانی» شد.

مردم بسیاری تحت تاثیر داستان او قرار گرفته بودند؛ چرا که در این حادثه برخی از افراد در آن روز تنها در ساختمان تجارت جهانی حضور داشتند و زنده مانده بودند و برخی افراد دیگر تنها عزیزانشان را از دست داده بودند؛ اما تانیا فردی بود که به هر دو دسته تعلق داشت؛ یعنی او علاوه بر حضور در ساختمان در روز حادثه و زنده ماندن از این واقعه، یکی از عزیزانش (نامزدش) را نیز از دست داده بود. او حتی جز ۲۰ نفری بود که در روز حادثه در طبقات بالایی ساختمان بودند و توانسته بودند، زنده بمانند. از این رو افراد دیگر به وی بسیار احترام می‌گذاشتند.

او پس از رسیدن به ریاست شبکه بازماندگان مرکز تجارت جهانی به قوه‌ای محرک بدل شد و اقدام به برگزاری سخنرانی‌ها و .. می‌کرد.

رسوایی بازمانده دروغین از کجا آغاز شد.

اما پس از گذشت سال‌ها از حادثه ۱۱ سپتامبر، مشاهده گران نیزبین متوجه شدند ناهمخوانی‌هایی در داستانی که وی تعریف می‌کند، وجود دارد و برخی مسائلی که وی تعریف می‌کند، با یکدیگر قابل جمع نیست؛ مسأله‌ای که در نهایت به رسوایی وی کشید.

در همان زمان «Angelo Guglielmo» فیلمساز و کارگردان آمریکایی در حال ساخت مستندی درباره بازماندگان حادثه ۱۱ سپتامبر بود. برای همین او انتظار داشت تا تانیا یکی از چهره‌های شاخص مستندش باشد؛ اما بر خلاف انتظارش متوجه شد «تانیا هد» تمایلی به همکاری با او ندارد.

این فیلمساز آمریکایی در برخورد با تانیا متوجه شد زخم‌های باز او بر خلاف آن چیزی که وی در داستانش تعریف می‌کند، جدی نیستند؛ اما او در ابتدا چیزی نگفت و احساس کرد شاید گفتن آن بیهوده باشد.

در همین حال برخی از بازماندگان متوجه شدند برخی مطالبی که تانیا تعریف می‌کند، عجیب به نظر می‌رسد. به طور مثال یکی از بازماندگان تعجب کرده بود که چرا وی «دیو (Dave)» را گاهی اوقات نامزد خود می‌خواند و گاهی اوقات دیگر شوهر خود!

تانیا هیچ وقت عکس‌های خود و نامزدش را با افراد دیگر به اشتراک نگذاشت. این تناقض گویی‌ها تا سال ۲۰۰۶ - یعنی پنجمین سالگرد حوادث ۱۱ سپتامبر - نادیده گرفته شد. سرانجام دو خبرنگار نیویورک تایمز به نام‌های «Serge Kovalski» و «Dave Dunlap» که داستان (تانیا هد) - این بازمانده دروغین حادثه ۱۱ سپتامبر - را خوانده بودند، متوجه مسأله‌ای عجیب شدند. آن‌ها فهمیدند نام تانیا جز بازمانده‌هایی که بلافاصله پس از حادثه با آن‌ها مصاحبه شده بود، قرار ندارد.

آن‌ها تلاش کردند تا با تانیا مصاحبه کرده و از او در خصوص این مسأله پرس و جو کنند، اما متوجه شدند او از انجام مصاحبه طفره می‌رود. برای همین شک آن‌ها بیشتر شد. تانیا تماس‌های این دو خبرنگار را مسدود کرد و حتی به بازماندگان دیگر نیز گفت با خبرنگاران مصاحبه‌ای نداشته باشند.

رو شدن دست بازمانده دروغین

او سپس از ترس این دو خبرنگار به پیش یک وکیل رفت و در آنجا مجبور شد تا به برخی ناهمخوانی‌ها در داستان ادعایی خود اعتراف کند.

او در این اعتراف خود گفت که هرگز برای بانک «Merrill Lynch» کار نمی‌کرده است؛ بلکه اتفاقی در روز حادثه ۱۱ سپتامبر برای ارائه درخواست به منظور کارآموزی به آنجا رفته بود و این حادثه رخ داد. او همچنین گفت که (Dave) نامزد او نبوده، بلکه تنها چند هفته بود که با هم آشنا شده بودند.

پس از این اعترافات، به سرعت شایعات در میان بازماندگان شروع به پیچیدن کرد: آن‌ها می‌گفتند داستانی که تانیا تعریف می‌کند، قابل اعتماد نیست. بعضی جاهای آن اغراق شده و یا واقعیت ندارد.

اما یک هفته بعد و زمانی که نشریه «نیویورک تایمز» دست به افشاگری زد، بیانیه وکیل تانیا که در آن برخی اعترافات ادعایی آمده بود، به ناگاه به هم ریخت.



نیویورک تایمز فاش کرد که نام حقیقی این بازمانده دروغین «تانیا هد» نیست؛ بلکه نام حقیقی او «آلیسیا استیو هد» (Alicia Esteve Head) است و او در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نه تنها در برج جنوبی مرکز تجارت جهانی (WTC) نبوده؛ بلکه او در آن زمان حتی در نیویورک و یا آمریکا حضور نداشته است.

او در بارسلون دانشجوی یک کالج تجاری بوده است. برخلاف حتی اعترافش که گفته بود روز حادثه برای درخواست کارآموزی به بانک «Merrill Lynch» رفته بود، این بانک اعلام کرد هیچ سابقه‌ای از او - حتی درخواست برای کارآموزی از او - را ندارد.

خانواده نامزد ادعایی وی یعنی «Dave» نیز اعلام کردند نام او را هرگز نشنیده‌اند و با او تا به حال ملاقات نکرده‌اند. در همین حال مشخص شد تمامی داستانی که او از خود بافته بود، از جمله هویت نامزد جعلی اش را از طریق مطالعه در روزنامه‌ها و مجلات به دست آورده بود.

او به طور مشخص، بسیاری از واقعیت‌هایی را که به نام خود زده بود، از مصاحبه‌ای که نیویورک تایمز با «لینگ یانگ» - (Ling Young) فردی که در اداره مالیات نیویورک در طبقه ۸۶ برج جنوبی مرکز تجارت جهانی کار می‌کرد و آن‌ها را در مصاحبه با نیویورک تایمز تعریف کرده بود- به سرقت برده بود.

تانیا تقلبی و یا همان «آلیسیا» در واقع پنجمین بچه و تنها دختر خانواده‌ای ثروتمند در اسپانیا بوده و زخم‌های روی بازوی وی نیز به دلیل تصادف در جوانی بوده است. او از دوران بچگی دوست داشت تا توجه دیگران را به خود جلب کند. او در بارسلون عادت داشت تا به دیگران بگوید ماشین فراری دارد و نامزدش پشت آن می‌نشیند.

سرانجام بازمانده دروغین

پس از آنکه نیویورک تایمز در تاریخ ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۷ در گزارشی با عنوان «در روایت بازماندگان ۱۱ سپتامبر، قطعاتی که با هم همخوانی ندارد» روایت ادعایی او را به چالش کشید و دست به افشاگری زد، تانیا خود را ناپدید کرد.

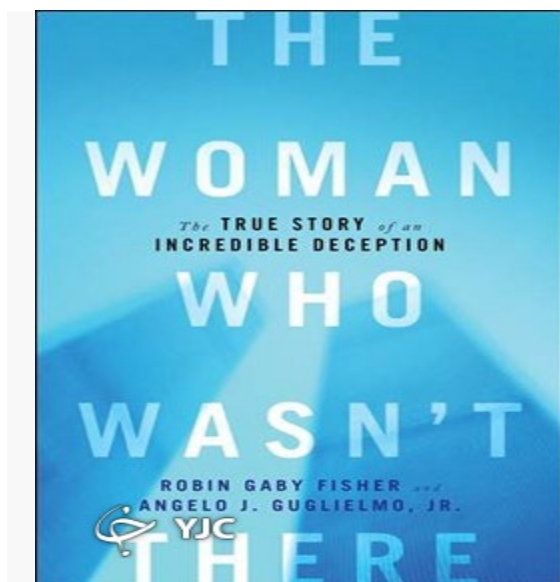
مطلب چاپ شده در نیویورک تایمز که دست تانیا را رو کرد

او هیچ تلاشی برای دفاع از خود نکرد و هیچ توجیهی را نیز ارائه نداد؛ او تنها ناپدید شد. با وجود آنکه او سال‌ها رسانه‌ها و افکار عمومی را فریب داده بود، اما در تحقیقات بیشتر اعلام شد او جرمی مرتکب نشده است؛ چرا که او پولی را از گروهی نگرفته است. اما اینکه چرا او چنین دروغ‌های فاحشی را بیان کرده بود، کسی از آن اطلاع ندارد.

در حقیقت حتی کسی متوجه نشد بعد از این چه بر سر آلیسیا (یا همان تانیا جعلی) آمده است.

برخی از شایعات می‌گویند او پس از آن به اسپانیا بازگشت و برخی دیگر می‌گویند او خود را در سال ۲۰۰۸ کشت؛ چرا که نمی‌توانست با شرمساری کاری که کرده بود، زندگی کند. اما یافتن حقیقت این مسأله که چه بر سر تانیا/الیسیا آمده، به مانند دیگر موارد زندگی وی دشوار بود. او حتی با خانواده اش نیز بیگانه بود.

«Angelo Guglielmo» فیلمساز آمریکایی می‌گوید یکبار او را در نیویورک دیده که در حال بیرون آمدن از هتلی بود و ناگاه با این فیلمساز روبرو شد. او می‌گوید پس از این مواجهه من فریاد زدم: «چگونه جرئت می‌کنی؟ تو هیچ احساسی نسبت به افرادی که به آن‌ها صدمه زده‌ای داری؟»، اما آلیسیا تهدید کرد که با پلیس تماس می‌گیرد و سپس در میان جمعیت ناپدید شد. این فیلمساز آمریکایی سپس فیلمی را درست کرد با عنوان «زنی که آنجا نبود» (The Woman Who Wasn't There) که به روایت دروغین این بازمانده ۱۱ سپتامبر می‌پردازد. این فیلمساز آمریکایی همچنین با همکاری «رابین گبی فیشر» کتابی را تحت همین نام «زنی که آنجا نبود» منتشر ساخت.



"دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر"

نویسنده ناصر کاوه

ضمیمه شماره یازدهم

ماجرای 11 سپتامبر چه بود و چه تاثیری داشت؟

حادثه 11 سپتامبر 2001 یکی از بزرگترین و تأثیرگذارترین حملات تروریستی در تاریخ مدرن جهان به‌شمار می‌رود. این حملات توسط گروه تروریستی القاعده برنامهریزی و اجرا شد و تأثیرات عمیقی بر جهان، به‌ویژه بر سیاست خارجی و داخلی ایالات متحده، گذاشت.

حادثه 11 سپتامبر 2001 یکی از بزرگترین و تأثیرگذارترین حملات تروریستی در تاریخ مدرن جهان به‌شمار می‌رود. این حملات توسط گروه تروریستی القاعده برنامهریزی و اجرا شد و تأثیرات عمیقی بر جهان، به‌ویژه بر سیاست خارجی و داخلی ایالات متحده، گذاشت.

در صبح روز 11 سپتامبر 2001، چهار هواپیمای مسافربری از فرودگاه‌های مختلف در آمریکا به مقصدهای داخلی به پرواز درآمدند. اما کمی بعد از پرواز، این هواپیماها توسط اعضای القاعده ربوده شدند. دو هواپیمای اول به برج‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی در نیویورک برخورد کردند. اولین هواپیما در ساعت 8:46 صبح به برج شمالی برخورد کرد و 17 دقیقه بعد، دومین هواپیما به برج جنوبی اصابت کرد. برخورد این دو هواپیما باعث وقوع انفجارهای عظیم و آتش‌سوزی شد که در نهایت منجر به فروپاشی هر دو برج شد. این حادثه تلفات بسیاری به‌جای گذاشت و هزاران نفر از کارکنان، نیروهای امداد، آتش‌نشانان و ساکنان محلی جان خود را از دست دادند.

سومین هواپیما، در ساعت 9:37 صبح، به پنتاگون، مرکز وزارت دفاع آمریکا در واشنگتن، برخورد کرد. این حمله به قلب نظامی ایالات متحده، نشانه‌ای از گستردگی و سازمان‌یافتگی این حملات بود. چهارمین هواپیما که به‌نظر می‌رسید به‌سوی هدفی در واشنگتن، احتمالاً کاخ سفید یا کنگره، در حرکت بود، توسط مسافران شجاعی که متوجه نقشه تروریست‌ها شدند، به چالش کشیده شد. این مسافران با ربابندگان درگیر شدند و در نهایت هواپیما در یک مزرعه در ایالت پنسیلوانیا سقوط کرد. این شجاعت مسافران از وقوع حمله‌ای دیگر به پایتخت ایالات متحده جلوگیری کرد.

در مجموع، این حملات بیش از 3000 کشته و هزاران مجروح برجای گذاشت. تعداد زیادی از افراد زیر آوار برج‌ها یا بر اثر انفجار و آتش‌سوزی جان باختند. همچنین، این حادثه خسارات مالی عظیمی به اقتصاد آمریکا وارد کرد و مرکز تجارت جهانی به‌عنوان نماد قدرت اقتصادی آمریکا به‌کلی نابود شد.

بعد از این حملات، جهان وارد دوره‌ای جدید از نگرانی‌های امنیتی شد. دولت ایالات متحده به ریاست جورج دبلیو بوش، به‌سرعت به این حادثه واکنش نشان داد. در تاریخ 7 اکتبر 2001، آمریکا با آغاز جنگی به‌نام "جنگ علیه تروریسم"، به افغانستان حمله کرد. هدف اصلی این جنگ سرنگونی حکومت طالبان بود که به القاعده پناه داده و از رهبران آن، از جمله اسامه بن لادن، حمایت می‌کرد. آمریکا همچنین تلاش کرد با همکاری بین‌المللی، گروه‌های تروریستی را در سطح جهان نابود کند.

حوادث 11 سپتامبر باعث تغییرات زیادی در سیاست داخلی آمریکا نیز شد. قانونی به نام "قانون میهن‌پرستی (Patriot Act)" به تصویب رسید که به دولت اختیارات گسترده‌ای برای نظارت بر شهروندان و مقابله با تهدیدات تروریستی داد. سازمان امنیت حمل و نقل آمریکا (TSA) برای افزایش امنیت پروازها تأسیس شد و کنترل‌های امنیتی در فرودگاه‌ها به شدت تشدید گردید.

این حادثه همچنین به تحولات ژئوپلیتیکی و نظامی در منطقه خاورمیانه و سراسر جهان منجر شد. جنگ‌های طولانی‌مدت در افغانستان و عراق به عنوان بخشی از جنگ علیه تروریسم آغاز شدند که هنوز هم آثار و تبعات آنها در این کشورها احساس می‌شود. از سوی دیگر، روابط بین‌المللی نیز تحت تأثیر این حادثه قرار گرفت و همکاری‌های جهانی برای مبارزه با تروریسم تقویت شد.

حادثه 11 سپتامبر تنها یک رویداد تروریستی نبود، بلکه نقطه عطفی در تاریخ جهانی بود که باعث شد تا کشورهای مختلف در سیاست‌های امنیتی، اطلاعاتی، و دفاعی خود تجدید نظر کنند. برای بسیاری از مردم جهان، این حادثه به نمادی از خطرات تروریسم و آسیب‌پذیری جوامع مدرن تبدیل شد. هر ساله، در سالگرد این حادثه، مراسم‌هایی در نیویورک و سراسر جهان برگزار می‌شود تا یاد قربانیان این فاجعه گرامی داشته شود.

در نهایت، حوادث 11 سپتامبر تأثیری عمیق و ماندگار بر جهان گذاشت و باعث شد که دولت‌ها و مردم در سراسر جهان به تهدیدات تروریستی با نگرانی بیشتری نگاه کنند و به دنبال راه‌حلهایی برای جلوگیری از وقوع چنین فجایعی در آینده باشند. به گزارش تجارت نیوز



"دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر"

نویسنده ناصر کاوه

ضمیمه شماره دوازدهم

حادثه ۱۱ سپتامبر چگونه و به چه دلیل انجام شد؟

در تاریخ ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، چهار هواپیما که از فرودگاه بین‌المللی لوگان، فرودگاه بین‌المللی دالس واشینگتن و فرودگاه بین‌المللی لیبرتی نیوآرک به مقصد فرودگاه بین‌المللی لس‌آنجلس در پرواز بودند، دزدیده شدند.

به گزارش خبرنگار ایمناء، هواپیماربایان دو هواپیما را در فاصله‌های زمانی گوناگون به برج‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی در نیویورک کوبیدند. در نتیجه این دو برخورد، همه مسافران به همراه عده بسیاری در ساختمان‌ها کشته شدند.

هر دو ساختمان، پس از دو ساعت به‌طور کامل ویران شدند و خسارت فراوانی به ساختمان‌های پیرامون زدند. گروه هواپیماربایان هواپیمای سوم را به پنتاگون، واقع در ارلینگتون در ویرجینیا زدند و هواپیمای چهارم در محلی نزدیک شنکسویل، در ایالت پنسیلوانیا سرنگون شد.

این در حالی بود که شماری از مسافران و خدمه پرواز پیش از سرنگونی هواپیما، تلاش کرده‌بودند تا کنترل هواپیما را که هواپیماربایان آن را به سمت واشینگتن، دی سی هدایت می‌کردند، به دست بگیرند، اما هیچ‌یک از مسافران این پرواز و سه پرواز دیگر زنده نماندند.

البته بر اساس اطلاعات برخی منابع آمریکایی هواپیمای سوم احتمالاً به قصد تخریب ساختمان کاخ سفید رבוده شده بود، اما به دلیل تأخیر و درگیری در حین کنترل هواپیما موفق به این اقدام نشد. در گزارش نهایی کمیسیون ۱۱ سپتامبر اعلام شد مسئولان دفاع هوایی پس از آنکه هواپیمای ربوده‌شده چهارم در ایالت پنسیلوانیا سقوط کرد، از وجود آن اطلاع یافتند که این اظهارات اولیه مقامات پنتاگون را رد می‌کند.

کشته شدگان حادثه ۱۱ سپتامبر

کشته شدگان این حمله‌ها مجموعاً دو هزار و ۹۷۴ تن بودند که با در نظر گرفتن ۱۹ هواپیما ربا در کل شمار کشته‌های این حمله‌ها به دو هزار و ۹۹۳ تن می‌رسد. بیشتر کشته شدگان این حمله‌ها مردم عادی و شهروندانی بودند که ملیت ۹۰ کشور گوناگون جهان را داشتند؛ به‌علاوه، مرگ دست‌کم یک تن ناشی از قرار گرفتن در برابر گرد و خاک به وجود آمده از ویرانی دو برج نیز گزارش شد.

خبرگزاری رویترز در گزارشی که سال ۲۰۱۹ منتشر کرد، شمار مجروحان و آسیب‌دیدگان حملات ۱۱ سپتامبر را نیز حدود ۲۵ هزار نفر اعلام کرد.

خسارات حادثه ۱۱ سپتامبر

سه ساختمان در مرکز تجارت جهانی تخریب شدند؛ برج جنوبی (2 WTC) در ساعت ۹:۵۹ بعد از ۵۶ دقیقه آتش‌سوزی فرو ریخت؛ برج شمالی (1 WTC) در ساعت ۱۰:۲۸ بعد از ۱۰۲ دقیقه آتش‌سوزی فرو ریخت؛ برج شماره ۷ (7 WTC) در ساعت ۵:۲۰ فرو ریخت.

بعضی از بنگاه‌های تجاری در آمریکا تا آخر هفته فعالیت خود را تعطیل کردند و بعد از بازگشایی از زیان هنگفتی خبر دادند که به‌خصوص متوجه شرکت‌های هواپیمایی و مؤسسات بیمه بود.

خسارتی که به پنتاگون وارد شده بود ظرف مدت یک سال جبران شد و بعدها بنای یادبود پنتاگون در محل ساخته شد. همچنین بازسازی مرکز تجارت جهانی نیز آغاز شد.

در سال ۲۰۰۶، برج اداری جدیدی در محل به بهره‌برداری رسید. مرکز تجارت جهانی یک نیز احداث شد که با ۵۴۱ متر ارتفاع، در سال ۲۰۱۱ به بهره‌برداری رسید. این برج به یکی از مرتفع‌ترین برج‌های آمریکای شمالی تبدیل شد. سه برج دیگر نیز بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲ در منطقه ساخته شد.

متهمان حادثه ۱۱ سپتامبر

هواپیماربایان در مجموع ۱۹ نفر بودند که شامل پنج نفر در پرواز شماره ۱۱ آمریکن ایرلاینز، پنج نفر در پرواز شماره ۱۷۵ یونایتد ایرلاینز، پنج نفر در پرواز شماره ۷۷ آمریکن ایرلاینز و چهار نفر در پرواز شماره ۹۳ یونایتد ایرلاینز می‌شدند.

محمد محمد الامیر عوض السید عطا معروف به محمد عطا یکی از پنج رباینده پرواز شماره ۱۱ آمریکن ایرلاینز بود که پس از ربودن هواپیما به عنوان خلبان کنترل هواپیما را به دست گرفته و آن را به برج شمالی کوبید. تنها تبعه مصری حاضر در حملات محمد عطا بود.

ملیت هواپیماربایان را ۱۵ تبعه عربستان سعودی، دو تبعه امارات متحده عربی، یک تبعه مصر و یک تبعه لبنان تشکیل می‌داد. تیم عملیاتی حادثه ۱۱ سپتامبر تماماً عرب و عضو سازمان القاعده بودند.

تنها متهم دستگیر شده در حادثه ۱۱ سپتامبر

زکریا موسوی تنها کسی بود که در ارتباط با حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا تحت محاکمه قرار گرفت. وی شهروند فرانسوی-مراکشی بود که به همکاری با شبکه القاعده علیه آمریکا اعتراف کرد.

در جریان محاکمه، موسوی گفته بود پشیمان نیست و آرزو کرده بود هر روز مانند ۱۱ سپتامبر باشد. زکریا موسوی در ماه اوت ۲۰۰۱ در یک مدرسه آموزش خلبانی در ایالت مینسوتا آمریکا آموزش دیده بود که دو تن از مربیان خلبانی به رفتار وی مشکوک شدند و پلیس فدرال را در جریان قرار دادند.

وی ابتدا به اتهام نقض مقررات مهاجرت بازداشت شد و در زمان حملات ۱۱ سپتامبر در زندان بود؛ دادستان‌ها اعتقاد داشتند با اطلاعاتی که موسوی درباره حملات ۱۱ سپتامبر در اختیار داشته می‌توانسته سه هزار نفری که در آن روز کشته شدند را از مرگ نجات دهد.

وی ابتدا با خطر اعدام مواجه بود ولی وکلای مدافع آقای موسوی با موفقیت استدلال کردند که وی باید حبس ابد بگیرد؛ زیرا اگر اعدام شود به آرزوی خود برای کشته شدن خواهد رسید. وکلای مدافع موسوی همچنین استدلال کردند که موکل آن‌ها مبتلا به بیماری روانی است.

انگیزه عاملان حادثه ۱۱ سپتامبر

در سال ۱۹۹۸ هیئت رهبری القاعده متشکل از اسامه بن‌لادن، ایمن الظواهری، احمد رفیع طاه‌ها، میر حمزه و فضل الرحمن فتوایی را صادر کرد که در آن گفته شده بود وظیفه هر مسلمان کشتن هر آمریکایی در هر جایی از جهان است.

واکنش‌ها به حادثه ۱۱ سپتامبر و تبعات آن

پس از این حمله بسیاری از کشورها با مردم آمریکا هم‌دردی کردند. روزنامه لوموند جمله «ما همه آمریکایی هستیم» را تیتر اول خود کرد.

بیشتر رهبران کشورهای خاورمیانه از جمله دولت وقت افغانستان این حمله را محکوم کردند.

یک ماه بعد آمریکا یک ائتلاف بین‌المللی را برای جنگ با افغانستان رهبری کرد که پاکستان نیز ضمن همکاری، پایگاه‌های هوایی خود را در اختیار واشنگتن قرار داد و حدود ۶۰۰ نفر از مظنونان به شرکت در اقدامات تروریستی را دستگیر کرد.

کشورهای مختلف جهان قوانین سخت‌گیرانه‌ای را در مورد حساب‌های بانکی وضع کردند تا مانع از استفاده گروه‌های تروریستی از حساب‌های بانکی برای اهداف تروریستی شوند.

در آمریکا قوانین از جمله قانون میهن‌پرستی برای کنترل افراد متهم به دخالت در اعمال تروریستی به تصویب رسید که به شدت مورد انتقاد گروه‌های حامی حقوق شهروندی در آمریکا قرار گرفت؛ زیرا این گروه‌ها معتقد بودند، این قوانین به دولت اجازه نقض حریم شخصی افراد را می‌دهد.

واکنش ایران به حادثه ۱۱ سپتامبر

ایران از نخستین کشورهایی بود که پس از این حادثه، پیام همدردی با مردم آمریکا ارسال کرد و عده‌ای از مردم ایران نیز با حضور در محل سفارت سوئیس در تهران (حافظ منافع آمریکا در تهران) با روشن کردن شمع با قربانیان این حادثه ابراز همدردی کردند.

در پیام محمد خاتمی، رئیس‌جمهور وقت آمده بود: «به نام ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران، اقدام تروریستی هواپیماربایی و حمله به مراکز عمومی در شهرهای آمریکا را که شمار زیادی از مردم بی‌دفاع را به کام مرگ کشید محکوم می‌کنم و

تأسف عمیق و همدردی خود را با ملت آمریکا به‌ویژه آسیب‌دیدگان و خانواده قربانیان حادثه اعلام می‌دارم. تروریسم محکوم است و جامعه جهانی باید ریشه‌ها و ابعاد آن را بشناسد و برای خشکاندن آن گام‌های اساسی بردارد. اراده اصولی دولت جمهوری اسلامی ایران قطعاً در این مسیر قرار دارد و برای تحقق این باور اسلامی و انسانی از هیچ اقدامی دریغ نخواهد داشت».

البته پس از اتمام دولت اصلاحات، موضع دولت جدید در مورد حملات ۱۱ سپتامبر تغییر کرد؛ محمود احمدی‌نژاد، رئیس دولت نهم و دهم، بارها در سخنرانی‌های خود رخداد ۱۱ سپتامبر را دروغی بزرگ نامید.

وی در دهمین سالگرد این حملات ۱۱ سپتامبر گفت که «۱۱ سپتامبر در اصل یک بازی طراحی شده برای تحت تأثیر قرار دادن عواطف جامعه بشری و پیدا کردن بهانه برای حمله به منطقه اسلامی و اشغال عراق و افغانستان بود و باعث شد یک میلیون انسان بی‌گناه کشته شوند».

حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ تاکنون بزرگترین عملیات تروریستی تاریخ ایالات متحده به شمار می‌آید و پیامدهای مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی برای این کشور و جامعه جهانی به دنبال داشته‌است. این حادثه مانند حمله ژاپن به بندر پرل هاربر، تاریخ آمریکا را تغییر داد.

خسارت‌ها و جبران

خسارتی که به پنتاگون وارد شده بود، ظرف مدت یک سال جبران شد و بعدها بنای «یادبود پنتاگون» در محل ساخته شد.

همچنین بازسازی مرکز تجارت جهانی نیز آغاز شد. در ۲۰۰۶، برج اداری جدیدی در محل به بهره‌برداری رسید. مرکز تجارت جهانی ۱ نیز اکنون احداث شده‌است که با ۵۴۱ متر ارتفاع، در سال ۲۰۱۱ به بهره‌برداری رسید. این برج به یکی از مرتفع‌ترین برج‌های آمریکای شمالی تبدیل شد. سه برج دیگر نیز بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲ در منطقه ساخته شد.

عملیات تروریستی علیه آمریکا

حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ تاکنون بزرگترین عملیات تروریستی تاریخ ایالات متحده آمریکا به‌شمار می‌آید و پیامدهای مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی برای این کشور و جامعه جهانی به دنبال داشته‌است. گفته می‌شود که حادثه ۱۱ سپتامبر همانند حمله ژاپن به بندر پرل هاربر، تاریخ آمریکا را تغییر داده‌است. و این خرابکاری حاصل سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا و موساد و دیگر کشورهای دوست و هم‌پیمان امریکاست برای توجیه حمله و لشکر کشی آمریکا به خاور میانه و خصوصاً افغانستان و عراق و لبنان و سوریه و سودان و یمن و ایران؟! که در مورد ایران با تدبیر امام خامنه‌ای و امدادگی نیروهای مسلح ایران و همچنین وحدت مردم ایران و پیروی از سخنان و دستورات امام خامنه‌ای آمریکا و انگلیس و اسرائیل و ناتو و کشورهای هم‌پیمان آمریکا و خصوصاً کشورهای عرب مرتجع و خصوصاً کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، هیچ غلطی نتوانستند بکنند



"دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر"

نویسنده ناصر کاوه

ضمیمه شماره سیزدهم

روایت کیهان از حادثه ۱۱ سپتامبر: کار خودشان بود!

پایگاه خبری تحلیلی نامه نیوز: (namehnews.com)

روزنامه کیهان نوشت: هنوز زمان زیادی از آغاز قرن بیست و یکم و هزاره سوم میلادی نگذشته بود که در یازدهمین روز از نهمین ماه سال 2001 حادثه‌ای در نیویورک اتفاق افتاد. دو برج مرکز تجارت جهانی در نیویورک موسوم به برج‌های دوقلو، با برخورد دو هواپیمای مسافربری که ظاهراً ربوده شده بودند، آتش گرفته و در طی 100 دقیقه کاملاً منهدم و حدود 3000 نفر کشته شدند.

ادعا شد که هواپیمای دیگری نیز به دیواره ساختمان اصلی پنتاگون برخورد کرد که البته هیچ نشانه‌ای از بقایای آن ارائه نشد. هواپیمای چهارمی هم در کار بود که گویا ربایندگانش مورد حمله مسافری آن قرار گرفته و در منطقه‌ای دیگر سقوط کرد.

اما تحقیقات این حادثه عجیب، بسیار با سرعت خاتمه یافت و «افبی‌آی» اعلام کرد که ربایندگان هواپیماها، از گروه‌های اسلامگرا موسوم به القاعده به سرکردگی فردی با نام بن لادن بوده است. «کمیسئون بررسی وقایع 11 سپتامبر»، «سازمان مدیریت بحران فدرال» و «موسسه ملی استاندارد و فناوری» نیز این ادعا را تأیید کردند. چندی بعد تعدادی از همدستان کسانی که گفته می‌شد، ربایندگان هواپیماها بودند، در کشورهای مختلف دنیا دستگیر شدند. اما اقدام اصلی از حدود یک ماه بعد آغاز گردید که ایالات متحده آمریکا به افغانستان حمله کرد و آن را اشغال نمود و سپس یک سال و نیم بعد، در آوریل 2003 به عراق یورش برد و آن کشور را نیز به‌اشغال خود درآورد.

اما در کنار روایت‌های رسمی دولت ایالات متحده و افبی‌آی، تصاویر، فیلم‌ها و مستندات متعددی انتشار یافت که کلیت آن روایت‌ها را زیر علامت سؤال می‌برد. گروه‌های متعدد علمی و تحقیقاتی، جزء به جزء حادثه را مورد بررسی و موشکافی مستند قرار داده و کارشناسان و متخصصان متعددی وارد ماجرا شدند.

بیش از 70 نفر فیزیکدان و محقق و استاد دانشگاه در «گروه روشنفکران حقیقت‌یاب» متشکل شدند و حتی خاک‌های باقیمانده از برج‌های فرو ریخته را مورد آزمایش‌های دقیق قرار داده و به این نتیجه رسیدند که در تخریب برج‌های دوقلو از نوعی ماده منفجره قوی موسوم به «نانو ترمیت» استفاده شده است.

پرفسور «استیون جونز»، استاد فیزیک هسته‌ای دانشگاه بیرمنگام و رئیس «گروه روشنفکران حقیقت‌یاب» که همراه دیگر همکارانش بر روی دلایل ریزش برج‌های دوقلو تحقیق علمی نمودند، اعلام کردند حرارت ناشی از سوخت هواپیما، به هیچ عنوان انرژی لازم برای فرو ریختن این ساختمان‌ها را ایجاد نمی‌کرد.

پروفسور جونز گفت: «... امکان نداشت برج‌های دو قلو با برخورد دو هواپیمای مسافربری به این شکلی که دیدید فرو بریزد. سوختن سوخت هواپیماهای جت، دمای کافی برای ذوب کردن فولاد را تامین نمی‌کند و دود سفیدی که در اطراف این برج‌ها دیده شد، از نشانه‌های انفجارهای کنترل شده برای فرو ریختن آنهاست».

برج‌ها هنگام فرو ریختن مانند یک ساختمان چند طبقه به طور عادی خراب نشدند، یعنی طبقه به طبقه فرو ریختند بلکه هر دو برج با سرعت سقوط آزاد و در طول فقط 2/9 ثانیه تخریب شدند! بنا به اعتقاد کارشناسان و متخصصان سازه و معماری، چنین تخریبی بدون انفجارهای کمی در قسمت‌های مختلف آن برج‌ها امکان نداشته، یعنی یک سیستم تخریب درون هر طبقه از آنها وجود داشته است.

کارگران درون ساختمان نیز این فرضیه را با مشاهدات خود تایید کردند. یکی از آنها به خبرنگاران گفت:

«...وقتی آمدیم بیرون و از ساختمان دور شدیم، به چشم دیدیم که طبقه به طبقه منفجر می‌شد. انگار در هر طبقه بمب گذاشته بودند تا ساختمان را منهدم کنند»...

نظافتچی‌هایی که در لحظه فرو ریختن برج‌ها، در محل حادثه بودند، اظهار کردند ابتدا انفجاری آنها را از زیر به بالا پرتاب کرده و سپس به طور مسلسل‌وار صداهای انفجار از اطراف شنیده‌اند

ویلیام رودریگز یکی از همان خدمه برج‌های مرکز تجارت جهانی که به عنوان قهرمان ملی 11 سپتامبر هم نامیده شد، در فیلم مستند «ما آنجا بودیم» گفت:

«در همان لحظه‌ای که من را از زیر آوار در آوردند، گفتم که من صدای انفجارها را شنیدم... هفده نفر از ماموران آتش‌نشانی هم که جان سالم به در بردند، همین را روایت کردند. وقتی ساختمان‌ها می‌سوختند، احدی فکر نمی‌کرد که فرو بریزند و این طور به نظر نمی‌رسید که مثل یک عملیات «مهندسی تخریب» از پیش طراحی شده، به آن ترتیب پایین بیایند».

اما گاف بزرگ ماجرا در خبر فرو ریختن ساختمان شماره 7 داده شد که در کنار دو برج یاد شده قرار داشت. گاف بزرگ این بود که آن خبر را شبکه‌های BBC و CNN دقیقاً 12 دقیقه پیش از فرو ریختن ساختمان شماره 7 اعلام کردند!

در تصویری که BBC پخش کرد، در حالی که خبرنگارش در حال گزارش فرو ریختن ساختمان شماره 7 بود، ساختمان یاد شده، صحیح و سالم پشت سر وی خودنمایی می‌کرد! در اینجا بود که تصاویر خبرنگار فوق و ساختمان شماره 7 ناگهان قطع شد و مجری برنامه ناشیانه اعلام کرد ارتباطش با نیویورک قطع شده است. اما ده دقیقه بعد خبر فرو ریختن ساختمان شماره 7 دوباره پخش شد!

پس از ارائه گزارش رسمی دولت آمریکا و روایت سؤال برانگیز متهم کردن چند تروریست بی‌نام و نشان، تظاهرات مختلفی در آمریکا برگزار شد که دولت بوش را به چالش پاسخگویی فراخواندند. درباره یکی از این تظاهرات که از شبکه MSNBC پخش شد، مجری برنامه اینچنین گزارش داد:

«اینجا مردمی که جمع شده‌اند، معتقدند روز یازده سپتامبر، تروریست‌ها به ما حمله نکردند و ریشه توطئه انفجارها، جایی در کاخ سفید بود. مردم معتقدند دیک چنی بود که آن ساختمان‌ها را منفجر کرد و حالا مردم می‌خواهند که در این مورد تحقیقات دقیقی صورت بگیرد».

تی‌پری میسن، محقق و روزنامه‌نگار معروف فرانسوی و نویسنده کتاب «یازده سپتامبر، دروغ بزرگ» طی تحقیقاتی که به عمل آورد، معلوم نمود، هواپیماهایی که به برج‌های دوقلو برخورد کردند، اساساً مسافربری نبودند. این ادعا را برخی از شاهدان عینی نیز تایید کردند. از جمله شهادتی در گفت‌وگو با شبکه فاکس نیوز گفت: «یقیناً هواپیمای مسافربری نبود، چون پنجره نداشت... دیدم که هواپیما ارتفاعش کم هست... یک پرواز عادی به نظر نمی‌رسید. مشابه این را ندیده بودم».

تی‌پری میسن در کتاب خود به نام «دروغ بزرگ» نوشته امکان نداشت که آن هواپیماها بتوانند بدون زمینه‌سازی و کمک، به درون برج‌ها نفوذ کنند. او با تحقیقات مفصل و مستند، تصاویری را نشان داده که قبل از برخورد با برج‌ها، هر هواپیما با شلیک موشک، شکافی در بدنه برج ایجاد کرده که بتواند از درون شبکه آهن و فولاد و بتن به درون آن رخنه کند.

میسن، تصاویر کانال یک تلویزیون نیویورک از حادثه 11 سپتامبر و برخورد هواپیمای دوم به برج‌های دو قلو را به دقت و فریم به فریم بررسی کرده و با نمایش آنها می‌گوید:

کسی به این تصاویر توجه نکرده، ولی اگر تصاویر را خیلی آرام نگاه کنیم، می‌بینیم که یک موشک از میان دودهای برخاسته از برج اول به طرف شما می‌آید... این تصاویر را به چند متخصص ارتشی نشان دادیم و آنها همه مطمئن هستند که این یک موشک است!.

براساس تحقیقات او که هرگز از سوی مقامات آمریکایی پاسخ داده نشد، در طی مدت زمان ربایش هواپیماهای یاد شده و برخوردشان به برج‌های نیویورکی، هیچ جنگنده آمریکایی به مقابله با آنها نرفت و حتی هیچ یک از جت‌های جنگی که در همان زمان در مانور نظامی شرکت داشتند، برای ردیابی هواپیماهای یاد شده اعزام نشدند!

به جز امثال تی‌پری میسن و اساتید و کارشناسان «گروه روشنفکران حقیقت‌یاب»، جمع کثیری از متخصصان مختلف هواپیما و سازه و مواد منفجره نیز فیلم‌ها و تصاویر سانسور شده‌ای که تنها بر روی اینترنت انتشار یافته بود را در فیلم مستند افشاگرانه‌ای به نام «تغییر بی‌قاعده» تحلیل و بررسی کردند.

مجله تایم در گزارشی درباره مستند «تغییر بی‌قاعده»، آن را یکی از افشاگرترین فیلم‌هایی معرفی نمود که درباره 11 سپتامبر ساخته شده است. در ادامه گزارش مجله تایم آمده بود:

«فیلم یاد شده پر از آمار، تصاویر، مدارک و گفته‌های شاهدان عینی است. متخصصان در مصاحبه هایشان دلایل خود را ارائه می‌دهند و نوای موسیقی هیپ‌هاپ در سرتاسر فیلم به گوش می‌رسد. آنها یازدهم سپتامبر را از نو بازسازی کرده‌اند. نقطه به نقطه و فریم به فریم. یک گوینده لحظه به لحظه ماجرا را شرح می‌دهد. آماتورها، شماری از انسان‌های سخت‌کوش (که بعضی حتی 20 ساله‌اند) با سرمایه شخصی و لپ‌تاپ‌هایشان و تصاویری که در اینترنت موجود بوده، این فیلم را ساخته‌اند».

کوری رووه، یکی از سازندگان فیلم که تنها 23 سال داشت، در مصاحبه با همان شماره مجله تایم گفت: «هدف فیلم تنها یک چیز است: مردم باید متقاعد شوند که داستان‌های دیگری هم از ماجرا وجود دارد. داستان‌هایی که رسانه‌های اصلی و دولت هیچ‌گاه تعریف نمی‌کنند». او ادامه داده بود: «آن 19 هواپیماربا در 2 ساعت، از تمامی بخش‌های امنیتی به راحتی گذشتند و 4 هواپیمای مسافربری را به چنین ساختمان‌هایی کوبیدند و در تمام این مدت ارتش هیچ کاری برای متوقف کردن آنها انجام نداد، آن هم در محافظت‌شده‌ترین فضای هوایی سراسر جهان در ایالات متحده. این به نظر من توطئه دولت آمریکا است، دم و دستگاه بوش».

رووه در ادامه افزوده بود: «دولت در این فیلمنامه نقش وطن‌پرستی تحسین‌آمیزش را به خوبی بازی کرد که اگر می‌خواهید سلاح‌های کشتار جمعی ساختگی را در یک کشور دیگر ریشه‌کن کنید، بهترین کار راه انداختن چنین حملات تروریستی ساختگی به کشورتان است!»

او در این جملات به حمله آمریکا به عراق و آغاز یک جنگ تاریخی اشاره کرد که جرج بوش نام آن را جنگ صلیبی نوین گذارد. جنگی که قرار بود پس از لشکر کشی آمریکا و هم پیمانانش به عراق و افغانستان، به نتیجه‌ای برسد که قرن‌ها مدنظر تئوریسین‌های غرب صلیبی/ صهیونی قرار داشت. چنانچه وسلی کلارک، فرمانده سابق سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در اروپا در یک برنامه تلویزیونی گفت: «آمریکا در سال 2001 میلادی تصمیم گرفته بود به عراق، سوریه، لبنان، لیبی، سومالی، سودان و ایران حمله کند و قرار بود طی 5 سال این کشورها اشغال شوند. اما...»



"دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر"

نویسنده ناصر کاوه

ضمیمه شماره چهاردهم

رازهای پنهان یازده سپتامبر 2001

به عقیده صاحب نظارن غربی حملات به نیویورک و واشنگتن در 11 سپتامبر، اقدامی داخلی بود که برای توجیه حمله و اشغال کشورهای نفتخیز انجام شد. سایر رسانه‌ها: ۳ تای آنها با برج‌های نیویورکی و مرکز پنتاگون در واشینگتن، از ۵ هواپیمای دیگر خبری اعلام نشد. اما پس از فرو خوابیدن سر و صداها و التهاب‌ها، ناگهان گفته شد که فقط ۴ هواپیما، ربوته شده بودند که دو تای آنها به برج‌های دو قلوئی مرکز تجارت جهانی در نیویورک برخورد کرده، یکی دیگر به مرکز پنتاگون و آخری نیز در مکانی دور افتاده سقوط کرده است. اگرچه از هواپیمایی که ادعا شد به مرکز پنتاگون برخورد کرده، هیچ نشانه‌ای ارائه نگردید.

به قول کارشناسان از آن هواپیما حتی قطعه‌ای کوچک، مثلاً تکه‌ای از بدنه یا موتور و یا دیگر نقاط آن، در مقابل نگاه رسانه‌ها و خبرنگاران قرار نگرفت. (گویی هواپیمای مذکور در اثر آن برخورد کاملاً پودر شده و هیچ اثری از خود باقی نگذاشته بود)، همچنین تکرار اخبار آن به شدت سانسور گشت و شبکه‌های مختلف رادیویی و تلویزیونی به دلیل مسائلی که از سوی کاخ سفید، امنیت ملی خوانده شد، از تأکید بر جوانب آن منع گشتند. این سکوت خبری به مدت ۴ سال ادامه داشت که ناگهان پنتاگون در سال ۲۰۰۵ اعلام کرد قصد انتشار تصاویر برخورد هواپیمای مذکور با ساختمان اصلی ستاد ارتش آمریکا را دارد. این درحالی است که در سال ۲۰۰۴ یکی از سایت‌های اینترنتی با انتشار تصاویر مستندی بر اساس عکس بخش‌های تخریب شده ساختمان پنتاگون، امکان برخورد هواپیما با آن ساختمان را همراه طرح‌های گرافیکی بررسی کرده و نتیجه گرفته بود که تنها یک موشک زمین به زمین می‌توانسته به آن صورت خرابی به بار آورد. البته عدم ارائه حتی قطعه کوچکی از هواپیما از سوی مسئولین پنتاگون در طول آن پنج سال هم ادعای فوق را تقویت می‌کند. این در حالی است که قبول تخریب کامل برج‌های دو قلوئی نیویورکی هم با آن ساختار امن و محکم در اثر برخورد هواپیما و بدون کمک مواد منفجره دیگر، از سوی کارشناسان مربوط، کاملاً مورد تردید قرار گرفته است.

در ژوئن ۲۰۰۶ روزنامه انگلیسی دیلی میل نوشت هفتاد و پنج استاد دانشگاه آمریکا طی تحقیقات خود به این باور رسیده‌اند که دو هواپیمای مسافربری مذکور به تنهایی قادر به تخریب دو برج مرکز تجارت جهانی نبوده‌اند. براساس این تحقیقات، فیلم مستندی ساخته شد که هیچ‌گاه اجازه نمایش در آمریکا و برخی کشورهای اروپایی را نیافت. در آن فیلم مستند، ۷۵ استاد یاد شده دانشگاه که خود را «روشنفکران حقیقت‌یاب ۱۱ سپتامبر» نامیده بودند، اظهار داشتند واقعیت‌ها و شواهدی که آنها در تحقیقات خود به دست آورده‌اند، غیرقابل انکار بوده و نقطه نقطه بزرگترین توطئه تاریخ را به هم متصل می‌کند. اساتید مذکور که در دانشگاه‌های سراسر آمریکا مشغول به تدریس هستند، با انتشار مقاله‌ها و گزارش‌های مختلف، بسیاری از نظریات به اصطلاح توطئه مطرح شده در اینترنت از سال ۲۰۰۱ تاکنون را قابل باور کرده‌اند.

پرفسور استیون جونز، استاد فیزیک در یکی از دانشگاه‌های ایالت اتاوا، و یکی از اعضای این گروه گفته است: «امکان نداشت برج‌های دو قلو با برخورد دو هواپیمای مسافربری به این شکلی که دیدیم فرو بریزند.» او ادامه داده است: «... سوختن سوخت هواپیماهای جت، دمای کافی برای ذوب کردن فولاد را تأمین نمی‌کند و دود سفیدی که در اطراف این ساختمان‌ها دیده شد نیز نشانه انفجارهای کنترل شده برای فرو ریختن آنها است. بررسی ساختار این ساختمان‌ها نشان داد آنها بر اثر مواد آتش‌زا که منجر به ذوب شدن فولادها شده است، ضعیف شده و سپس سقوط کرده‌اند».

کمیسون تحقیقات کنگره درباره حملات ۱۱ سپتامبر پس از تحقیقات گسترده این نظریه توطئه را رد کرد اما این اساتید دانشگاه به دنبال قانع کردن کنگره برای بازگشایی این پرونده هستند. پرفسور جونز می‌گوید: «ما باور نمی‌کنیم که این ۱۹ هواپیماربا و چند نفر دیگر در غارهای افغانستان به تنهایی این حملات را اجرا کرده‌اند.» این اساتید دانشگاه آمریکا معتقد بودند تعدادی از نومحافظه‌کاران آمریکا در گروهی با نام «پروژه قرن جدید آمریکا» که قرار بود سیطره این کشور را بر جهان تضمین کند، حملات به مرکز تجارت جهانی و پنتاگون را به عنوان بهانه‌ای برای حمله به افغانستان و عراق م طراحی کرده‌اند. آنها معتقد بودند حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ که زمینه‌ساز حملات نظامی این کشور به عراق و افغانستان بود، در واقع توسط جنگ‌طلبان داخلی این کشور رهبری شد.

به عقیده این اساتید، حملات به نیویورک و واشنگتن اقدامی داخلی بود که برای توجیه حمله و اشغال کشورهای نفت‌خیز انجام شد. نظریه فوق را بسیاری از واقعیات انکار ناپذیر دیگر تأیید می‌کنند. واقعیاتی که اغلب توسط دوربین‌ها به تصویر کشیده شده‌اند. در هر فیلم ویدئویی کوتاه از ماجرا، فوران (گاهی اوقات حجم کوچکی از) گرد و غبار از کناره‌های برج‌ها دیده می‌شود که تحلیلگران را به تفسیر ذیل از ماجرا رهنمون می‌سازد: برج‌ها به خاطر برخورد دو بوئینگ ۷۶۷ و انفجار و آتش‌سوزی پس از آن فرو نریختند. آنها در یک برنامه تخریب کنترل شده ویران شدند. آن فواره خاک و دود که در فیلم‌ها مشهود است، ترکش‌های مواد منفجره‌ای بود که قبل از حمله‌ها در ساختمان کار گذاشته شده بود.

در این نگرش و تحلیل، مسئول ویرانی مرکز تجارت جهانی (WTO) نه القاعده، که دولت ایالات متحده آمریکا بود. از نگاه آنان، پنتاگون با یک جت مسافری تجاری هدف قرار نگرفت، یک موشک کروز بخشی از ساختمان پنج‌ضلعی وزارت دفاع را ویران کرد. دو فیلمی که در سال ۲۰۰۷ ماجرای پرواز شماره ۹۳ را به تصویر کشیدند، در واقع حکایت چهارمین هواپیمای به اصطلاح ربوده شده روز ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را نقل کردند که با تلاش مسافری آن، به هدف خود یعنی برخورد با ساختمان دیگری از مراکز مهم آمریکا نرسید و در منطقه‌ای دورتر در پنسیلوانیا با زمین برخورد کرده و منفجر شد.

داستان این فیلم‌ها که گویا براساس برخی نقل قول‌های بازماندگان قربانیان آن پرواز، از آخرین تماس تلفنی با بستگانشان به همراه تخیلات فیلمسازان آثار مذکور شکل گرفته، بعداً مورد اعتراض همان بازماندگان واقع شد. بازماندگان مذکور ماجرای مذکور را به شدت تحریف شده خواندند! این در حالی است که در آن مکالمات تلفنی یاد شده، حتی در خود فیلم‌های مذکور، هیچ‌گونه نشانه‌ای از این که چگونه مسافری آن پرواز، نقشه ریخته و سپس با اتحاد علیه ربایندگان، به آنها حمله برده و مانع اجرای عملیاتشان شدند، دیده نمی‌شود و کاملاً روشن بود که سازندگان این دو اثر به جای معلوم شدن حقیقت، تنها برآن بوده‌اند قصه‌ای سرهم کرده و فیلمی (به قول همان بازماندگان حادثه) اکشن بسازند!

از دید حامیان نظریه حقیقت‌یابان ۱۱ سپتامبر، پرواز شماره ۹۳ شرکت یونایتد، آنچنان که در سینما روایت شد یعنی از طریق دو فیلم «یونایتد ۹۳» (پال‌گرین گرس) و «پرواز ۹۳» (پیتز مارکل) برپرده‌های سینما نقش بست، پس از حمله هواپیماربايان به کابین خلبان سقوط نکرد، بلکه جنگنده‌های نیروی هوایی آمریکا عمداً آن را مورد هدف قرار دادند. (پیش از آن در خبرها آمده بود که ربایندگان، توسط نیروی هوایی آمریکا تهدید شدند که هواپیماهای ربوده شده در صورت فرود نیامدن مورد حمله جنگنده‌ها قرار خواهند گرفت). به اعتقاد آنان، تمامی فاجعه روز یازدهم سپتامبر توسط دولت فدرال برنامه‌ریزی و اجرا شد تا کمی بعد به بهانه‌ای برای آغاز جنگ در خاورمیانه تبدیل شود.

شماره سپتامبر ۲۰۰۷ مجله تایم درگزارشی از فیلمی مستند به نام «تغییر بی‌قاعده» نام برد و آن را یکی از افشاگرترین فیلم‌هایی دانست که درباره ۱۱ سپتامبر ساخته شده است. در گزارش مجله تایم آمده بود که این فیلم پر از آمار، تصاویر، مدارک و گفته‌های شاهدان عینی است. متخصصان در مصاحبه‌هایشان دلایل خود را ارائه می‌کردند و در واقع یازدهم سپتامبر را از نو بازسازی کردند، نقطه به نقطه و فریم به فریم. در آن فیلم یک گوینده لحظه به لحظه ماجرا را شرح می‌داد. گروهی خبرنگار و گزارشگر آماتور، شماری از انسان‌های سخت‌کوش (که بعضی حتی ۲۰ ساله بودند) با سرمایه شخصی و لپ‌تاپ‌هایشان و تصاویری که در اینترنت موجود بود؛ این فیلم را ساختند. در قسمتی از این فیلم که حمله به پنتاگون نشان داده شده، با حقایق جالبی روبه‌رو می‌شدیم. بخش آسیب دیده پنتاگون اصلاً طبیعی به نظر نمی‌رسید. خسارت وارده به هیچ

وجه در حد آن برخورد یک هواپیمای بویینگ ۷۶۷ نبود. سوراخ ایجاد شده در دیوار خارجی پنتاگون، ۲۳ متر بود اما طول بال‌های بویینگ ۷۶۷ به ۳۸ متر می‌رسد. چرا سوراخ وسیع‌تر نبود؟ چرا همه‌چیز این‌قدر تمیز به نظر می‌رسید؟ ممکن است متخصصان بگویند سوراخ توسط دماغه هواپیما ایجاد گردیده بود و نه بال‌ها که به خاطر برخورد با زمین کنده شده بودند. اما بال‌ها کجا افتاده بودند؟ چه بر سر دم و موتور هواپیما آمد؟ در تصاویر بخش ویران شده پنتاگون (که در فیلم هم رویت می‌گردید) هیچ اثری از جت مسافربری دیده نمی‌شد!

مقامات رسمی گفتند هواپیما ابتدا بر اثر سقوط در محوطه چمن ساختمان، یک بال خود را از دست داد. گفتند هواپیما در مسیر سقوط به پنج تیر چراغ برق هم برخورد کرد اما عکس‌هایی که از این تیرها در فیلم دیده می‌شد، شگفت‌آور بود. تیرها خسارت‌اندکی دیده‌بودند! کارمندان پنتاگون گزارش دادند پس از انفجار، بوی باروت بی‌دود را حس می‌کرده‌اند. نوعی ماده منفجره که در موشک‌های کروز به کار می‌رود.

فیلم «تغییر بی‌قاعده» عقل سلیم بیننده را به این نکته مهم می‌رساند که باید توضیحات مقامات رسمی از حادثه را فراموش کند. کوری روه، یکی از سازندگان فیلم که تنها ۲۳ سال دارد، به خبرنگار مجله تایم گفته بود: «هدف فیلم تنها یک چیز است: مردم باید متقاعد شوند که داستان‌های دیگری هم از ماجرا وجود دارد. داستان‌هایی که رسانه‌های اصلی و دولت هیچ گاه تعریف نمی‌کنند... این سؤال را از خود بپرسم چگونه آن ۱۹ هواپیماربا در ۲ ساعت، از تمامی بخش‌های امنیتی به راحتی گذشتند و ۴ هواپیمای مسافربری را به چنین ساختمان‌هایی کوبیدند و در تمام این مدت ارتش هیچ کاری برای متوقف کردن آنها انجام نداد، آن هم در محافظت‌شده‌ترین فضای هوایی سراسر جهان در ایالات متحده. این به نظر من توطئه دولت آمریکا است، دم و دستگاه بوش.» روه گفته بود: «دولت در این فیلمنامه نقش وطن‌پرستی تحسین‌آمیزش را به خوبی بازی کرد. اگر می‌خواهید سلاح‌های کشتار جمعی ساختگی را در یک کشور دیگر ریشه‌کن کنید، بهترین کار راه‌انداختن چنین حملات تروریستی ساختگی به کشورتان است!!» اینچنین او به حمله آمریکا به عراق به بهانه در اختیار داشتن سلاح‌های کشتار جمعی اشاره می‌کند که در عراق هیچ گاه چنین سلاح‌هایی کشف نشد. روزنامه کیهان



"دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر"

نویسنده ناصر کاوه

ضمیمه شماره پانزدهم

۱۱ سپتامبر، اقدام تروریستی یا سناریوی تراژیک؟

امروز چهارشنبه ۱۱ سپتامبر و دوازدهمین سالگرد حادثه ای است که به همین نام شناخته می شود. دو روز پیش هم سالگرد ترور پیچیده ی فرمانده کل جبهه مقاومت احمد شاه مسعود بود که آگاهان میان آن دو حادثه و تصرف افغانستان، ارتباط معناداری را می بینند. به هر روی، طبق قرائت و روایت ایالات متحده در این روز، گروه القاعده، عملیات تروریستی وسیعی را در شهرهای مهم امریکا (نیویورک، پنسیلوانیا و ویرجینیا) انجام داد. به بیان مقامات امریکا، در صبح آن روز، ۱۹ تن از اعضای القاعده، چهار طیاره تجاری - مسافربری را ربودند و با دو تای آنها - و با فاصله زمانی ۱۸ دقیقه، برج های دوقلوی مرکز تجارت جهانی در نیویورک را هدف قرار دادند و در نتیجه، برج های دوقلو، پس از دوساعت کاملاً ویران شد و ساختمان شماره ۷ که در نزدیکی آنها قرار داشت، بدون اصابت طیاره، فرو ریخت. همه مسافران دو طیاره به همراه بسیاری دیگر که در ساختمان ها حضور داشتند، کشته شدند. آسیب های زیادی هم به ساختمان های پیرامون وارد آمد. تروریست ها طیاره "سوم"ی را به ساختمان پنتاگون، واقع در ارلینگتون در ویرجینیا زدند. طیاره "چهارم" هم به هدف نرسید و در منطقه ی نزدیک شنکسویل، در ایالت پنسیلوانیا، سرنگون شد. متأسفانه هیچ کدام از مسافران این پرواز و سه پرواز دیگر زنده نماندند. کشته شدگان این حمله ها ۲۹۷۴ نفر بودند، که با اضافه کردن ۱۹ طیاره ربا به جمع کشته شدگان، به ۲۹۹۳ تن رسید که بیش تر کشته شدگان مردم عادی و شهروندانی با ملیت های مختلف و از ۹۰ کشور جهان بود.

اما مجریان این عملیات تروریستی همه عرب بودند و تابعیت کشورهای مختلف را داشتند که ۱۵ نفر آنها عربستانی و ۲ نفر دارای تابعیت امارات عربی متحده و دو نفر دیگر، اتباع مصر و لبنان بودند. گفته شده تمامی آنها عضو سازمان القاعده بوده اند.

گفته شده، این حادثه بزرگترین عملیات تروریستی تاریخ ایالات متحده بوده و پیامدهای مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی برای امریکا و جهان داشته و همانند حمله جاپان به بندر پرل هاربر، تاریخ آمریکا را تغییر داده است

در واکنش به این واقعه، ساعت ۱ و ۴۰ دقیقه بعد از ظهر یعنی ۴ ساعت و ۵۵ دقیقه پس از اولین حمله، جورج بوش از پایگاه نیروی هوایی در بارکس دیل Barksdale Air Force Base اعلام کرد که ارتش ایالات متحده در سرتاسر جهان به حال آماده باش کامل در آمده است و تأکید کرد که عاملین این جنایات به شدت مجازات خواهند شد. دوساعت بعد از این، جورج بوش در یک پایگاه نیروی هوایی در نبراسکا، حضور یافت و در یک کنفرانس ویدئویی با همراهی دیک چینی و کاندولیزا رایس شرکت کرد و مسلمانان را نشانه رفت. وی که برای توجیه جنگ افغانستان در کنگره سخنرانی می کرد، واژه جنگ صلیبی را به کار برد و گفت: ۱۱ سپتامبر یادآور دوران جنگ صلیبی است و آمریکا برای مقابله با این روند حمله پیشدستانه [را] آغاز خواهد کرد. این بود که پس از این حادثه القاعده مسئول حمله شناخته شد و جرج دبلیو بوش همه مردم جهان را به دوقطب یا "با ماست" یا "علیه ما" تقسیم کرد و به جرم اینکه حاکمیت طالبان به القاعده پناه داده، به کشور ما حمله کرد و آنرا به تصرف خود در آورد.

آنچه تاکنون در باره چگونگی وقوع حادثه آمد، قرائت دولتی از ۱۱ سپتامبر بود، چیزی که هرگز نتوانست، متخصصان، نخبگان و محققان این حادثه را قانع سازد و حمله به افغانستان را توجیه کند. در این مجال تنها به بخشی از شواهدی، پرداخته می شود که اثبات می کند، آنچه دولتمردان امریکا می گویند با حقیقت تطابق ندارد و قضاوت نهایی و کاوش بیشتر در این زمینه با اهل نظر خواهد بود.

۱. «تری میسن»، رونامه نگار فرانسوی، کتابی با عنوان "بک دروغ بزرگ" نوشته است. او در کتابش تصریح کرده که خود شاهد قضیه ۱۱ سپتامبر بوده و به اعتقاد او، هیچ طیاره ای مسافربری بوئینگ در کار نبوده و در اصل موشک های "Missiles A" توسط ارتش امریکا شلیک شده است. از نظر او این سناریو به اجرا در آمده تا توجیهی برای عملیات امریکا علیه بعضی کشور های دیگر در آینده باشد. او می نویسد؛ این داستان هماهنگ و دقیق، ساخته و پرداخته دولت امریکا، پنتاگون و سازمان های تروریستی امریکا نظیر سیا و دیگر سردمداران ایالات متحده و صهیونیست هایی که در جریان کار قرار داشته اند، بوده است.

۲. ابهام ساختمان شماره (۷): شبکه تلویزیونی BBC قبل از آنکه ساختمان شماره (۷) که در نزدیکی برج های دوگانه قرار داشت، فرو بریزد، خبر فرو ریختن آنرا منتشر شد، اما آن ساختمان بعداً فرو ریخت BBC. تا مدتها سعی می کرد، آرشیو این خبر را مخفی و دور از دسترس دیگران نگهدارد. اما مدتها بعد از حادثه که جنجال آفرینی های دولت امریکا فرونشست و تصاویر در اختیار محققان قرار گرفت، بررسی های دقیق تصاویر و اخبار روز حادثه نشان داد که ساختمان شماره ۷ هدف هواپیما قرار نگرفته و این موضوع به یک معما تبدیل شد. در سال ۲۰۰۹ کتاب های متعددی با عناوین "رازهای تخریب ساختمان ۷ تجارت جهانی" و "دو برخورد، سه تخریب؛ بزرگترین دروغ" منتشر شدند و دولت امریکا و اظهارات مقاماتش را به چالش کشیدند.

۳. تخریب ساختمان شماره ۷ کنترل شده بود: "جیمز گلانز" نویسنده نیویورک تایمز در خصوص تخریب ساختمان شماره ۷ می گوید که کارشناسان باور دارند؛ تاکنون هیچ ساختمان مدرنی همچون این سازه فولادی عظیم ۴۷ طبقه ای به دلیل آتش فرو نریخته است. این نکته در میان جامعه مهندسين امریکا نیز به پرسش مهمی تبدیل شده و جواب آن پیدا نشده که چرا ساختمان ۷ فرو ریخت؟

گلانز باور دارد در تصاویر ویدیویی، فروریزی مستقیم و عمودی دیده می شود که حکایت از تخریب کنترل شده دارد و تنها این اتفاق می تواند به وسیله انفجار رخ دهد تا سازه های فولادی آنرا تکه تکه سازد و به این صورت تخریب شود.

"دن رتر" خبرنگار معروف شبکه های تلویزیونی نیز تخریب آنرا به وسیله جاسازی ماهرانه دینامیت میداند و براین مسئله تاکید می کند.

شاید گفته شود که اظهارات فوق کارشناسانه نیست و تنها فهم نامبردگان از آنچه دیده اند و نحوه تخریب را توصیف کرده اند، است و اما و اگر هایی همچنان می تواند وجود داشته باشد.

اما در ۲۰۰۹ "دنی جونکو" که متخصص هلندی تخریب ساختمان هاست، تصاویر تخریب ساختمان شماره ۷ - بدون اینکه نامی از ۱۱ سپتامبر برده شود-، برای او به نمایش در آمد و نظر کارشناسی او در این مورد خواسته شد. جونکو، تاکید نمود که "به راحتی مشخص است که ستون ها منفجر شدند و بقیه ساختمان فرو ریخت. این یک تخریب کنترل شده بود".

۴. چرا فولادها تبدیل به پنیر سوییسی شده است؟ متخصصان امریکایی پس از یازده سپتامبر وقتی که آهن فولاد های به کار رفته در ستون هاب ساختمان شماره ۷ را بررسی کردند، دیدند که همان پنیر سوراخ سوراخ شده و در برخی جاها بسیار نازک شده، گویی که فولادها ذوب شده اند. آنها معتقدند، هیچ حرارت معمولی نمی تواند، آنها را ذوب کند.

مجله WPI's magazine در مقاله ای با عنوان 'راز بزرگ فولاد ذوب شده' در این باره نوشته بود که فولاد ممکن است ضعیف و شکننده شود، اما به راحتی در آتش معمولی ذوب نمی شود. مطالعات نشان می دهد که برخی فعل و انفعالات شیمیایی فولاد را به پنیر سوییسی تبدیل می کند و آنرا ضعیف و کم ضخامت می سازد. در این ساختمان نیز هیچ کس انتظار نداشت که فولادهای پر سوراخ ببیند.

به نظر گلوبال ریسرچ، همه گزارش ها نشان می دهند که چیزی غیر از آتش باعث تخریب ساختمان شد، زیرا حداکثر دمایی که در آتش سوزی ایجاد شد حدود ۱۸۰۰ درجه فارنهایت بود حال آنکه فولاد در دمایی بالاتر از ۵۱۰۰ درجه فارنهایت ذوب می شود.

از نگاه این مجله نیز در ذوب شدن و تخریب این ساختمان، ترکیبی از سولفور و ماده ترمیت (thermite) ماده ای است برای پایین آوردن نقطه ذوب فلزات (به کار رفته تا فولاد به راحتی ذوب شود و از بین برود).

از همه اینها که بگذریم، گفته شده بود که طیاره ی سوم به ساختمان پنتاگون اصابت کرده است. وقتی کارشناسان سوراخی را که گفته می شد در اثر اصابت هواپیما در ساختمان نامبرده، ایجاد شده، بررسی کردند، متوجه شدند که در این سوراخ هیچ اثری از اصابت بال های طیاره دیده نمی شود. از سوی دیگر، طبق اظهارات مقامات رسمی، زردی فضای سبز ضلع تخریب شده، ناشی از حرارت آتش اصابت طیاره به آن ساختمان عنوان شده بود، درحالی که بررسی تصاویر کمره های مدار بسته، نشان میداد که این زردی ها قبل از حادثه وجود داشته و ناشی از آتش اصابت طیاره یا حرارت ناشی از اشتعال سوخت هواپیما نبوده است.

۵. عدم تطابق کمیت حضور یهودیان و میران کشته ها: شرکتی به نام "اودیگو" که متعلق به یهودیان امریکاست، این نکته را تأیید کرده که ۵ ساعت قبل از برخورد اولین هواپیما به برج های دوقلو، دو نفر از کارمندان آن هشدارهایی را در این رابطه دریافت کرده بودند.

براساس آمارهای ارائه شده، بیش از چهار هزار یهودی در برج های دوقلو، ساختمان پنتاگون و محل های نزدیک به این دو مجموعه کار می کردند اما پس از حادثه ۱۱ سپتامبر اعلام شد؛ تنها پنج یهودی در این حملات تروریستی کشته شده اند.

۶. شاهد ماجرا، اسناد وی چیز دیگری را ثابت می کند: کورت سونفیلد، مامور سابق امریکا، شاهد و تصویر بردار انفجار برج های دوقلو که تحت تعقیب امریکا قرار گرفت و از آرژانتین درخواست پناهندگی کرد، گفته است؛ تصاویر مستندی در اختیار دارد که اثبات می کند ادعای رسمی دولت امریکا در مورد علت حمله به برج های دوقلو دروغی بزرگ است.

۷. جعبه های سیاه کجاست: مهمتر از همه از جعبه های سیاه هواپیماهای متذکره که صندوقچه اسرار تحولات آن به حساب می آید، هیچ خبری نیست که نیست. چنانچه وجود میداشت، تاکنون پیدا شده بود و به عنوان سند انکار ناپذیر ارائه می شد و به همه ابهامات پایان می دادند، اما چرا نیست؟ ادعای ترمیس مبنی بر اینکه آنچه به برج ها اصابت کرده، موشک بوده و یا به باور "دنی جکو" ناشی از تخریب کنترل شده بود و طبیعی خواهد بود که جعبه سیاهی در کار نباشد.

۸. القاعده ظرفیت و توانمندی چنین عملیاتی را داشت؟ اگر از موارد فوق و ابهام ها و پرسش هایی که متخصصان و محققان غیر دولتی امریکا، مطرح کرده اند و تاکنون بی پاسخ مانده، بگذریم و نادیده انگاریم، پرسش مهمتری مطرح می شود، آیا القاعده چنین توان عملیاتی را داشت؟

باتوجه به اینکه "بالاترین درجه امنیتی" در نیویورک و دیگر شهرهایی که نهادهای مهم بین المللی و ملی مثل ساختمان مجمع عمومی سازمان ملل، NSA، پنتاگون و... اعمال می شود، امکان چنین عملیاتی توسط القاعده قریب به محال است. حتی اگر این را نادیده بگیریم، ارتباط راداری و صوتی که میان برج مراقبت و اتاق پیلوت وجود دارد و هر نوع فعل و انفعالاتی (مشاجرات و درگیری) قابل شنود است، چگونه برج مراقبت متوجه آن نشده و به سیستم دفاع هوایی و سایر نیروهای امنیتی اطلاع نداده تا قبل از وقوع حادثه همانند هواپیمای "چهارم" که در منطقه شنکسویل پنسیلوانیا، سرنگون شد، هدف قرار داده می شد؟

۹. بر فرض صحت تمام آنچه که مقامات امریکایی مدعی اند؛ حتی یک افغانی هم در جمع تروریست ها نبود و ۱۵ تروریست از مجموع ۱۹ نفر را اتباع عربستان تشکیل میداد؛ چرا سرنخ های آن در عربستان، پی گرفته نشد؟

براین اساس، از یک سو در خصوص این حادثه ابهامات زیاد و دلایل متعددی وجود دارد که با تصویر ارائه شده از سوی مقامات کاخ سفید تناقض جدی دارد. از سوی دیگر، سیاست های جهان گشایانه ایالات متحده نیز برکسی پنهان نیست و پرسش های بی پاسخ، بیش از پیش این دیدگاه را تقویت می کند که خلق این تراژیدی غمبار و جریحه دار ساختن افکار عمومی، سناریویی برای جهان گشایی بود و افغانستان و عراق به همین بهانه تصرف شد و طی این مدت، چند برابر کشتگان ۱۱ سپتامبر از ملت افغانستان و عراق قربانی گرفت.

منبع : خبرگزاری صدای افغان(آوا) کابل

SEPTEMBER 11



سخن آخر

مروری بر اهمیت تحقیق مستقل، هشدار نسبت به تکرار سناریوهای مشابه، دعوت به ساختن جهانی آزادتر بر پایه آگاهی.

یازده سپتامبر ۲۰۰۱، روزی که جهان را تکان داد و تاریخ را تغییر داد. این رویداد، که به عنوان یکی از بزرگترین حملات تروریستی تاریخ شناخته می‌شود، نه تنها هزاران جان بی‌گناه را گرفت، بلکه بهانه‌ای برای جنگ‌های بی‌پایان، نقض حقوق بشر و تغییرات ژئوپلیتیکی عظیم شد. اما آیا آنچه به ما گفته شده، حقیقت کامل است؟ این کتاب، “دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر”، بر اساس تحقیقات گسترده، شواهد مستند و تحلیل‌های متخصصان، به کاوش در لایه‌های پنهان این فاجعه می‌پردازد. من، ناصر کاوه، به عنوان نویسنده، با تکیه بر منابع معتبر مانند گزارش‌های شاهدان عینی، تحلیل‌های علمی و اسناد افشاشده، تلاش کرده‌ام تا نشان دهم چگونه این رویداد ممکن است یک “دروغ بزرگ” باشد – توطئه‌ای مهندسی‌شده برای اهداف سیاسی و اقتصادی. این کتاب با اطلاعات تاریخی و تحلیلی از منابع جهانی مانند گزارش کمیسیون ۱۱ سپتامبر، تحقیقات پروفیسور استیون جونز، کتاب‌های تیری میسان و اظهارات شاهدان مانند ویلیام رودریگز غنی‌سازی شده است. هدف، افشای حفره‌های روایت رسمی و دعوت به تفکر انتقادی بود.

حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، تنها یک نقطه در تاریخ نیست، بلکه دریچه‌ای است به سوی درک عمیق‌تر از سازوکارهای قدرت، رسانه، و چگونگی شکل‌گیری روایت‌های عمومی. آنچه در این کتاب به آن پرداختیم، بخش کوچکی از انبوهی از سوالات و شواهد است که روایت رسمی این حادثه را به چالش می‌کشند. ما در این صفحات، صرفاً اطلاعاتی را ارائه ندادیم، بلکه تلاشی کردیم تا بذری از کنج‌کاو و تفکر انتقادی را در دل شما بکاریم. این کتاب نشان داد ۱۱ سپتامبر یک دروغ بزرگ بود. حالا نوبت شماست تا تحقیق کنید.

اهمیت تحقیق مستقل:

در دنیای امروز، اطلاعات به صورت گسترده و با سرعت نور منتشر می‌شود. اما صحت و اعتبار این اطلاعات، همواره جای سوال دارد. رسانه‌های جریان اصلی، گاهی اوقات به جای انعکاس واقعیت، ابزاری برای تبلیغات و انتشار روایت‌های غالب می‌شوند. در چنین فضایی، تحقیق مستقل، یعنی جستجوی فعالانه شواهد، مقایسه منابع مختلف، و تحلیل انتقادی اطلاعات، نه تنها یک حق، بلکه یک ضرورت برای هر شهروند آگاه است. حادثه ۱۱ سپتامبر، نمونه‌ای بارز از لزوم این تحقیق مستقل است.

هشدار نسبت به تکرار سناریوهای مشابه:

تاریخ، اغلب خود را تکرار می‌کند، نه به صورت عینی، بلکه به صورت تکرار الگوها و مکانیزم‌های قدرت. اگر ما نتوانیم درس‌های لازم را از حوادثی چون ۱۱ سپتامبر بیاموزیم، و اگر اجازه دهیم که روایت‌های دروغین و دستکاری شده، سرنوشت جوامع را رقم بزنند، در معرض تکرار سناریوهای مشابه، با ابعاد و پیامدهای جدید، قرار خواهیم گرفت. جنگ‌هایی که پس از ۱۱ سپتامبر آغاز شد، و محدودیت‌هایی که بر آزادی‌های مدنی اعمال گردید، نشانه‌هایی از این خطر هستند.

دعوت به ساختن جهانی آزادتر بر پایه آگاهی:

هدف نهایی ما، نه صرفاً زیر سوال بردن یک روایت خاص، بلکه ایجاد جامعه‌ای است که در آن، آگاهی، حقیقت و عدالت، ارزش‌های اساسی آن باشند. جهانی که در آن، شهروندان از توانایی لازم برای تحلیل اطلاعات، تشخیص حقیقت از دروغ، و مقاومت در برابر روایت‌های تحمیلی برخوردار باشند. این امر، تنها از طریق آموزش، ترویج فرهنگ پرسشگری، و حمایت از تحقیقات مستقل امکان‌پذیر است.

این کتاب، پایانی برای بحث نیست، بلکه آغاز یک گفتگوی عمیق‌تر و پرسشگری مداوم است. ما شما را تشویق می‌کنیم تا مسئولیت خود را در قبال حقیقت بپذیرید. در عصر اطلاعات، آگاهی، بزرگترین سلاح ماست. بیایید با استفاده از این سلاح، جهانی آزادتر، عادلانه‌تر و حقیقت‌محورتر بسازیم.

مطالبی که بسیار اهمیت دارد، فارغ از هر عاملی که در رخ دادن این حادثه نقش داشته، گرایش سیاست خارجی واشنگتن به فاز «تهاجمی» بوده است. پس از ۱۱ سپتامبر، غرب آسیا دستخوش خشونت و لشکرکشی‌های بی‌امان آمریکایی‌ها شد؛ واشنگتن القاعده را عامل انهدام برج‌های دوقلو معرفی و به افغانستان لشکرکشی کرد. طعمه بعدی آمریکا عراق بود و این کشور هم به‌اشغال تفنگداران آمریکایی و متحدان واشنگتن درآمد.

پرسش‌های فراوان محققان و صاحب نظران حوزه‌های مختلف، روایت آمریکایی‌ها را به چالش کشاند و آن را با تردیدهای بیشتری روبه‌رو کرد. اکنون و پس از گذشت ۱۸ سال، از یک طرف هنوز پاسخی حتمی درباره عواملان واقعی این حادثه مشخص نگردیده است و از طرف دیگر، ادعاها در مورد تروریستی بودن این حادثه هم کسی را قانع نمی‌کند.

یک علامت سؤال بزرگ

از جمله مهم‌ترین یافته‌های علمی درباره انفجار برج‌های دوقلو «منهتن» را کشف ماده منفجره بسیار قوی معروف به «نانوترمیت» در خاکسترهای بجا مانده از انفجار و بنای برج دوقلو می‌توان ذکر کرد. پروفیسور «استیون جونز» استاد دانشگاه بیرمنگام، اوقات زیادی را برای انجام این تحقیقات صرف کرد و پس از کشف موضوع و به چالش کشاندن ادعای مقامات آمریکایی، از ادامه تدریس منع و پس از چندی از دانشگاه نیز اخراج شده است. وی بر اساس یافته‌های خود به این نتیجه رسید که از نوعی ماده منفجره قوی موسوم به «نانوترمیت» برای تخریب برج‌های دوقلو استفاده شده است، به این معنا که پیش از برخورد دو هواپیما به برج این بمب بسیار قوی در نقطه‌ای از ساختمان جاسازی شده بود.

بر اساس گزارشی که در رسانه‌ها منتشر شد، «جونز» و بسیاری از کارشناسان دیگر که تحقیقات گسترده‌ای را درباره ریزش برج‌های دوقلو پشت‌سر گذاشتند، معتقدند حرارت ناشی از سوخت هواپیما، به هیچ وجه نمی‌تواند عامل فرو ریختن ساختمان‌های دوقلو بوده باشد. به گفته این کارشناسان، «انفجار مهندسی‌شده» تنها دلیلی است که می‌تواند ریزش این ساختمان‌ها را توجیه کند.

اکنون اما پس از گذشت سالها، حقیقت‌های تازه‌ای از این اتفاق تروریستی به گوش می‌رسد. «جرج بیبی» عضو سابق سازمان «سیا» و تحلیلگر مسائل روسیه، به‌تازگی کتابی را به رشته تحریر درآورده و در آن به افشاگری‌های جدیدی دست زده است. وی در کتاب خود تصریح کرد: «دو روز قبل از وقوع حملات ۱۱ سپتامبر، (ولادیمیر) پوتین با (جرج) بوش (رئیس‌جمهور وقت روسیه و آمریکا) تماس گرفته و گفته که سازمان اطلاعات روسیه به نشانه‌هایی دسته یافته است که از حمله‌ای قریب‌الوقوع حکایت می‌کند، حمله‌ای که طراحی آن سال‌ها در افغانستان زمان برده است». بیبی در ادامه می‌نویسد: «فردای حملات ۱۱ سپتامبر پوتین اولین رهبر خارجی بود که با کاخ سفید تماس گرفت و ابراز همدردی کرد.»

"دروغ" بخشی از هویت آمریکا

"استفن لندمن" نظامی سابق و تحلیلگر آمریکایی، حول مسئله دروغ‌گویی در آمریکا، بارها برای کیهان مطالبی را به رشته تحریر درآورده است. اکنون جا دارد به مناسبت سالروز حادثه ۱۱ سپتامبر، مروری بر این مطالب داشته باشیم. لندمن در رابطه با ساختار کلی جامعه آمریکا معتقد است: «آمریکا از آغاز تاسیس تا همین زمان، از «دروغ‌های بزرگ» متعددی برای پیشبرد منافعش استفاده کرده و به واسطه همین دروغ‌ها بوده که سیاست‌های پلید خود را به پیش برده است. سیاست‌های آمریکا در طول تاریخ بدون تغییر مانده و چارچوب ثابتی دارد». این کارشناس مطرح آمریکایی سپس اشاره‌ای به ۱۱ سپتامبر دارد و می‌نویسد: «دروغ‌های آمریکا برای مهار جهان و پیشبرد سیاست‌های پلید خود، همچنان حتی پس از سال‌ها در

۱۱ سپتامبر خود را نمایان می‌کند. پس از آن اتفاق، آنها کشورها را یکی پس از دیگری مورد هدف قرار دادند. نابودی، استعمار و استثمار آنها بازتاب درستی از سیاست خارجی رسمی آمریکا بود. از سوی دیگر، جنگ‌های داخلی مسلمانان، رنگین‌پوست‌ها و قشر کارگر در داخل آمریکا به‌صورت جدی شکل گرفته است.»

افشای نقش پررنگ آل‌سعود

مجله آمریکایی «نیوزویک» طی گزارشی که آن را سال گذشته شمسی به چاپ رسانده، از نقش پررنگ حکومت سعودی در این حملات سخنانی را به میان آورده است. در کتابی که نیوزویک از آن رونمایی کرده بود، به بی‌توجهی مقامات آمریکایی به هشدارهای امنیتی پیش از وقوع حادثه تروریستی اشاره می‌شود. «ریچارد کلارک» مشاور وقت کاخ سفید، در زمینه مبارزه با تروریسم در دوران ریاست جمهوری «بیل کلینتون» و «جرج د بوش»، طی مصاحبه‌ای در کتاب «سگ‌های نگهبانی که پارس نکردند»، تأکید کرده است: «مقامات بلندپایه سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا از جمله «جرج تننت» رئیس این مرکز، اطلاعات مهمی را از توطئه و شبکه القاعده از جمله ورود «خالد المحضار» و «نواف الحازمی»، به آمریکا و نقش آنها در حملات، مخفی نگه داشته‌اند». از جمله حقایق دیگری که در این کتاب به چاپ رسیده، عبارتند از: «تلاش‌های مستمر حکومت سعودی برای جلوگیری از افشای کامل روابط ریاض با ربایندگان هواپیماها» و «کمک و حمایت برخی مسئولان در وزارت اوقاف سعودی به ربایندگان». در کتاب مذکور تأکید شده که به موجب این اطلاعات، صدها خانواده که عزیزان خود را طی حملات ۱۱ سپتامبر از دست داده بودند، در دادگاه فدرال نیویورک علیه آل‌سعود شکایت کرده‌اند.

واقعیت مغایر روایت

از جمله دیگر تحقیقاتی که در رابطه با حادثه ۱۱ سپتامبر انجام شده، مربوط به «دبویذ ری‌گرفین» است. وی به‌طور مستمر و خستگی‌ناپذیری در رابطه با ۱۱ سپتامبر تحقیق کرده و این تحقیقات در ۱۰ جلد کتاب و مقالات متعدد به چاپ رسیده، است. گریفین در یکی از کتاب‌های خود به نام، «۱۱ سپتامبر، افسانه و واقعیت» نوشته است: «با توجه به بسیاری از دلایل، حادثه ۱۱ سپتامبر که تا کنون با استفاده ابزاری از احساسات مردم، یک اتفاق تروریستی محسوب می‌شود، افسانه‌ای است که با واقعیت سازگاری ندارد.»

"گریفین" همچنین در سپتامبر ۲۰۰۸ طی مقاله‌ای، ۲۱ سؤال را در رابطه با حادثه ۱۱ سپتامبر مطرح کرده و از مقامات رسمی درخواست می‌کند که به آن پاسخ دهند. سؤالاتی که تا این لحظه، پاسخ قانع‌کننده‌ای به آنها داده نشده است. برخی از این سؤال‌ها عبارتند از:

اف.بی.ای طی گزارش‌های متعدد، اعتراف کرده که هیچ ارتباطی بین حادثه ۱۱ سپتامبر و القاعده پیدا نکرده است.

در گزارش این حادثه تروریستی آمده که تروریست، یک مسلمان رادیکال و بسیار مذهبی بوده است، این ادعا در حالی مطرح شده که وی در حالت مستی به سر می‌برده است. این حقیقت با آنچه ادعا شده تطابق ندارد.

پاسپورت‌هایی که از تروریست‌ها پیدا شده، جعلی بوده‌اند.

در همان زمان «جرج بوش» رئیس‌جمهور وقت آمریکا، در سفری ایالتی به سر می‌برده و پس از اعلام این حادثه، هیچ دستورالعمل خاصی برای محافظت از جان وی ابلاغ نشده است، که بسیار مشکوک به‌نظر می‌رسد. «گریفین» در انتهای گزارش خود، نتیجه می‌گیرد که از نظر منطقی و با در نظر گرفتن همه استدلال‌ها، ۱۱ سپتامبر به روایت مسئولین آمریکایی، افسانه‌ای بیش نیست.

اما همان‌طور که در ابتدای این مقاله گفته شد، فارغ از اینکه عامل اصلی حادثه ۱۱ سپتامبر کی بوده، لشکرکشی آمریکا به افغانستان و عراق به بهانه ۱۱ سپتامبر، رنج و مصیبت زیادی را برای مردم این دو کشور به بار آورده است. «گریفین» در همین باره، ژوئن سال ۲۰۱۰ طی مقاله‌ای می‌نویسد: هیچ ارتباطی بین حوادث تروریستی مذکور و افغانستان وجود ندارد و حمله آمریکا به کشوری که هیچ تهدیدی برای آن محسوب نمی‌شد، از لحاظ قانونی بی‌پایه و اساس است. آمریکا دو ماه پیش از حادثه ۱۱ سپتامبر، تصمیم حمله به افغانستان را گرفته بود، در حالی که از لحاظ اخلاقی، هیچ توجیهی برای جنگ وجود نداشت. دلایل حمله واشنگتن به افغانستان، با دروغ‌هایی هم که تاکنون گفته شده، مغایر است و حمله به افغانستان هیچ‌گاه منجر به دستگیری و یا کشته‌شدن «بن لادن» نشده و حتی القاعده نیز تضعیف نگردیده است.

در ارتباط با عراق نیز آمریکا مدعی بود میان صدام و القاعده ارتباط وجود دارد. این ادعا نیز کاملاً دروغ بوده است. در هر حال، حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، مصائب فراوانی را برای ملت عراق رقم زده است.

نتیجه‌گیری نهایی

بنابراین، در مقام نتیجه‌گیری، باید پذیرفت که آنچه پیرامون موضوع ۱۱ سپتامبر رخ داده، تنها ابزاری برای پیشبرد سیاست‌های آمریکا بوده است. این نقشه‌ای بوده تا سرزمین‌های استراتژیک به سیطره و سلطه آمریکا درآیند. از دید آمریکا، افغانستان اهمیت فراوانی در حوزه جغرافیای سیاسی دارد.

آمریکا در نقاطی از افغانستان که از لحاظ استراتژیک پر اهمیت است، پایگاه‌های هوایی ایجاد کرده، سازمان سیا به واسطه مواد مخدر، به پول‌های کلان و غیرقانونی رسیده و وال‌استریت از تجارت غیرقانونی مواد مخدر، سود کلانی به جیب زده است.

باید تصریح کرد که از زمان شکل‌گیری آمریکا تاکنون، این کشور جنایات بزرگی را در نقاط مختلف جهان مرتکب شده است؛ از ژاپن گرفته تا ایران، افغانستان و آمریکای لاتین. واشنگتن حتی به مردم خود هم رحم نکرده است. در آن بین، آمریکا برای توجیه سلطه‌گری خود بر سایر کشورها، مبارزه با تروریسم را علم کرده است. طی این سالها گذشته در حالی که ماشین جنگی آمریکا مشغول تخریب و نابودی منطقه بوده است، شیپورهای تبلیغاتی این کشور دائماً و مرتباً اعلام کرده‌اند که هدف این حملات، نابودی گروه‌های تروریستی و امن‌تر شدن جهان برای زندگی بهتر است!

افغانستان پس از گذشت سالها، هنوز روی آرامش به خود ندیده و شرایط امنیتی و معیشتی مردم به بدترین وضعیت رسیده است. واشنگتن برای اینکه ملت خود را در مورد اشغال افغانستان قانع کند، یک حمله تروریستی بسیار سخت ترتیب داد و عواطف و احساسات عمومی را تحریک کرد. مردم افغانستان به چشم خود می‌بینند که پس از گذشت سال‌ها و حضور ده‌ها هزار نیروی خارجی در افغانستان، اوضاع این کشور نه تنها خوب نشده، بلکه روز به روز بدتر هم می‌شود.

دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر



ناصر کاوه

ضمائم: گزیده‌ای از اظهارات شاهدان عینی

منابع و ارجاعات علمی و خبری

- گزارش کمیسیون ۱۱ سپتامبر (The 9/11 Commission Report).
- گزارش‌های اداره ملی استاندارد و فناوری (NIST) در مورد فروپاشی برج‌های مرکز تجارت جهانی (NIST)
- (NCSTAR 1, 1A, etc).
- Jones, S., et al. (2006). "Active Thermitic Materials Discovered in Dust from the
- *Journal of 9/11 Studies*". World Trade Center Collapse
- Griffin, D. R. (2009). *The 9/11 Commission Report: Omissions and Distortions*. Griffin, D. R
- Interlink Publishing Group
- Chomsky, N. (2001). *Was America Attacked :9-11*. Seven Stories Press
- Pappas, P. (2004). *The Pentagon Bomb: Was It an Airplane*. Outskirts Press
- Greening, F. (2005). *The Fall of the Twin Towers: What Really Happened*. Amazon
- Books
- Ryan, A. (2001). *The 9/11 Investigations*. New York Times
- Bainbridge, J. (2004). *The Perfect Storm: Al-Qaeda, the F.B.I., and the Politics of*
- Conspiracy. Basic Books
- Rashid, A. (2000). *Taliban: Militant Islam, Oil and Fundamentalism in Central Asia*. Yale University Press
- Engineers for 9/11 Truth (various publications and reports) & Architects
- Project for the New American Century (PNAC) documents and publications
- Costs of War Project at Brown University

(این فهرست، شامل تعدادی از منابع کلیدی است که در نگارش این کتاب به آن‌ها استناد شده یا برای تحقیق بیشتر به آن‌ها اشاره می‌شود. برای بررسی جامع‌تر، مطالعه آثار پژوهشگران مستقل و گزارش‌های علمی و خبری متعدد در این زمینه ضروری است.)



گاه‌شمار رویدادهای اصلی

پیش‌زمینه تاریخی (دهه‌های قبل از ۲۰۰۱):

- ظهور جنبش‌های اسلامی و القاعده: منابع به نقش ایالات متحده در حمایت از مجاهدین افغان در دوران جنگ با شوروی اشاره می‌کنند که به رشد گروه‌هایی مانند القاعده کمک کرد.
- سیاست‌های خارجی ایالات متحده در خاورمیانه: حضور نظامی آمریکا در منطقه و حمایت از رژیم‌های خاص، نارضایتی‌هایی را در میان برخی گروه‌ها و ملت‌ها ایجاد کرده بود.
- شکل‌گیری روایت اولیه از حادثه: بلافاصله پس از وقوع حملات، رسانه‌ها و مقامات دولتی، مسئولیت را به القاعده و اسامه بن لادن نسبت دادند.

۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱:

- ۸:۴۶ صبح: اولین هواپیما (پرواز شماره ۱۱) به برج شمالی مرکز تجارت جهانی برخورد می‌کند.
- ۹:۰۳ صبح: دومین هواپیما (پرواز شماره ۱۷۵) به برج جنوبی مرکز تجارت جهانی برخورد می‌کند. این برخورد و تصاویر ثبت شده از آن مورد تردید قرار می‌گیرد و به عجیب بودن کیفیت و زاویه تصاویر اشاره می‌شود.
- ۹:۳۷ صبح: سومین هواپیما (پرواز شماره ۷۷) به ساختمان پنتاگون در واشنگتن برخورد می‌کند. ابهامات جدی در مورد اندازه سوراخ، فقدان بقایای هواپیما و سرعت برخورد مطرح می‌شود و فرضیه اصابت موشک کروز به جای هواپیما را تقویت می‌کند.
- ۹:۵۹ صبح: برج جنوبی مرکز تجارت جهانی فرو می‌ریزد (۵۶ دقیقه پس از برخورد). سرعت و تقارن فروریزش مورد تردید قرار می‌گیرد و با پدیده "تخریب کنترل‌شده" مقایسه می‌شود.
- ۱۰:۰۳ صبح: چهارمین هواپیما (پرواز شماره ۹۳) در شنکسویل، پنسیلوانیا سقوط می‌کند. روایت رسمی حاکی از مقاومت مسافران است، اما شواهد و گزارش‌های متناقض، احتمال سرنگونی هواپیما توسط نیروی هوایی را مطرح می‌کند.
- ۱۰:۲۸ صبح: برج شمالی مرکز تجارت جهانی فرو می‌ریزد (۱۰۲ دقیقه پس از برخورد). این فروریزش نیز مانند برج جنوبی، غیرعادی توصیف می‌شود.
- ۵:۲۰ عصر: ساختمان شماره ۷ مرکز تجارت جهانی (WTC 7) فرو می‌ریزد. این ساختمان با هیچ هواپیمایی برخورد نکرده و تنها دچار آتش‌سوزی‌های پراکنده شده بود. سرعت، تقارن و شواهد انفجارهای پیش از فروریزش، فرضیه تخریب کنترل‌شده را تقویت می‌کند.

پس از ۱۱ سپتامبر:

- چند هفته تا چند ماه قبل از ۱۱ سپتامبر: افزایش مشکوک معاملات استقراضی (Short Selling) بر روی سهام شرکت‌های مرتبط با برج‌های دوقلو و صنعت هواپیمایی.
- ۷ اکتبر ۲۰۰۱: ایالات متحده با آغاز "جنگ علیه تروریسم" به افغانستان حمله می‌کند.
- ۲۰۰۳: ایالات متحده به عراق حمله می‌کند.
- ۲۰۰۴: گزارش کمیسیون ۱۱ سپتامبر منتشر می‌شود و رویداد را حمله‌ای تروریستی توسط القاعده به سرکردگی اسامه بن لادن توصیف می‌کند. این گزارش به دلیل "حذف اطلاعات، تحریف شواهد و استفاده از منابع غیرقابل اتکا" مورد انتقاد قرار می‌گیرد.
- ۲۰۰۵: پنتاگون قصد خود را برای انتشار تصاویر برخورد هواپیما با ساختمان اصلی ستاد ارتش آمریکا اعلام می‌کند (در حالی که سایت‌های اینترنتی در سال ۲۰۰۴ تصاویر مستندی را منتشر کرده بودند).
- ۲۰۰۵: قانون میهن‌پرستی (Patriot Act) "در آمریکا تصویب می‌شود که اختیارات گسترده‌ای به دولت برای نظارت بر شهروندان می‌دهد.
- ۲۰۰۶: ژوئن: (روزنامه انگلیسی دیلی میل گزارش می‌دهد که ۷۵ استاد دانشگاه آمریکایی در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده‌اند که هواپیماهای مسافربری به تنهایی قادر به تخریب برج‌های مرکز تجارت جهانی نبوده‌اند.

- **۲۰۰۶) اکتبر:** (نظرسنجی انجام شده توسط هاوارد اسکرپیس در دانشگاه اوهایو نشان می‌دهد که "بیش از یک سوم جامعه آمریکا مطمئنند که مقامات رسمی دولت فدرال به تروریست‌ها کمک کرده یا این‌که برای متوقف کردن آن‌ها اقدامی انجام نداده‌اند".
- **۲۰۰۶:** استیون جونز و تیمش یافته‌های خود را مبنی بر کشف ذرات نانوترمیت در بقایای برج‌ها منتشر می‌کنند و اعلام می‌کنند که حرارت ناشی از سوخت هواپیما قادر به ایجاد انرژی لازم برای فروریختن ساختمان‌ها نبوده است.
- **۲۰۰۷) سپتامبر:** (مجله تایم گزارشی درباره مستند "تغییر بی‌قاعده (Loose Change)" منتشر می‌کند که آن را یکی از افشاگرانه‌ترین فیلم‌ها درباره ۱۱ سپتامبر می‌داند.
- **۲۰۰۷) مارس:** (مقاله "مکانیک فروپاشی پیش‌رونده: آموزش از مرکز تجارت جهانی و تخریب ساختمان‌ها" توسط بازنیت و وردور در "Journal of Engineering Mechanics ASCE" منتشر می‌شود که سناریوی فروپاشی پیش‌رونده سازه‌ای را مطرح می‌کند.
- **۲۰۰۹:** مقاله‌ای در مجله "Open Chemical Physics Journal" ادعا می‌کند که ترمیت در نمونه‌های آوار یافت شده است.
- **۲۰۰۹:** دیوید ری گریفین کتاب "گزارش کمیسیون ۱۱ سپتامبر: حذیات و تحریف‌ها" را منتشر می‌کند که در آن ۱۱۵ دلیل برای رد ادعای دولت آمریکا اقامه می‌کند.
- **۲۰۱۶: ۲۸:** صفحه محرمانه از گزارش کمیسیون ۱۱ سپتامبر منتشر می‌شود که به نقش احتمالی عربستان سعودی در حمایت مالی از ربایندگان اشاره دارد.

فهرست شخصیت‌ها

- **ناصر کاوه: (Nasser Kaveh)** نویسنده کتاب "دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر". او با تکیه بر تحقیقات مستقل و منابع جهانی، روایت رسمی حملات ۱۱ سپتامبر را به چالش می‌کشد و فرضیه "دروغ بزرگ" و توطئه مهندسی‌شده را مطرح می‌کند.
- **اسامه بن لادن:** رهبر القاعده که روایت رسمی ایالات متحده او را مسئول حملات ۱۱ سپتامبر معرفی می‌کند.
- **پروفسور استیون جونز: (Steven Jones)** فیزیکدان دانشگاه بریگام یانگ و یکی از محققان اصلی "گروه حقیقت‌یاب روشنفکران". او با تحقیقات علمی خود و کشف ذرات نانوترمیت در بقایای برج‌های دوقلو، روایت رسمی مبنی بر فروریزش صرفاً بر اثر آتش‌سوزی را رد می‌کند. او به دلیل این تحقیقات از دانشگاه اخراج شد.
- **تیری میسان: (Thierry Meyssan)** روزنامه‌نگار و محقق فرانسوی و نویسنده کتاب "دروغ بزرگ ۱۱ سپتامبر". او ادعا می‌کند که هواپیماهایی که به برج‌های دوقلو برخورد کردند اساساً مسافربری نبودند و حملات، یک عملیات با موشک‌های شلیک‌شده از سوی ارتش آمریکا بوده است.
- **ویلیام رودریگز: (William Rodriguez)** یکی از کارکنان مرکز تجارت جهانی که در زمان حادثه در ساختمان حضور داشته است. او شهادت می‌دهد که قبل از فروریزش برج‌ها، صدای انفجارهای متعددی را از طبقات پایین شنیده است، که این مشاهدات با روایت رسمی آتش‌سوزی و برخورد هواپیماها در تضاد است.
- **دیوید ری گریفین: (David Ray Griffin)** یکی از برجسته‌ترین و پرکارترین محققان مستقل در مورد حوادث ۱۱ سپتامبر و نویسنده کتاب "گزارش کمیسیون ۱۱ سپتامبر: حذیات و تحریف‌ها". او ۱۱۵ دلیل برای زیر سوال بردن روایت رسمی و دخالت احتمالی عوامل داخلی یا خارجی در این حادثه ارائه می‌دهد.
- **کورلی روه: (Corey Rowe)** یکی از سازندگان فیلم مستند "تغییر بی‌قاعده" که در زمان ساخت فیلم ۲۳ سال داشته است. او معتقد است که ۱۱ سپتامبر توطئه‌ای از سوی دولت آمریکاست و ارتش هیچ اقدامی برای توقف هواپیماها انجام نداده است.
- **سنتور ران جانسون: (Ron Johnson)** سناتوری که در سال ۲۰۲۵ پیشنهاد تحقیقات جدیدی در مورد ابهامات ۱۱ سپتامبر را داده است.

- **باب مک‌ایلون: (Bob McIlvaine)** یکی از خانواده‌های قربانیان که کتاب "سوالات بی‌پاسخ ۱۱ سپتامبر" را نوشته است و خواستار پاسخگویی در مورد ابهامات حادثه است.
- **دونالد رامسفلد: (Donald Rumsfeld)** وزیر دفاع وقت ایالات متحده. او در مصاحبه‌ای ناخواسته گفت که "هواپیما سرنگون شد" که اشاره به پرواز ۹۳ دارد، اما بعداً اظهارات خود را اصلاح کرد.
- **کوین رایان: (Kevin Ryan)** یکی از محققان که معتقد است معاملات مشکوک سهام پیش از ۱۱ سپتامبر، تصادفی نبوده و به شرکت‌های مرتبط با سیا همکاری داشته است.
- **ریچارد کلارک: (Richard Clarke)** مسئول وقت بخش ضدتروریستی کاخ سفید در دوران ریاست جمهوری بوش و کلینتون. او در کتاب خود "نگهبانانی که پارس نکردند" به بی‌توجهی مقامات آمریکایی به هشدارهای امنیتی پیش از حادثه اشاره می‌کند.
- **ژنرال وسلی کلارک: (Wesley Clark)** فرمانده سابق ناتو (بین سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۰) و ژنرال بازنشسته ارتش آمریکا. او در یک برنامه تلویزیونی در اروپا گفت که آمریکا در سال ۲۰۰۱ تصمیم گرفته بود به ۷ کشور حمله کند، از جمله عراق، سوریه و ایران.
- **جیمز فترز: (James Fetzer)** بنیان‌گذار گروه "پژوهشگران حقیقت‌یاب ۱۱ سپتامبر" و کارشناس مسائل آمریکا. او تأکید می‌کند که ۱۱ سپتامبر بزرگترین دروغ تاریخ معاصر دنیا است و توسط اسرائیل و نومحافظه‌کاران آمریکایی طراحی شده بود تا آمریکا را به خاورمیانه بکشاند.
- **مایک گراول: (Mike Gravel)** سناتور سابق آمریکا و نامزد انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۸. او از منتقدان گزارش رسمی ۱۱ سپتامبر است و معتقد است که دولت آمریکا ابهامات زیادی را در این حادثه پنهان کرده است.
- **جورج دابلیو بوش: (George W. Bush)** رئیس جمهور وقت ایالات متحده در زمان حملات ۱۱ سپتامبر. روایت‌ها به تصمیمات او برای آغاز "جنگ علیه تروریسم" و حملات به افغانستان و عراق اشاره دارد.
- **رودولف جولیان: (Rudolph Giuliani)** شهردار وقت نیویورک. گزارش‌ها به اظهارات او مبنی بر پیش‌بینی شده بودن ویرانی مرکز تجارت جهانی اشاره دارد.
- **رابرت بازانت (Robert Bazant) و متیو وردور: (Mathieu Verdure)** اساتید و مهندسانی که نظریه "Pancake Theory" (فروپاشی طبقه‌ای) را برای فروریزش برج‌ها مطرح کردند.
- **تینا هد / (Tania Head) آلیسیا استیو هد: (Alicia Esteve Head)** فردی که به دروغ خود را یکی از بازماندگان حادثه ۱۱ سپتامبر معرفی کرد و داستان‌های دراماتیکی از تجربه خود تعریف نمود. در نهایت فاش شد که او در زمان حادثه در نیویورک یا آمریکا حضور نداشته است.
- **آنجلو گوگلیلمو: (Angelo Guglielmo)** فیلمساز آمریکایی که مستندی درباره بازماندگان ۱۱ سپتامبر می‌ساخت و در نهایت با تناقضات داستان "تانیآ هد" مواجه شد و مستندی با عنوان "زنی که آنجا نبود" درباره او ساخت.
- **جان اف. لیمن: (John F. Lehman)** عضو سابق کمیسیون ۱۱ سپتامبر که در گزارشی از دخالت مستقیم وزارت شئون اسلامی عربستان سعودی در حادثه سخن گفته است.
- **سید آقا موسوی:** مولف مقاله "یازده سپتامبر: تراژیک سناریوی یا تروریستی اقدام؟" که نظریات جایگزین در مورد ۱۱ سپتامبر را بررسی می‌کند و بر مسئولیت دولت آمریکا تأکید دارد.
- **زکریا موسوی: (Zacarias Moussaoui)** تنها متهم دستگیر شده در ارتباط با حملات ۱۱ سپتامبر که به همکاری با شبکه القاعده اعتراف کرد.
- **محمد خاتمی:** رئیس جمهور وقت ایران که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر پیام همدردی با مردم آمریکا ارسال کرد و این حملات تروریستی را محکوم نمود.
- **محمود احمدی نژاد:** رئیس جمهور سابق ایران که پس از دوران اصلاحات، موضع جدیدی در قبال ۱۱ سپتامبر اتخاذ کرد و این رویداد را "دروغ بزرگ" نامید.

دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر

THE **BIG LIE** CALLED
SEPTEMBER 11

Naser Kaveh

راهنمای مطالعه جامع: دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر

این راهنمای مطالعه برای مرور عمیق و ارزیابی درک شما از کتاب "دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر" نوشته ناصر کاوه طراحی شده است. هدف، بررسی جنبه‌های کلیدی روایت جایگزین از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و تقویت تفکر انتقادی شما در مورد این رویداد است.

بخش اول: خلاصه موضوعی و نکات کلیدی

این بخش، مروری بر موضوعات اصلی مورد بحث در کتاب و استدلال‌های محوری آن ارائه می‌دهد.

۱. نقد روایت رسمی ۱۱ سپتامبر:

- ادعای محوری: حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نه یک حمله تروریستی ساده توسط القاعده، بلکه یک "دروغ بزرگ" و عملیاتی مهندسی‌شده با اهداف سیاسی، اقتصادی و نظامی بوده است.
- نقطه عطف تاریخی: این رویداد، جهان را به دو دوره "قبل و بعد از ۱۱ سپتامبر" تقسیم کرد و بهانه‌ای برای آغاز "جنگ علیه تروریسم" و اشغال کشورهایمانند افغانستان و عراق شد.

۲. تناقضات فنی و مهندسی در فروپاشی ساختمان‌ها:

- برج‌های دوقلو (WTC 1 & 2): فروپاشی عمودی و متقارن با سرعتی نزدیک به سقوط آزاد، شبیه به "تخریب کنترل‌شده" و ناسازگار با آتش‌سوزی ناشی از سوخت هواپیما.
- ساختمان WTC 7: فروپاشی بدون برخورد هواپیما و تنها در اثر آتش‌سوزی‌های محدود، که از نظر مهندسی سازه غیرقابل توجیه دانسته می‌شود.
- شواهد نانوترمیت: کشف ذرات نانوترمیت (ماده منفجره‌ای با قابلیت ذوب فولاد در دمای بسیار بالا) در غبار برج‌ها، به عنوان شواهدی دال بر استفاده از مواد منفجره داخلی.

۳. ابهامات پیرامون حملات:

- کیفیت پایین تصاویر: فقدان تصاویر واضح و جامع از لحظه برخورد هواپیماها به برج‌ها و پنتاگون، و تردید در مورد زمان‌بندی و اصالت برخی ویدئوها.
- هویت هواپیماها: ابهامات در مورد مدل دقیق، مسیر پرواز، و حتی هویت کامل هواپیماهای ادعایی، و احتمال استفاده از پهپادها یا هواپیماهای کنترل از راه دور.
- حمله به پنتاگون: اندازه کوچک سوراخ ایجاد شده، فقدان بقایای قابل توجه هواپیما (بوئینگ ۷۵۷)، و شواهدی که احتمال اصابت موشک کروز را مطرح می‌کند.
- پرواز ۹۳: تناقضات در مورد زمان و مکان سقوط، بقایای پراکنده هواپیما، و گزارش شاهدان عینی از شنیدن صدای انفجار قبل از سقوط که فرضیه سرنگونی را تقویت می‌کند.

۴. جنبه‌های اقتصادی و سیاسی:

- معاملات مشکوک بورس: افزایش چشمگیر معاملات استقراضی (Short Selling) بر روی سهام شرکت‌های مرتبط با برج‌ها و صنعت هواپیمایی، پیش از ۱۱ سپتامبر، که نشان‌دهنده اطلاع قبلی از حادثه است.
- نقش دولت‌های داخلی و خارجی: فرضیه‌هایی مبنی بر اطلاع قبلی دولت آمریکا، نقش عملیات "پرچم دروغین" (False Flag Operation) و دخالت احتمالی سرویس‌های اطلاعاتی خارجی.
- پیامدهای جهانی: آغاز جنگ در افغانستان و عراق، گسترش ناتو، افزایش بودجه نظامی، نقض حقوق بشر تحت عنوان "جنگ علیه ترور"، و ظهور گروه‌های تروریستی جدید (مانند داعش).

۵. اهمیت تحقیق مستقل و تفکر انتقادی:

- نقد گزارش کمیسیون ۱۱ سپتامبر: این گزارش به دلیل حذف شواهد، تحریف اطلاعات و عدم پوشش جامع، مورد انتقاد شدید قرار گرفته است.
- مسئولیت شهروندان: تأکید بر لزوم پرسشگری، جستجوی فعالانه حقیقت، مقایسه منابع مختلف، و تحلیل انتقادی اطلاعات برای جلوگیری از تکرار سناریوهای مشابه.



بخش دوم: آزمون درک مطلب (۱۰ سوال کوتاه پاسخ)

“لطفاً به هر سوال در ۲ تا ۳ جمله پاسخ دهید”

1. بر اساس روایت جایگزین، چرا فروپاشی برج‌های دوقلو در ۱۱ سپتامبر مشکوک به نظر می‌رسد و با آتش‌سوزی عادی قابل توجیه نیست؟
2. کشف ذرات نانوترمیت در بقایای برج‌ها چه اهمیتی دارد و چه فرضیه‌ای را تقویت می‌کند؟
3. چه عواملی باعث ایجاد تردید در مورد روایت رسمی حمله به پنتاگون شده است؟ حداقل دو مورد را ذکر کنید
4. فروپاشی ساختمان WTC 7 چه ویژگی خاصی داشت که آن را از برج‌های دوقلو نیز مشکوک‌تر جلوه می‌دهد؟
5. چرا نویسنده به عدم وجود تصاویر واضح و جامع از لحظه برخورد هواپیماها به برج‌ها مشکوک است؟
6. معاملات مشکوک در بازار بورس پیش از ۱۱ سپتامبر چه مفهومی داشت و به کدام فرضیه اشاره می‌کند؟
7. نظریه "جنگ داخلی پنهان" که توسط برخی طرفداران دیوید ری گریفین مطرح شده، به چه معناست و چه ارتباطی با ۱۱ سپتامبر دارد؟
8. جنگ علیه تروریسم، که پس از ۱۱ سپتامبر آغاز شد، چه پیامدهای متناقضی به همراه داشت که روایت رسمی را زیر سوال می‌برد؟
9. دیوید ری گریفین، یکی از محققان برجسته، چه انتقاداتی به گزارش کمیسیون ۱۱ سپتامبر وارد می‌کند؟
10. چرا نویسنده بر اهمیت "تحقیق مستقل" در مورد حوادث ۱۱ سپتامبر تأکید دارد؟

بخش سوم: پاسخنامه آزمون درک مطلب

۱. بر اساس روایت جایگزین، چرا فروپاشی برج‌های دوقلو در ۱۱ سپتامبر مشکوک به نظر می‌رسد و با آتش‌سوزی عادی قابل توجیه نیست؟ *فروپاشی برج‌ها به صورت کاملاً عمودی و متقارن، با سرعتی نزدیک به سقوط آزاد رخ داد که شبیه تخریب کنترل‌شده با مواد منفجره است. مهندسان سازه معتقدند آتش‌سوزی ناشی از سوخت هواپیما، نمی‌تواند دمای کافی برای ذوب فولاد و فروپاشی کامل و سریع این سازه‌های عظیم را ایجاد کند.
۲. کشف ذرات نانوترمیت در بقایای برج‌ها چه اهمیتی دارد و چه فرضیه‌ای را تقویت می‌کند؟ *نانوترمیت یک ماده منفجره پیشرفته است که قادر به ذوب فولاد در دماهای بسیار بالا می‌باشد. کشف آن در غبار برج‌ها، فرضیه استفاده از مواد منفجره داخلی برای تخریب ساختمان‌ها را تقویت می‌کند و نشان می‌دهد فروپاشی ممکن است یک عملیات از پیش طراحی شده باشد، نه نتیجه تصادفی برخورد و آتش‌سوزی.
۳. چه عواملی باعث ایجاد تردید در مورد روایت رسمی حمله به پنتاگون شده است؟ حداقل دو مورد را ذکر کنید * .اندازه سوراخ ایجاد شده در ساختمان پنتاگون (۱۸ فوت)، با ابعاد یک هواپیمای بوبینگ ۷۵۷ (عرض بال ۳۸ متر) که ادعا می‌شود

به طور کامل در ساختمان فرو رفته، سازگار نیست. همچنین، فقدان بقایای قابل توجه هواپیما (بال‌ها، موتور‌ها، یا چرخ‌ها) در محل برخورد، برخلاف انتظار است و شواهدی به نفع اصابت موشک کروز وجود دارد.

۴. **فروپاشی ساختمان WTC 7 چه ویژگی خاصی داشت که آن را از برج‌های دوقلو نیز مشکوک‌تر جلوه می‌دهد؟ ***
ساختمان WTC 7، بدون اینکه با هیچ هواپیمایی برخورد کند و تنها در اثر آتش‌سوزی‌های محدود، به صورت عمودی، متقارن و با سرعتی نزدیک به سقوط آزاد فرو ریخت. این نوع فروپاشی در یک آسمان‌خراش فولادی، از نظر مهندسی سازه، بدون استفاده از مواد منفجره، غیرقابل توضیح است.

۵. **چرا نویسنده (ناصرکاوه) به عدم وجود تصاویر واضح و جامع از لحظه برخورد هواپیماها به برج‌ها مشکوک است؟ ***
با توجه به ماهیت برجسته برج‌های دوقلو، حضور گسترده عکاسان و خبرنگاران در نیویورک، و وجود دوربین‌های مدار بسته، انتظار می‌رفت تصاویر متعدد و با کیفیتی از زوایای مختلف موجود باشد. فقدان چنین تصاویری، و کیفیت پایین یا زاویه دید محدود تصاویر موجود، سوالاتی را در مورد چگونگی ثبت وقایع و احتمال دستکاری ایجاد می‌کند.

۶. **معاملات مشکوک در بازار بورس پیش از ۱۱ سپتامبر چه مفهومی داشت و به کدام فرضیه اشاره می‌کند؟ ***
ناگهانی و چشمگیر معاملات استقراضی (Short Selling) بر روی سهام شرکت‌های هواپیمایی و شرکت‌های مرتبط با برج‌ها، به معنای شرط‌بندی بر کاهش ارزش سهام آن‌ها بود. این پدیده به طور بالقوه نشان‌دهنده اطلاع قبلی از وقوع حادثه و ضرر قریب‌الوقوع این شرکت‌هاست، که فرضیه وجود عوامل داخلی مطلع از حملات را تقویت می‌کند.

۷. **نظریه "جنگ داخلی پنهان" که توسط برخی طرفداران دیوید ری گریفین مطرح شده، به چه معناست و چه ارتباطی با ۱۱ سپتامبر دارد؟ ***
این نظریه بیان می‌کند که گروه‌هایی در داخل دولت آمریکا، از حوادث ۱۱ سپتامبر برای پیشبرد اهداف پنهان خود استفاده کرده‌اند. این نظریه به ابعاد پیچیده‌تری از حادثه اشاره دارد که فراتر از یک حمله تروریستی ساده است و نشان‌دهنده یک طراحی استراتژیک از سوی بازیگران قدرتمند داخلی می‌باشد.

۸. **جنگ علیه تروریسم، که پس از ۱۱ سپتامبر آغاز شد، چه پیامدهای متناقضی به همراه داشت که روایت رسمی را زیر سوال می‌برد؟ ***
این جنگ‌ها که به نام مبارزه با تروریسم آغاز شدند، در عمل منجر به بی‌ثباتی بیشتر، تلفات انسانی عظیم، گسترش تروریسم در مقیاس وسیع (مانند ظهور داعش)، و نقض حقوق بشر شدند. این چرخه معیوب نشان می‌دهد که یا استراتژی نادرست بوده یا اهداف پنهانی در کار بوده که روایت رسمی را به چالش می‌کشد.

۹. **دیوید ری گریفین، یکی از محققان برجسته، چه انتقاداتی به گزارش کمیسیون ۱۱ سپتامبر وارد می‌کند؟ ***
گریفین معتقد است که گزارش کمیسیون ۱۱ سپتامبر، به دلیل حذف عمدی اطلاعات، تحریف شواهد، استفاده از منابع غیرقابل اتکا، و عدم پوشش جامع جنبه‌های مهم حادثه (مانند معاملات مشکوک بورس و فقدان دفاع هوایی)، ناقص و جانبدارانه است و حقیقت را پنهان می‌کند.

۱۰. **چرا نویسنده بر اهمیت "تحقیق مستقل" در مورد حوادث ۱۱ سپتامبر تأکید دارد؟ ***
نویسنده تأکید می‌کند که در عصر اطلاعات و تبلیغات رسانه‌ای، تحقیق مستقل (جستجوی فعالانه شواهد، مقایسه منابع مختلف، و تحلیل انتقادی اطلاعات) برای تشخیص حقیقت از دروغ ضروری است. حادثه ۱۱ سپتامبر نمونه بارزی از لزوم این تحقیق مستقل برای جلوگیری از تکرار سناریوهای مشابه و ایجاد جهانی آگاه‌تر است.

بخش چهارم: سوالات تشریحی (انشایی)

لطفاً به این سوالات به صورت انشایی و با جزئیات کامل پاسخ دهید (پاسخ‌ها ارائه نمی‌شوند).

1. 1. چگونه شواهد مهندسی و علمی (مانند فروپاشی WTC 1, 2, 7 و کشف نانوترمیت (روایت رسمی ۱۱ سپتامبر را به چالش می‌کشند؟ تحلیل کنید که چگونه این شواهد می‌توانند به فرضیه "تخریب کنترل‌شده" اعتبار بخشند.

• 1. پیامدهای ژئوپلیتیکی و حقوق بشری "جنگ علیه تروریسم" که پس از ۱۱ سپتامبر آغاز شد، چگونه با اهداف اعلام شده این جنگ در تناقض قرار گرفت؟ نقش این پیامدها در زیر سوال بردن روایت رسمی را بررسی کنید.

• 1. نقش رسانه‌ها در شکل‌دهی به افکار عمومی پس از ۱۱ سپتامبر، به ویژه در انتشار روایت رسمی و نادیده‌گرفتن تناقضات، چگونه بوده است؟ تحلیل کنید که چرا نویسندگان بر اهمیت "تحقیق مستقل" در برابر "روایت‌های تحمیلی" تأکید دارد.

• 1. ابهامات پیرامون حملات به پنتاگون و سرنوشت پرواز ۹۳، چه نقاط مشترکی دارند و چگونه هر یک به طور جداگانه، فرضیه یک عملیات پیچیده‌تر و از پیش طراحی‌شده را تقویت می‌کنند؟

• 1. با توجه به تمامی تناقضات و شواهد مطرح شده در کتاب، "دروغ بزرگ" در ۱۱ سپتامبر دقیقاً به چه معناست؟ تحلیل کنید که چگونه این "دروغ" توانست به اهداف سیاسی، اقتصادی و نظامی خاصی جامه عمل بپوشاند.

کے لئے جہاد

**WHY
DEATH TO
AMERICA**

ناصر کاوہ

بخش پنجم: واژه‌نامه کلیدی

این واژه‌نامه شامل اصطلاحات مهمی است که در مطالب منبع به آن‌ها اشاره شده است.

- **۱۱ سپتامبر: (September 11)** رویدادهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در ایالات متحده، شامل حملات به برج‌های دوقلو در نیویورک، پنتاگون و سقوط پرواز ۹۳ در پنسیلوانیا.
- **القاعده: (Al-Qaeda)** گروه تروریستی که روایت رسمی، مسئولیت حملات ۱۱ سپتامبر را به رهبری اسامه بن لادن به آن نسبت می‌دهد.
- **اسامه بن لادن: (Osama bin Laden)** رهبر القاعده که در روایت رسمی به عنوان عامل اصلی حملات ۱۱ سپتامبر معرفی شد.
- **برج‌های دوقلو: (Twin Towers - WTC 1 & 2)** دو ساختمان اصلی مرکز تجارت جهانی در نیویورک که در ۱۱ سپتامبر مورد حمله قرار گرفته و فرو ریختند.
- **WTC 7 ساختمان شماره ۷ مرکز تجارت جهانی: (ساختمان ۴۷ طبقه‌ای در مجاورت برج‌های دوقلو که در بعدازظهر ۱۱ سپتامبر، بدون برخورد هواپیما، فرو ریخت.**
- **پنتاگون: (Pentagon)** مقر وزارت دفاع ایالات متحده در واشنگتن که در ۱۱ سپتامبر مورد حمله قرار گرفت.
- **پرواز شماره ۹۳: (Flight 93)** یکی از چهار هواپیمای ربوده‌شده در ۱۱ سپتامبر که در پنسیلوانیا سقوط کرد.
- **نانوترمیت: (Nano-thermite)** یک ماده منفجره پیشرفته که ترکیبی از اکسید آهن و آلومینیوم در مقیاس نانو است و قادر به ذوب فولاد در دماهای بسیار بالا می‌باشد. کشف آن در بقایای برج‌ها، از دلایل مهم فرضیه تخریب کنترل‌شده است.
- **تخریب کنترل‌شده: (Controlled Demolition)** فرآیند تخریب ساختمان‌ها با استفاده از مواد منفجره به صورت از پیش طراحی‌شده، که برخی محققان فروپاشی برج‌های دوقلو و WTC 7 را به آن تشبیه می‌کنند.
- **پانکیکنگ: (Pancaking)** نظریه فروپاشی طبقاتی که در روایت رسمی برای توجیه فروپاشی برج‌ها ارائه شد؛ به معنای فرو ریختن طبقات روی هم.
- **معاملات استقراضی: (Short Selling)** نوعی معامله در بازار بورس که در آن سرمایه‌گذار با پیش‌بینی کاهش قیمت یک سهم، آن را قرض گرفته و می‌فروشد و سپس با قیمت پایین‌تر بازخرد می‌کند تا سود کسب کند. معاملات مشکوک این‌گونه پیش از ۱۱ سپتامبر مورد اشاره قرار گرفته‌اند.
- **عملیات پرچم دروغین: (False Flag Operation)** عملیاتی پنهانی که توسط یک عامل (مانند دولت) طراحی و اجرا می‌شود اما مسئولیت آن به دروغ به گردن عامل دیگری انداخته می‌شود تا به اهداف سیاسی خاصی دست یابد.
- **جنگ علیه تروریسم: (War on Terror)** عنوانی که دولت آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر برای توجیه مداخلات نظامی خود در سراسر جهان (به ویژه افغانستان و عراق) به کار برد.
- **قانون میهن‌پرستی: (Patriot Act)** قانونی که پس از ۱۱ سپتامبر در آمریکا تصویب شد و اختیارات وسیعی در زمینه نظارت و کنترل شهروندان به دولت داد.
- **دیوید ری گریفین: (David Ray Griffin)** یکی از برجسته‌ترین محققان مستقل در مورد ۱۱ سپتامبر که با تألیف کتاب "The 9/11 Commission Report: Omissions and Distortions" (۱۱۵ دلیل برای شک) به نقد روایت رسمی پرداخت.
- **تیری میسان: (Thierry Meyssan)** روزنامه‌نگار و محقق فرانسوی که با کتاب "دروغ بزرگ" به بررسی فرضیه‌های جایگزین در مورد ۱۱ سپتامبر پرداخت.
- **استیون جونز: (Steven Jones)** پروفسور فیزیک که در تحقیقات خود به کشف نانوترمیت در بقایای برج‌ها اشاره کرد.
- **کمیسیون ۱۱ سپتامبر: (9/11 Commission)** نهاد رسمی دولتی ایالات متحده که وظیفه تحقیق و ارائه گزارش نهایی در مورد حملات ۱۱ سپتامبر را بر عهده داشت.
- **NIST (National Institute of Standards and Technology):** اداره ملی استاندارد و فناوری ایالات متحده که گزارش‌های رسمی در مورد فروپاشی ساختمان‌های مرکز تجارت جهانی ارائه داد.
- **هژمونی: (Hegemony)** تسلط یا برتری یک کشور یا گروه بر دیگران.
- **ژئوپلیتیک: (Geopolitics)** مطالعه تأثیر جغرافیا بر سیاست و روابط بین‌الملل.
- **سرویس‌های اطلاعاتی: (Intelligence Services)** سازمان‌های دولتی مسئول جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات برای امنیت ملی.

امیدوارم این راهنمای مطالعه جامع و مفید باشد و به شما در مرور مطالب کمک کند!



THE BIG LIE CALLED CALLED SEPTEMBER 11

دروغی بزرگ به نام اسپتامبر

NASER KAVEH

اسناد محرمانه ۱۱ سپتامبر

نگاهی عمیق به روایت ناصر کاوه

اسناد و بریده‌های ارائه شده، بخشی از کتاب "دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر" نوشته ناصر کاوه است که به نقد و بررسی روایت رسمی حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ می‌پردازد. این کتاب، که در سال ۲۰۲۵ منتشر شده (یا ویرایش گسترش یافته آن) ادعا می‌کند که حادثه ۱۱ سپتامبر نه یک حمله تروریستی ساده، بلکه یک "دروغ بزرگ" و عملیات مهندسی شده با اهداف سیاسی، اقتصادی و نظامی بوده است. این سند بر پایه‌ی تحقیقات مستقل، شواهد علمی، اظهارات شاهدان عینی و تحلیل‌های منتقدان روایت رسمی استوار است و خوانندگان را به تفکر انتقادی و جستجوی حقیقت دعوت می‌کند.

۱. نقد روایت رسمی و ابهامات بنیادین

کاوه و منابع ارجاعی او، روایت رسمی ۱۱ سپتامبر را به شدت مورد تردید قرار می‌دهند. دعوتنامه جهانی برای خواندن کتاب، این موضوع را صراحتاً بیان می‌کند: "امروز، شما دعوت شده‌اید پرده‌ای را کنار بزنید و روایت رسمی ۱۱ سپتامبر را به نقد بکشید." (منبع ۱). این روایت، که القاعده به رهبری اسامه بن لادن را مسئول حمله معرفی می‌کند، با سوالات بی‌پاسخ و تناقضات آشکار زیادی همراه است:

- **تصاویر مشکوک:** بسیاری از تصاویر و فیلم‌های لحظه برخورد هواپیماها به برج‌های دوقلو کیفیت پایینی دارند، زاویه دید مناسبی ارائه نمی‌دهند، یا به طور عجیبی در زمان و مکان نامناسبی گرفته شده‌اند (منبع ۲). این موضوع "شک و تردیدهایی را در مورد چگونگی ثبت این وقایع و وجود احتمالی دستکاری در تصاویر ایجاد کرده است." (منبع ۲).
- **عدم پیگیری جدی:** علی‌رغم فراوانی مدارک درباره ساختگی بودن حادثه، "سنگین حجم تبلیغات رسانه‌ای هنوز مانع از کنار رفتن پرده‌های نیرنگ بر این سناریوی بی‌سابقه امنیتی شده است." (منبع ۴).
- **انگیزه‌های پنهان:** ناصر کاوه و محققان دیگر معتقدند این حادثه "بهانه‌ای شد برای جنگ‌ها، اشغال‌ها، و تغییر مسیر سیاسی ملت‌ها" و در واقع، ابزاری برای "توجیه جنگ در افغانستان و عراق، و همچنین گسترش نفوذ آمریکا در منطقه" بوده است (منبع ۱، ۴، ۹، ۱۱ و ۱۳). ژنرال وسلی کلارک، فرمانده سابق ناتو، اذعان می‌کند که آمریکا از سال ۲۰۰۱ تصمیم گرفته بود به ۷ کشور در ۵ سال حمله کند که عراق و لیبی در ابتدا و ایران و سوریه در انتها قرار داشتند (منبع ۲۰).

۲. فروپاشی غیرعادی ساختمان‌ها

یکی از قوی‌ترین دلایل مطرح‌شده برای رد روایت رسمی، نحوه فروپاشی برج‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی (WTC 1) و (WTC 2) و ساختمان WTC 7 است.

- **سرعت و تقارن فروپاشی:** برج‌های دوقلو "به صورت کاملاً عمودی و با سرعتی بسیار زیاد، به درون خود فرو ریختند" (منبع ۳). سرعت فروپاشی "بسیار نزدیک به سرعت سقوط آزاد" بود (منبع ۳). این نوع فروپاشی با مدل‌های "فروپاشی طبقه‌ای (Pancaking)" و "آتش‌سوزی" که توسط روایت رسمی ارائه شده، "در تناقض است" (منبع ۳). ناصر کاوه به نقل از پروفیسور استیون جونز، فیزیکدان دانشگاه بیرمنگام، می‌گوید: "نداشت امکان دو قلو برج‌های با برخورد دو هواپیمای مسافربری به شکلی که دیدید فرو بریزد... سوختن سوخت هواپیماهای جت، دمای کافی برای ذوب کردن فولاد را تامین نمی‌کند و دود سفیدی که در اطراف این برج‌ها دیده شد، از نشانه‌های انفجارهای کنترل شده برای فرو ریختن آنهاست." (منبع ۱، ۲۰). کارگران و شاهدان عینی نیز "شنیده شدن صداهایی شبیه انفجار" را قبل و حین فروپاشی گزارش کرده‌اند. ویلیام رودریگز، یکی از خدمه برج‌های دوقلو، می‌گوید: "من صدای انفجارها را شنیدم... به نظر نمی‌رسید که این به طور طبیعی اتفاق افتاده باشد، بلکه شبیه یک عملیات تخریب مهندسی شده بود که از پیش طراحی شده بود تا به آن ترتیب پایان ببیند." (منبع ۱، ۲۰).

- **کشف نانوترمیت:** گروهی از دانشمندان، از جمله پروفیسور استیون جونز، "شواهدی مبنی بر وجود نانو ترمیت و ترکیبات آن در نمونه‌های گرد و غبار جمع‌آوری شده از محل برج‌های دوقلو ارائه دادند" (منبع ۴). نانوترمیت یک ماده منفجره پیشرفته است که در دمای بیش از ۲۵۰۰ درجه سانتیگراد فعال شده و قادر به ذوب کردن فولاد است (منبع ۴). این یافته "یکی از قوی‌ترین شواهد علمی علیه روایت رسمی" محسوب می‌شود (منبع ۴). گزارش NIST این یافته‌ها را رد می‌کند، اما منتقدان این توضیحات را "غیرقابل قانع‌کننده" می‌دانند (منبع ۴).
- **فروپاشی WTC 7:** ساختمان شماره ۷ مرکز تجارت جهانی، "بدون برخورد هیچ هواپیمایی" و تنها در اثر "آتش‌سوزی‌های پراکنده" در همان روز به طرز مشکوکی فرو ریخت (منبع ۵). این ساختمان ۴۷ طبقه، که مقرهای مهمی مانند CIA و وزارت دفاع آمریکا در آن قرار داشت، "به صورت کاملاً متقارن و عمودی، با سرعتی نزدیک به سقوط آزاد فرو ریخت" (منبع ۵). شبکه‌های CNN و BBC حتی "۱۲ دقیقه پیش از فرو ریختن" این ساختمان، خبر آن را اعلام کرده بودند (منبع ۱، ۲۰). تحلیلگران این فروپاشی را "به شدت شبیه به تخریب کنترل شده با استفاده از مواد منفجره" می‌دانند (منبع ۵).

۳. هویت و ماهیت هواپیماها و حملات به پنتاگون و پرواز ۹۳

کاوه و دیگر محققان به ابهامات جدی درباره هویت هواپیماها و جزئیات حملات به پنتاگون و پرواز ۹۳ اشاره می‌کنند:

- **پنتاگون:** سوراخ ایجاد شده در دیوار پنتاگون (حدود ۱۸ فوت عرض) با ابعاد یک هواپیمای بوئینگ ۷۵۷ (با عرض ۳۸ متر) "سازگار نیست" (منبع ۷). همچنین، "فقدان بقایای قابل توجه هواپیما" (بال‌ها، موتورهای، یا چرخ‌ها) در محل برخورد، شبیه به آن چیزی نیست که از یک هواپیمای غول‌پیکر انتظار می‌رود (منبع ۷). بسیاری از شاهدان عینی "صدای مهیبی شبیه به صدای موشک" شنیده‌اند، نه هواپیما (منبع ۷). این شواهد فرضیه اصابت "موشک کروزر" را تقویت می‌کند (منبع ۷). برخی محققین مانند تیری میسان در کتاب "دروغ بزرگ" ادعا می‌کنند که هواپیماهایی که به برج‌های دوقلو برخورد کردند، اساساً مسافربری نبودند و "تصاویری مستند و مفصل نشان داده که هواپیما با شلیک موشک شکافی در بدنه برج ایجاد کرده تا بتواند از شبکه آهن و فولاد و بتن به درون آن رخنه کند." (منبع ۱، ۲۰).
- **پرواز ۹۳:** در مورد پرواز ۹۳، که روایت رسمی آن را به دلیل مقاومت مسافران و خدمه در پنسیلوانیا سقوط کرده معرفی می‌کند، ابهاماتی وجود دارد. "قطعات هواپیما تا ۱۳ کیلومتر دورتر" از محل سقوط یافت شده‌اند (منبع ۸). "برخی شاهدان از شنیدن صدای دو انفجار، یکی قبل از برخورد و دیگری پس از آن، خبر داده‌اند" (منبع ۸). این موضوع "می‌تواند نشان‌دهنده سرنگونی هواپیما توسط نیروی خارجی، قبل از سقوط نهایی باشد." (منبع ۸). دونالد رامسفلد، وزیر دفاع وقت آمریکا، نیز در مصاحبه‌ای ناخواسته گفته بود "هواپیما سرنگون شد" که بعداً آن را تصحیح کرد (منبع ۸).

۴. معاملات مشکوک بورسی و آگاهی قبلی

- **افزایش معاملات استقراضی:** در روزهای پیش از ۱۱ سپتامبر، "حجم عظیمی از معاملات استقراضی (Short Selling) بر روی سهام شرکت‌های مرتبط با برج‌های دوقلو و صنعت هواپیمایی" به طور ناگهانی افزایش یافت (منبع ۹). این معاملات، که به معنای شرط‌بندی بر کاهش ارزش سهام در آینده است، "به طور بالقوه نشان‌دهنده اطلاع قبلی از وقوع حادثه و ضرر قریب‌الوقوع این شرکت‌ها است." (منبع ۹).
- **عدم پیگیری کمیسیون:** ۱۱ سپتامبر به این معاملات مشکوک اشاره کرد، اما "تحقیقات جامعی در این زمینه انجام نداد و ارتباط مستقیمی بین این معاملات و عاملان حادثه برقرار نکرد." (منبع ۹). این موضوع این گمانه را تقویت می‌کند که "افرادی در داخل یا خارج از دولت آمریکا، از وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر مطلع بوده‌اند و از این اطلاعات برای کسب سود مالی استفاده کرده‌اند." (منبع ۹).

۵. نقش احتمالی دولت‌های داخلی و خارجی

کاوه و منابع دیگر، به طور جدی به احتمال دخالت یا آگاهی قبلی دولت آمریکا و دیگر دولت‌ها اشاره می‌کنند:

- **اطلاع قبلی دولت آمریکا:** شواهدی مبنی بر "عدم آمادگی دفاع هوایی، نادیده گرفتن هشدارهای اطلاعاتی" و "عدم واکنش مناسب به پروازهای ربوده شده" این گمانه را مطرح کرده که "ممکن است دولت آمریکا از وقوع حادثه مطلع بوده یا حداقل، آمادگی لازم برای جلوگیری از آن را نداشته است." (منبع ۱۲).
- **عملیات "پرچم دروغین":** برخی نظریه‌پردازان، ۱۱ سپتامبر را یک "عملیات پرچم دروغین" می‌دانند؛ یعنی "این حادثه توسط دولت یا گروهی قدرتمند، به گونه‌ای برنامه‌ریزی شده است که مسئولیت آن به گردن گروهی دیگر (مانند تروریست‌های القاعده) انداخته شود تا اهداف سیاسی خاصی محقق شود." (منبع ۱۲).
- **نقش سرویس‌های اطلاعاتی خارجی:** برخی شواهد و تحلیل‌ها، به ارتباط با اطلاع احتمالی سرویس‌های اطلاعاتی خارجی، مانند موساد اسرائیل یا اطلاعات عربستان سعودی، از حوادث پیش رو اشاره دارند. " (منبع ۱۲). تیری میسان در کتاب خود ادعا می‌کند که "حادثه ۱۱ سپتامبر زیر سر اسرائیل بود... نتانیاهو پیش‌بینی کرده بود که سقوط شوری فرصت تاریخی برای نو محافظه‌کاران آمریکا فراهم خواهد کرد تا یک امپراتوری آمریکایی جهانی ایجاد کنند." (منبع ۴۹).
- **عدم شفافیت و پاسخگویی:** بسیاری از اسناد و اطلاعات مربوط به حادثه ۱۱ سپتامبر "همچنان طبقه‌بندی شده و در دسترس عموم قرار نگرفته‌اند، که این خود نشانه پنهان‌کاری احتمالی است." (منبع ۱۲).

۶. پیامدهای جهانی و "جنگ علیه تروریسم"

حوادث ۱۱ سپتامبر بهانه‌ای برای آغاز "جنگ علیه تروریسم" شد که پیامدهای عمیق و گسترده‌ای برای جهان داشت:

- **جنگ در افغانستان و عراق:** بلافاصله پس از ۱۱ سپتامبر، آمریکا به بهانه سرنگونی طالبان و نابودی القاعده، حملات نظامی خود را به افغانستان آغاز کرد. در سال ۲۰۰۳ نیز با ادعای وجود سلاح‌های کشتار جمعی در عراق به این کشور حمله کرد (منبع ۱۳). این حملات به "میلیون‌ها نفر کشته" و "ناامنی و بی‌ثباتی در منطقه" منجر شد (منبع ۴ و ۱۳).
- **گسترش ناتو و افزایش بودجه نظامی:** پس از ۱۱ سپتامبر، ناتو اعلام کرد که مورد حمله قرار گرفته و این منجر به گسترش ناتو و افزایش قابل توجه بودجه نظامی در بسیاری از کشورها شد (منبع ۱۳).
- **نقض حقوق بشر:** در چارچوب "جنگ علیه ترور"، قوانین "میهن‌پرستی (Patriot Act)" در آمریکا تصویب شد که "به دولت اختیارات وسیعی برای نظارت و کنترل شهروندان داد" و "محدودیت‌های گسترده‌ای در حقوق و آزادی‌های مدنی" در کشورهای غربی اعمال گردید (منبع ۱۳).
- **ظهور گروه‌های تروریستی جدید:** جنگ‌های پس از ۱۱ سپتامبر، "به ظهور و تقویت گروه‌های تروریستی جدیدی مانند داعش" منجر شد که "پیامدهای امنیتی گسترده‌تری را برای منطقه و جهان به همراه داشت." (منبع ۱۳).

۷. نتیجه‌گیری و دعوت به حقیقت

کتاب ناصر کاوه بر "اهمیت تحقیق مستقل و پرسشگری انتقادی" تاکید می‌کند (منبع ۱۴). این کتاب "پایانی برای بحث نیست، بلکه آغاز یک گفتگوی عمیق و پرسشگری مداوم است" (منبع ۷۵). او نتیجه می‌گیرد که "روایت رسمی حادثه ۱۱ سپتامبر، با وجود پذیرش عمومی، مملو از شکاف‌ها و تناقضاتی است که نمی‌توان به سادگی از کنار آن‌ها گذشت." (منبع ۱۴). "مسئولیت ما به عنوان شهروندان آگاه، بررسی دقیق این شواهد و پرسیدن سوالات درست است." (منبع ۱۴). "اگر ما نتوانیم درس‌های لازم را از حوادثی چون ۱۱ سپتامبر بیاموزیم، و اگر اجازه دهیم که روایت‌های دروغین و دستکاری شده، سرنویست جوامع را رقم بزنند، در معرض تکرار سناریوهای مشابه، با ابعاد و پیامدهای جدید، قرار خواهیم گرفت." (منبع ۷۵).

شیطان بزرگ

شیطان بزرگ خیلی حرف پر مغزی است. رئیس همه‌ی شیطانهای عالم، ابلیس است؛ اما ابلیس بنا به تصریح قرآن، تنها کاری که میتواند بکند این است که انسانها را فریب میدهد، وسوسه میکند؛ اما آمریکا، هم اغواء میکند، هم کشتار میکند، هم تحریم میکند، هم فریب میدهد، هم ریاکاری میکند؛ ادعای طرف‌داری از حقوق بشر میکند [اما] هر چند روز یک بار در خیابانهای شهرهای آمریکا یک بی‌گناهی، یک بی‌سلاحی به دست پلیس آمریکابه خاک و خون می‌غلند.

سید محمد
۹۴/۶/۱۸

CHAFYE.COM

یازده سپتامبر: دروغ بزرگ و پرسش‌های بی‌جواب

در اینجا یک پرسش و پاسخ ۸ سوالی از منابع ارائه شده است:

۱. رویکرد اصلی کتاب «دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر» به حوادث ۱۱ سپتامبر چیست و چه چیزی آن را از روایت رسمی متمایز می‌کند؟

پاسخ: کتاب «دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر» نوشته ناصر کاوه، روایت رسمی حوادث ۱۱ سپتامبر را به شدت زیر سوال می‌برد و آن را «دروغی بزرگ» می‌نامد که برای اهداف سیاسی، اقتصادی و نظامی مهندسی شده بود. در حالی که روایت رسمی، حملات را به القاعده و اسامه بن لادن نسبت می‌دهد و آن را یک حمله تروریستی ساده معرفی می‌کند که جهان را به دو بخش قبل و بعد از ۱۱ سپتامبر تقسیم کرد، این کتاب ادعا می‌کند که شواهد علمی، شهادت شاهدان عینی، و تحلیل‌های دقیق، تناقضات آشکاری را در این روایت نشان می‌دهد.

هدف اصلی کتاب، صرفاً بیان یک روایت جایگزین نیست، بلکه دعوت به تفکر انتقادی، تحقیق مستقل و پرسشگری شجاعانه است تا خوانندگان خودشان به حقیقت ماجرا پی ببرند. این کتاب، ۱۱ سپتامبر را نه یک رویداد تروریستی تصادفی، بلکه بخشی از یک توطئه بزرگتر با اهداف پیچیده سیاسی و استراتژیک می‌داند که مسیر سیاست خارجی آمریکا را به کلی تغییر داد و به جنگ‌هایی در منطقه منجر شد.

۲. چه شواهد علمی و مهندسی در کتاب برای زیر سوال بردن روایت رسمی فروپاشی برج‌های دوقلو و ساختمان WTC 7 ارائه شده است؟

پاسخ: کتاب چندین شواهد علمی و مهندسی را برای زیر سوال بردن روایت رسمی فروپاشی برج‌های دوقلو و ساختمان WTC 7 ارائه می‌دهد:

- **فروپاشی غیرعادی:** برج‌های دوقلو به صورت تقریباً عمودی، متقارن و با سرعتی بسیار نزدیک به سرعت سقوط آزاد فرو ریختند. این نوع فروپاشی با «پانکیکنگ» (فرو ریختن طبقات روی هم) ناشی از آتش‌سوزی، که روایت رسمی آن را عامل فروپاشی می‌داند، سازگار نیست. مهندسان معتقدند که آتش‌سوزی هرگز نمی‌تواند چنین سرعتی در فروپاشی یک سازه فولادی عظیم ایجاد کند.
- **نانوترمیت:** کشف ذرات نانوترمیت (ماده منفجره پیشرفته با توانایی ذوب فولاد در دماهای بسیار بالا) در بقایای گرد و غبار برج‌ها توسط دانشمندانی مانند استیون جونز، یکی از قوی‌ترین شواهد علیه روایت رسمی است. این یافته نشان می‌دهد که مواد منفجره ممکن است برای تخریب ساختمان‌ها استفاده شده باشند.
- **فروپاشی ساختمان WTC 7:** این ساختمان ۴۷ طبقه، که مورد اصابت هیچ هواپیمایی قرار نگرفت و تنها دچار آتش‌سوزی‌های پراکنده و محدودی شده بود، نیز در بعدازظهر همان روز به صورت متقارن و با سرعت سقوط آزاد فرو ریخت. این اتفاق به شدت شبیه به تخریب کنترل شده است و روایت رسمی NIST (اداره ملی استاندارد و فناوری) که آتش‌سوزی‌های محدود را دلیل فروپاشی می‌داند، برای بسیاری قانع‌کننده نیست. برخی شهود عینی نیز از شنیدن صداهایی شبیه به انفجار پیش از فروپاشی این ساختمان خبر داده‌اند.

این شواهد، فرضیه «تخریب کنترل شده» ساختمان‌ها با استفاده از مواد منفجره را به جای فروپاشی ناشی از برخورد هواپیما و آتش‌سوزی، تقویت می‌کند.

۳. ابهامات مطرح شده در کتاب درباره هویت هواپیماها و حمله به پنتاگون چیست؟
پاسخ: کتاب در مورد هویت هواپیماهای ۱۱ سپتامبر و حمله به پنتاگون نیز ابهامات جدی را مطرح می‌کند:

- **هویت و ماهیت هواپیماها:** روایت رسمی مدعی است که چهار هواپیمای مسافربری بوئینگ ربوده شده و به اهداف خود برخورد کرده‌اند. اما این کتاب به تناقضاتی در تصاویر هواپیماها (اندازه، شکل بال، رنگ)، فقدان بقایای قابل توجه هواپیما در محل برخورد برج‌ها و پنتاگون، و تردیدهایی در مورد مدل دقیق و شرکت‌های هواپیمایی اشاره می‌کند. برخی شاهدان عینی نیز ادعا کرده‌اند که هواپیماها پنجره نداشته‌اند و به نظر یک پرواز عادی نمی‌رسیدند. حتی یری میسن، محقق فرانسوی، مدعی است که هواپیماهای برخورد کرده به برج‌ها اساساً مسافربری نبوده‌اند و موشکی برای ایجاد شکاف در برج پیش از برخورد هواپیما شلیک شده است.
- **حمله به پنتاگون (موشک یا بوئینگ؟):** در مورد حمله به پنتاگون، ابهامات بیشتری وجود دارد. سوراخ ایجاد شده در دیوار پنتاگون (حدود ۱۸ فوت)، بسیار کوچک‌تر از ابعاد یک هواپیمای بوئینگ ۷۵۷ (با عرض بال حدود ۱۲۵ فوت) است که ادعا می‌شود به آن برخورد کرده است. همچنین، فقدان بقایای قابل توجه هواپیما (بدنه، بال، موتورها) در محل برخورد، شواهد بصری آسیب سطحی‌تر نسبت به انتظار از برخورد یک هواپیمای غول‌پیکر، و گزارش شاهدان عینی از شنیدن صدای موشک پیش از برخورد، این فرضیه را تقویت می‌کند که ممکن است یک موشک کروز به جای هواپیما به پنتاگون اصابت کرده باشد. حتی دونالد رامسفلد، وزیر دفاع وقت آمریکا، در نامه‌ای به عبارت «موشک یک» برای توصیف آنچه به پنتاگون اصابت کرده، اشاره کرده است.

این ابهامات این سوال را مطرح می‌کند که آیا سناریوی ۱۱ سپتامبر با استفاده از حملات نمایشی و انحرافی برای پنهان کردن حقیقت طراحی شده بود.

۴. چه ارتباطی بین معاملات مشکوک بورس پیش از ۱۱ سپتامبر و ایده «آگاهی قبلی» از حملات وجود دارد؟

پاسخ: کتاب به معاملات مشکوک بورس در روزهای پیش از ۱۱ سپتامبر اشاره می‌کند که می‌تواند نشانه‌ای از «آگاهی قبلی» افراد خاص از وقوع حملات باشد. در روزهای قبل از ۱۱ سپتامبر، حجم عظیمی از معاملات استقراری (Short Selling) بر روی سهام شرکت‌های مرتبط با برج‌های دوقلو و صنعت هواپیمایی (به ویژه یونایتد ایرلاینز و امریکن ایرلاینز) به طور ناگهانی افزایش یافت. این معاملات، به معنای شرط‌بندی بر کاهش ارزش سهام این شرکت‌ها بود و می‌توانست سود هنگفتی را برای کسانی که از وقوع حادثه مطلع بودند، به همراه داشته باشد.

این افزایش غیرعادی معاملات استقراری در بازار بورس سایر کشورها مشاهده نشد و این موضوع نشان می‌دهد که این معاملات ممکن است به صورت هدفمند توسط افرادی انجام شده باشد که از وقوع حملات ۱۱ سپتامبر اطلاع قبلی داشتند. منتقدان اشاره می‌کنند که کمیسیون ۱۱ سپتامبر تحقیقات جامعی در این زمینه انجام نداد و ارتباط مستقیمی بین این معاملات و عاملان حادثه برقرار نکرد، که این عدم پیگیری خود به ابهامات دامن می‌زند. این موضوع ابعاد مالی و اقتصادی حادثه را برجسته می‌کند و این گمانه را تقویت می‌کند که ممکن است افرادی در داخل یا خارج از دولت آمریکا از وقوع حوادث مطلع بوده و از این اطلاعات برای کسب سود مالی استفاده کرده باشند.

۵. «نظریه ۱۱۵ دلیل برای شک» دیوید ری گریفین چه ابعدی را پوشش می‌دهد و چرا مهم است؟

پاسخ: «نظریه ۱۱۵ دلیل برای شک» توسط پروفیسور دیوید ری گریفین، یکی از برجسته‌ترین و پرکارترین محققان مستقل در مورد حوادث ۱۱ سپتامبر، در کتاب خود با عنوان «روایت رسمی ۱۱ سپتامبر: حذفیات و تحریفات» مطرح شده است. این نظریه به طور مفصل به بررسی تناقضات، موارد حذف شده، و سوالات بی‌پاسخ در گزارش رسمی کمیسیون ۱۱ سپتامبر می‌پردازد و ابعاد مختلف فنی، مهندسی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی حادثه را پوشش می‌دهد.

اهمیت نظریه گریفین در جامعیت آن و استناد دقیق به منابع (گزارش‌های رسمی، شهادت شاهدان عینی، مقالات علمی و تحلیل‌های فنی) است. او با طرح سوالات بنیادین و کنار هم قرار دادن شواهد به ظاهر بی‌ارتباط، تصویری جامع از ابهامات موجود را ارائه می‌دهد که روایت رسمی را به چالش می‌کشد. برخی از دلایل کلیدی گریفین شامل موارد زیر است:

- **فروپاشی غیرعادی برج‌ها و ساختمان WTC 7:** نقد فروپاشی سریع و متقارن که با آتش‌سوزی سازگار نیست.
- **حمله به پنتاگون:** ابهامات مربوط به اندازه سوراخ، فقدان بقایای هواپیما و فرضیه اصابت موشک کروز.
- **هویت هواپیماها:** تردیدها در مورد مدل و هویت واقعی هواپیماهای درگیر.
- **فقدان دفاع هوایی:** عدم واکنش مناسب نیروهای دفاع هوایی به هواپیماهای ربوده شده.
- **معاملات مشکوک بورس:** عدم پوشش جامع معاملات استقراری پیش از حادثه.
- **توجیه جنگ:** استفاده از ۱۱ سپتامبر به عنوان بهانه‌ای برای آغاز جنگ در افغانستان و عراق و گسترش نفوذ آمریکا.
- **نقض حقوق بشر:** ارتباط حادثه با ایجاد زندان گوانتانامو و نقض گسترده حقوق بشر.
- **عدم شفافیت و پاسخگویی:** انتقاد از گزارش کمیسیون ۱۱ سپتامبر به دلیل حذف اطلاعات، تحریف شواهد و عدم بررسی مستقل.

این نظریه به دلیل جامعیت و استناد دقیق، به عنوان یکی از قوی‌ترین نقدها به روایت رسمی ۱۱ سپتامبر شناخته می‌شود و نشان می‌دهد که چگونه یک روایت واحد، بدون بررسی عمیق و مستقل، توانسته مسیر تاریخ جهان را تغییر دهد.

۶. کتاب چه پیامدهایی را برای منطقه خاورمیانه و جهان پس از ۱۱ سپتامبر برجسته می‌کند؟

پاسخ: کتاب «دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر» پیامدهای عمیق و گسترده این حادثه را برای منطقه خاورمیانه و جهان برجسته می‌کند:

- **آغاز «جنگ علیه تروریسم»:** ۱۱ سپتامبر بهانه‌ای شد برای آمریکا و متحدانش تا «جنگ علیه تروریسم» را آغاز کنند که منجر به دخالت نظامی در افغانستان (به بهانه سرنگونی طالبان و نابودی القاعده) و سپس حمله به عراق (با ادعای وجود سلاح‌های کشتار جمعی و ارتباط با القاعده) شد. این جنگ‌ها با هزینه‌های انسانی و مالی عظیمی همراه بود و به جای مبارزه با تروریسم، به گسترش آن منجر شد.
- **افزایش ناامنی و بی‌ثباتی:** جنگ‌های افغانستان و عراق، نه تنها به نتایج پایدار و دلخواه دست نیافتند، بلکه به ظهور و تقویت گروه‌های تروریستی جدیدی مانند داعش منجر شد که پیامدهای امنیتی گسترده‌ای را برای منطقه و جهان به همراه داشت.
- **دگرگونی سیاست خارجی آمریکا:** سیاست خارجی آمریکا از «مداخله نکردن مگر اینکه مورد حمله قرار گیرد» به «تهاجم آغازکننده» تغییر یافت و به گسترش ناتو و افزایش بودجه نظامی در بسیاری از کشورها منجر شد.
- **نقض حقوق بشر و آزادی‌های مدنی:** در چارچوب «جنگ علیه ترور»، محدودیت‌های گسترده‌ای در حقوق بشر و آزادی‌های مدنی در کشورهای غربی اعمال شد، از جمله تصویب قوانینی مانند «قانون میهن‌پرستی» در آمریکا که به دولت اختیارات وسیعی برای نظارت و کنترل شهروندان داد.
- **اسلام‌هراسی و ترویج چهره‌ای خشن از اسلام:** این حادثه بهانه‌ای شد برای گسترش اسلام‌هراسی و معرفی چهره‌ای افراطی و خشن از اسلام به جهان غرب، که به فشار بر گروه‌های اسلامی و مسلمانان منجر شد.
- **منافع اقتصادی و سیاسی:** تحلیلگران معتقدند که این حادثه، بهانه‌ای برای پیشبرد اهداف ژئواستراتژیک و اقتصادی آمریکا در خاورمیانه، از جمله غارت منابع نفتی و ایجاد درگیری‌های داخلی برای تضعیف کشورهای منطقه، بود.

به طور کلی، کتاب این پیامدها را نشانه‌ای از نادرست بودن استراتژی یا وجود اهداف پنهان در پشت روایت رسمی ۱۱ سپتامبر می‌داند که به جای صلح و ثبات، به جنگ، ترور و نقض حقوق بشر در مقیاس وسیع‌تر انجامید.

۷. برخی از تحلیلگران و کارشناسان چگونه ۱۱ سپتامبر را «کار خودشان» (عملیات پرچم دروغین) توصیف می‌کنند؟

پاسخ: بسیاری از تحلیلگران، محققان و حتی برخی مقامات سابق آمریکایی، ۱۱ سپتامبر را نه یک حمله تروریستی از سوی القاعده، بلکه یک «عملیات پرچم دروغین» یا «کار خودشان» (توسط دولت آمریکا یا گروه‌های قدرتمند در داخل) می‌دانند. این دیدگاه بر اساس مجموعه‌ای از دلایل و شواهد مطرح می‌شود:

- **اطلاع قبلی و نادیده گرفتن هشدارها:** شواهدی مبنی بر عدم آمادگی دفاع هوایی، نادیده گرفتن تهدیدات القاعده، و عدم واکنش مناسب به پروازهای رپوده شده، این گمانه را تقویت می‌کند که ممکن است دولت آمریکا از وقوع حادثه مطلع بوده یا حداقل آمادگی لازم برای جلوگیری از آن را نداشته است.
- **اهداف ژئواستراتژیک:** این تحلیلگران معتقدند که ۱۱ سپتامبر بهانه‌ای شد برای توجیه لشکرکشی آمریکا به خاورمیانه و شمال آفریقا (عراق، افغانستان، سوریه، لیبی، لبنان و ایران)، گسترش نفوذ آمریکا در منطقه و تضمین منافع ژئواستراتژیک و نفتی آن. ژنرال ولسی کلارک، فرمانده سابق ناتو، در اظهارات خود به برنامه‌ریزی برای حمله به ۷ کشور در ۵ سال پس از ۱۱ سپتامبر اشاره کرده است.
- **عدم شفافیت و لاپوشانی:** عدم پیگیری کامل پرونده ۱۱ سپتامبر، طبقه‌بندی بسیاری از اسناد و اطلاعات مربوط به حادثه، و انتقاد شدید از گزارش کمیسیون ۱۱ سپتامبر به دلیل حذف شواهد و تحریف اطلاعات، گمانه دخالت یا پنهان‌کاری دولت آمریکا را تقویت می‌کند.
- **نظریه «پروژه قرن جدید آمریکا» (PNAC):** «برخی معتقدند که نومحافظه‌کاران آمریکایی در گروهی به نام «پروژه قرن جدید آمریکا» (PNAC) «حملات به پنتاگون و مرکز تجارت جهانی را به عنوان بهانه‌ای برای حمله به عراق و افغانستان طراحی کرده بودند تا سیطره آمریکا بر جهان را تضمین کنند.
- **نقش سازمان‌های اطلاعاتی:** برخی شواهد به ارتباط یا اطلاع احتمالی سرویس‌های اطلاعاتی خارجی مانند موساد اسرائیل یا اطلاعات عربستان سعودی از حوادث پیش رو اشاره دارند، که می‌تواند نشان‌دهنده یک توطئه پیچیده‌تر باشد. «فتنر جیمز» آشکارا مدعی است که این ماجرا زیر سر اسرائیل بوده و «نتانیاهو» آن را فرصتی تاریخی برای نومحافظه‌کاران آمریکا می‌دانسته است.
- **نظریه هواپیماهای «هولوگرافیک» یا «موشک»:** «برخی تئوری‌ها حتی فراتر رفته و مدعی‌اند که هواپیماهای برخورد کرده به برج‌ها تصاویر هولوگرافیک یا موشک بوده‌اند و هواپیماهای واقعی درگیر نبوده‌اند.
- **عدم حضور یهودیان:** آمارهای منتشر شده حاکی از آن است که از بیش از ۴۰۰۰ یهودی فعال در برج‌های دوقلو، تنها ۵ نفر در حملات کشته شدند. برخی این موضوع را نشانه‌ای از هماهنگی قبلی برای عدم حضور یهودیان در محل کار خود در روز حادثه می‌دانند.
- **دستور خروج فوری بستگان بن لادن:** ریچارد کلارک، مسئول سابق بخش ضدتروریستی کاخ سفید، گفته است که پلیس فدرال دستور اجازه پرواز فوری ۱۳ نفر از بستگان بن لادن از سراسر آمریکا را پس از حادثه تایید کرده بود.

این نظریات، ۱۱ سپتامبر را ابزاری برای پیشبرد سیاست‌های آمریکا و دستیابی به اهداف خاصی می‌دانند که با روایت رسمی تناقض دارد.

۸. نویسنده کتاب «دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر» در سخن پایانی خود چه درسی را از این حادثه و ابهامات آن نتیجه‌گیری می‌کند؟

پاسخ: در سخن پایانی کتاب «دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر»، نویسنده (ناصر کاوه) به جای ارائه یک «حقیقت قطعی»، به سه نکته کلیدی برای خوانندگان اشاره می‌کند:

1. **اهمیت تحقیق مستقل:** نویسنده تأکید می‌کند که در دنیای امروز با حجم عظیمی از اطلاعات، صحت و اعتبار آنها همواره جای سوال دارد. رسانه‌های جریان اصلی گاهی ابزاری برای تبلیغات و انتشار روایت‌های غالب می‌شوند. در چنین فضایی، تحقیق مستقل – یعنی جستجوی فعالانه شواهد، مقایسه منابع مختلف، و تحلیل انتقادی اطلاعات – نه تنها یک حق، بلکه یک ضرورت برای هر شهروند آگاه است. ۱۱ سپتامبر نمونه بارزی از لزوم این تحقیق مستقل است، زیرا روایت رسمی، با وجود پذیرش عمومی، مملو از شکاف‌ها و تناقضاتی است که به سادگی نمی‌توان از کنار آنها گذشت.
2. **هشدار نسبت به تکرار سناریوهای مشابه:** تاریخ غالباً خود را در تکرار الگوها و مکانیسم‌های قدرت تکرار می‌کند. اگر نتوانیم درس‌های لازم را از حوادثی چون ۱۱ سپتامبر بیاموزیم و اگر اجازه دهیم که روایت‌های دروغین،

سرنوشت جوامع را رقم بزنند، در معرض تکرار سناریوهای مشابه با ابعاد و پیامدهای جدید قرار خواهیم گرفت. جنگ‌هایی که پس از ۱۱ سپتامبر آغاز شد و محدودیت‌هایی که بر آزادی‌های مدنی اعمال گردید، نشانه‌هایی از این خطر هستند.

3. **دعوت به ساختن جهانی آزادتر بر پایه آگاهی:** هدف نهایی این کتاب صرفاً زیر سوال بردن یک روایت خاص نیست، بلکه ایجاد جامعه‌ای است که در آن آگاهی، حقیقت و عدالت، اهداف اساسی باشند. جهانی که در آن شهروندان از توانایی لازم برای تحلیل اطلاعات، تشخیص حقیقت از دروغ، و مقاومت در برابر روایت‌های تحمیلی برخوردار باشند. نویسندگان را تشویق می‌کند تا مسئولیت خود را در قبال حقیقت بپذیرند و با استفاده از آگاهی به عنوان «بزرگترین سلاح ما»، به ساختن جهانی آزادتر، عادلانه‌تر و حقیقت‌محورتر کمک کنند.

به طور خلاصه، نویسندگان خوانندگان را به ادامه مسیر پرسشگری و تحقیق فرا می‌خواند و ۱۱ سپتامبر را نه پایان یک داستان، بلکه دریچه‌ای به سوی درک عمیق‌تر از سازوکارهای قدرت و چگونگی شکل‌گیری روایت‌های عمومی می‌داند.

A BIG LIE CALLED SEPTEMBER 11TH

دروغی بزرگ به نام ۱۱ سپتامبر

NASSER KAVEH